CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تحقیقات کوشانی

شماره اول سال سیزدهم
کابل - سرطان ۱۳۶۰ نمبر مسلسل ۷۰

علمی - تاریخی و تحقیقی

اثری زینتی مربوط به قرن اول پیش از میلاد مکشوفهٔ طلاتپه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تحقیقات کوشانی

प्रो० बी० एन० पुरी
संग्रह
लखनऊ

شمارهٔ اول - سال چهارم - نمبر مسلسل ۷

سرطان ۱۳۶۰

مینخوانید

بودا و جامعهٔ عصرش	برگردانندهٔ: م. جوینده
تبصره یی پیرامون	برگردانندهٔ: ح. پاسیر
کشف جدید	برگردانندهٔ: ح. خفار
هیراکلیس بده	برگردانندهٔ: فرید
اندیشهٔ مرگ در هنر	برگردانندهٔ: نیک سیر
کوشانیها و ایران	برگردانندهٔ: ح. اعظمی
نتیجهٔ کار گسسته	برگردانندهٔ: امین حکیم
عقاید مذهبی رواج بودیزم	نگارش: شریفی
و کوشانیان و کابل شاهیان	ژباړونکی: عتیق زوی
کوشانیها و پرستش آفتاب	برگردانندهٔ: حیدری
کتاب شناسی کوشانی	برگردانندهٔ: حمید الله صدیقی
طلاتپه در مطبوعات جاپان	
TEI LA-TEPE IN JAPANESE PRESS,	

وزارت اطلاعات و کلتور
مرکز بین المللی مطالعات کوشانی

مدیر مسئول: گل محمد ادبیار

اعضای تصحیح:

عبدالله دوست - محمد امین حکیم - محمد احسان محسنی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نویسنده د. دکو شامبی برگر داننده : میراحمد جوینده

بودا و جامعه عصرش

State Museum Library Lucknow 6878

حیات بودا، ارزش آن دارد تـامختصرا در باره اش تشریحی داده شود نه به‌خاطر اینکه هسته اساسی افسانه های زمانه های بعدی قرار گرفته بلکه تصویر روشنی است ازمحیط اجتماعی زمان زیســت او . موسس بودیزم با نام گوتاما (۱) که بعدها پیروانش لقب سیدهارتا(۲)را بدان افزود ند دریك قبیله کو چـك نسبتاگمنام کشتریا(یکی ازکاست‌های چهار گانه‌هندیعنی برهمن، کشتریاو یسیاو سودرا) ساکـیا (۳) زاده شده بود.این‌قبیله به‌یکی‌اززبانهایی‌اریایی سخن میراندند و خود ادعای آریایی بودن را داشتند . نام قبلـه‌درست با تلفظ زبان پالی (٤) یکی از زبانهای هندی یعنی ساکا (٥) دریکی‌از کتیبه های زبان ایلامی مربوطبه امپرا طور هخا منشی داریو ش اول‌در سده ششم پیش از میلاد برای قبیله فتح شده استعمال گرد یـده‌است . اگر چه ارتباط مستقیم بین این دو نام شاید موجود نباشد ولی‌منشاء آریایی این قبیله منطقی‌بنظر می رسد . داخل قبیله ساکیا سیسم‌کاست موجود نبوده و ویژگ یهای بر جسته دیدی به مشا هده نرسیـده‌است . علی الرغم کشتر یابـودن‌شان یعنی اسلحه بر دوش و جنگجوباشند گان این قبیله به کشاورزی نیز مشغول بودند . تمام مردم ایـن‌سامان حتی پدر بودا نیز دست به اسپار برده اند . بر علاوه آنهادارای‌مستعمرات تجارتی نیگاما (٦) فارم از مرز های جغرا فیایی شان داشتندرهبران قبیله متناوب انتخاب مـی گردیدند که این خود منشا داستان‌تولد بودا بحیث یك شهزاده و در‌ناز و نعمت زندگی گردن او گردیده‌است. در واقعیت امر استعمال‌کلمه راجانیا (۷)،بیان این قبیله دلالت‌برانتخاب شخص بحیث رئیس قبیله‌می نماید . سران قبیله از قدرت وصلاحیت زیادی بدون از عفو و اعدام بر خور دار بودند . اینگونه صلا حیت‌ها به حکام بالاتر از ایشان شا هان کوشالان «۸» تعلق میگر فت کـه‌فرما نروایان بر تر از آنها بودند . بنابر ین آنها کاملا متفاوت از قبایل‌مستقل اریانی چون مالاهـا «۹» و

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

لیچو یها (۱۰) بو دند که ما نند جمهوریت های یونان باستان همیشه در نبرد بودند و بالاتر از ایشان شاه خارجی ونظارت کننده وجود نداشت تاریخ تولد بودا (۱۱) یك رقم گرانبها و مرجع اصلی برای کرونو لوژی کار ما بشمار میرود . او یعنی بودا به عمر هشتا سالگی در گذشت گروهی از هنریها این مرگ را به سال ۵۴۳ پیش از میلاد به حساب میاورند .

که در اثر آن یك جهش شصت سال بدون تشریح بوجود میاید که یك حلقه مکمل شصت را دربرمی گیرد در این مدنیت «یعنی ۶۰ سال» که هند یها و بخشی ازمردمان آسیایی سنه ها یشان را بدان حساب می گیرند سال ۴۸۳ پیش از میلاد به نظر می رسد که ثابت تر بوده که با واقعات بعدی ارتباط گرفته وسند دیگریکه عبارت از دست نویس بروی برگ خرما بود و به یکی از سال های مهم چینی به کانتون (۱۲) انتقال داده شده آنرا تقویت می نماید.

منطقه کوچك ساکیا که زندگی بدوی داشته و نسبتا در فقر بسر میبردند در دوطرف مرز های مشترك هندونیپال امروی با امتداد بستی ۱۳ وگورکپور ۱۴ موقعیت دارد قبیله مجاورزادگاه بودا یعنی کولیان ۱۵ نیز از تبلیغات و تعلیمات بودا مستفید گردیده و بعد از مراسم سوزا ندن بودا ادعای بدست آوردن قسمتی از خاکستر او را نمودند . اگر چه بسیاری ازآنها در مرحله بسیار بدوی قبیلوی باپرستش درخت کول (۱۶) «پیروان توتمیزم بودند که حیوا نات یا نباتات را پرستش نموده و ریشه قبیله خود را به آن نسبت میدادند) زیست داشتند وبرخی هم از پیروان پرستش گاونر بودند ساکیا ها همیشه با آنها روی تقسیم واستفاده ازآب دریای رو منیی (۱۷) در جنگ وستیز بودند ومخالف به تمام وعنعنات آریایی هرگز بعدازمسموم ساختن آب مذکور ابا نمی ورز یدند بودا خود در سایه یك درخت شال (۱۸) درخت که نزد الحه های مادر لومبیی (۱۹) مقدس بود زاده شد این ولادت درست بعد از عسل مادر بودا در محلیکه گل مقدس لوتوسبین دریا از آب بیرون و باز گردید صورت گرفت که این نقطه محل مقدس نزد قبیله ساکیا بود . درخت شال (۲۰) توتم «معبو دیا مو ردپرستش» قبیله ساکیا بوده و ما یا (۲۱) مادر بودا «یك هفته بعد ازتولد پسر در گذشت و مانند هرزن دیگر هندی مراسم تدفین وی صورت گرفت. الهه لومبینی هنوز هم درین محل تحت نام رو میندی (۲۲) توسط ساکنان آن که نام بودا را بکلی فراموش کرده اند پرستش میشود .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

گوتام ۲۳ جوان به آموزش تـــمام تعلیمات عنعنوی کاسا ۲٤ کشتر یااز قبیل استعمال «اسلحه» اسپسواری، و گادی دوانی ومراسم قبیلوی ساکیا پـــر داخت

اوباشاهدخد ساکیابنام کچانا۲۵ازدواج نمود وپسری بنام راهولا ۲٦ به دنیا آودند : اما تاثیرات فلسفه های جدید عصرش او را واداشت تـــا مسایل مربوط زندگی را حل علت وطرق از بین بردن رنج را از میـــان بشریت در یابد . در سن ۲۹ سالگی درست بعد از تولد پسرش راهولااو خانه و قبیله اش را ترك نمود وموهایش را تراشید و لباس ریاضت به تن کرد و بدنبال حل سوالش یعنی نجات انسا نیت شتافت . در حدود شش سال به جستجویی رهنمایی ازآموز گاران مختلف در مرحله او ل و بعد هاتجربه مستقیم بدون قناعت پرداخت .زندگی یك مرد درویش به زودی در اثر فاقه های جسمی دورودر حالت تجرید و انزوا از بشریت میان جنگل نزدیك بود به نیستـــی گراید . بالاخره نزدیك گیا (۲۷)

درکنار دریای نپرنجارا(۲۸)درحالیکه زیر درخت پاپیل (۲۹) نشسته بودبه کشف آخرین خوددست یافت که این نقط تا امروز زیار تگاه و محل متبرك بودایان شمار رفته و صد ها هزارنفر سا لیانه بزیارت آن می پردازند و حتی شاخه های ازین درخت قطع شده و بجا های دور چون سرپلانگا و شرق دور برده شده و غـــرس گردید. . نخستین موعظه در سرنت (۳۰) نزدیکی بنارس (۳۱) شهری در ایالت او تاریرا دیش هندصورت گرفت .این همان محلیست که گوتام همرا هیبش را ترك گفته واز ریاضت و شکنجه جسمی دست کشیده بود. بقیه «٤٥» سال زندگی اش چـــون آواره یی تگدی برای غذا بـــا ستثنای موسم جبری بارانهای شدت مونسون هند گذشت و در هر جا به تبلیـــغ و تدریس کشف جدید ش مشغول بود . اغلبا او درانزواه کامل دورازانظار برای در یافت پاسخ به سوال های مهم اجتماعی می زیست . دردراواخر زندگی جوانش انا نـــدا (۳۲) او را همرایی مینمود تا مطابق دسا تیر مجوزه مراقبت او را نماید روایات بودائی حا کیست که هیـــچ یك از تعالیم بودا به رشته تحریر در نیامده بودبلکه اناندا «۳۳» بودکه آن ها را به حافظه سپرده و جمع آوری می کرد .

بسیاری از موعظه های بودا درمرکز دودمان کوشالا (۳٤) شهر - سووانی (۳۵) صورت پدیرفت تـــادیگر شهر های آنزمان . سفر های تبیلغی او بیشتر به شهر هـــای کوشامبی (۳٦) و در نهایت تامتهورا (۳۷) در کنار دریای جمنا محدودبوداگر چه گفته میشود که وی یك مرتبه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

به سر زمین کورو (۳۸) نیز رفته است . در باز گشت ازین مناطق به نقاطی در کنار دریای گنگا از قبیل راجگیر (۳۹) و گیا (٤٠) عبور نموده و تا میرزا پور ٤١ می رسید . هیچ سند مقبر تاریخی در باره موجودیت بودا باقی نمانده است هیچ معاصری برای او یاد نشده و در حقیقت بودا برای قرنها بعد از مرگ تنها در سمبول های از قبیل درخت جای پای و یا چرخ قانون در مجسمه های چون بهردت ٤٢ نما یانده شده است . حیات جاودان برای وی داده شده است و برای قرنها بدون کدام سند معتبر مو جودیت برای وی قایل شده اند . اگر چه وی از سالخورد گی اش نام برده و گویا به سن هفتادو نه سالگی از دریای گنگا عبور نموده و به پتنه «٤٣» مواصلت کرده است . مرگ کوشینارا «٤٤» در قلمرو دودمان ها لاها «٤٥» وقتیکه از راجگر (٤٦) به سوواتی (٤٧) می رفت به سراغش آمد .

حیات وی بدون حادثات و خطرات نبوده است . در محلی بنام داکینا- گری (٤٨) «کوههای جنو بی» و نزدیك متهور امذاهب پرستش یاك ٤٩ وجود داشت که پیروان آنها مسافرین را دستگیر نموده سوالاتی از آنها مینمود ند. در صورت عدم پاسخ قناعت بخش به پرسش ها آنها را قربانی میکردند میگویند که بودا قادر شد عده یی از پیروان به این مذاهب رامتقاعد ساخت .بیمبسیا را (٥٠) پادشاه مگدها به این جوان آواره رو آورد و به رهبری ارتش گماشت و در یافته بود که این شخص ناشناس یعنی بودا یك کشیاترازاده تربیه یافته است . بعد از ازین شاه وبوداهر دوتااخیر دوست باقی ماندند. یکی از برهنمان بنام مگاندیا (٥١) دختر مقبول خود رابه غرض ازدواج به بودا تقدیم کرد بدون اینکه طبقه یا کاست وی را در نظر بگیرد . اما بودا ازین ازدواج امتناع ورزید که این خود داری بودا باعث دشمن دختر موصوف گردید و با شهزاده ای ازدواج کرد و تا اخیر به قصدانتقام از بودا بود اتهامات نادرستی از جانب مبلغین مذهبی مخالف بوی وارد میگردید .

غنی ترین وسخاو تمند ترین تاجر عصر سودتا (٥٢) تنها به خاطر اینکه بودا و پیروا نش را در یك شب بارانی پناه داده بود به عروسی با شاهدخت سوواتی (٥٣) موفق گردید . اشخاص زیادی از زن ها و مردان ثروتمند با توجه خاص به تعالیم بودا گوش میداد ند وفادار به دکتورین او باقی ماندند . یکی ازقصه های دلچسپ آنست که زن و

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مردی برای سالها در کنار هم باقی‌ماندند چون متاثر از تعالیم بودابرای تولد دو باره بحیث زن و شوهرشده‌بودند . برای شان گفته شده بودکه تنها بااجرای صادقانه امور خا نوادگی قادرباین خواست شده‌می‌توانند. در میان پیروان و شاگردان بـــودامردمانی از هر گونه موقف هـــای اجتماعی وجود داشت . قرار روایات‌اوپالی (٥٤) یکی از پیروان مقرب بودا خودمتعلق به‌یك‌خانواده‌سلمانی‌بود. پسر کاکای بودا که نیـــز از جمله شاگر دان وی بود مخالف بـــااجازه شمول طبقات پاین به قانون بود و حتی تعصب توطعه قتل بوداراچیده بود .

یکی از قدیمترین منابع بودایـــی‌بنام سوتا نیپا تا (٥٥) گزار شا ت مفصل را در باره انتشار بودیـــزم‌وهندو ستان آنز مان ارایه میدارد . بر همنی از کوشالا بنام باوری (٥٦)بعد از اعتقاد به بودیزم پایتخت را گذا شته به طرف جنوب رفت . اوباتنی چند از شاگردان بودادر تقاطع دریای مولا(٥٧)گوداوار (٥٨)مستقرگشت . او زندگی را برگز ید که‌غذا رااز گدایی بدست می آوردو بابرگ‌ها و ریشه های نباتات تامین حیات مینمود . اینها از یك جا به جای‌دیگرمی رفتند و بودا را دیدند که در کلبه سنگی خارج شهر زندگی می کنـــدسوالاتی از او نمود ند . چه چیـــز جهان را پوشا نیده و چه چیز آنراروشنی میدهد ؟ چه چیز باعث مرگ انسانها میشود ؟ چه کسی قویتر ین‌مرد جهان است؟ منبع‌رنج‌های جهان چیست ؟ و سولاتی ازین قبیل طرح‌کردند .درین وقت راه تجار تی‌شمال و جنوب وجود داشت . کوشالا بـــااهمیت تراز گلد هابود .نشان می‌دهد که زراعت تا سده ششم پیش‌ازمیلاد در سواحل دریای گودا واری مروج نبود برای اینکه در همین وقت‌سیستم قلبه و گاو آهن از شمـــال بدانجا رسیده‌بودنواحی دکن درست‌درزمان بوداز قبل‌التاریخ به‌تاریـــخ ارتقا می یافت که کاوش های باستانشناسی آنها را با ثبات رسا نیده اســـت .

کتب بودایی وظایف و مکلفیـــت‌های خانواده و دهاقین را بدون در نظر داشت کاست‌آنها مشخصـــمی‌ساخت آنهابا مراسم‌مذهبی برهمیزم مخالفت مینمودند که رشته عمیـــق‌استدلال نداشت .

بودا یزم در حقیقت تحولی بوددر دیانت هند آنزمان برای اینکـــه عوض عده محدود اکثریت مردم مـــی‌توانستند به تبلیغات دینی بپردازند و مخالف انحصار در دین بود .

آنها می گفتند که رهزنی و غارت‌نباید با مجازات جواب داده شود . منبع خرابی اجتماع‌فقرو بیکاری‌است‌که نمی توان با بخشش و اعانه ها

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

آن را از بین برد . راه درست آن عرضه تخم و غذا برای انانیست که به زراعت و مالداری مشغول اندآنانیکه به تجارت مشغول اند باید سرمایه در اختیار شان گذا شتـــه‌شود . برای کار کنان دولتی مـزد درست پراخته شودتا به‌سؤ استفاده‌مجبور نشوند .

این اند یشه ها مشا بهت هـای‌را با اقتصاد سیا سی امروز مـــی رساند که خود تحول بزرکیست‌درمقابل قوانین عصر ویدیك که داشت به تازگی از قانون جنگل بیرون می‌گردید . این فلسفه کنترول انسان را بر خودش تقویت مینمود . چیزیراکه نمی توانست به مردم ارایه دارد عبارت بوداز طرق‌و راههای کنترول‌انسانها بر طبعیت .

زمانیکه بودا در یك قریه گمنا م‌در گذشت تنها یکی از شا گردانش بر بستر مرگ او حاضر بود . دکتورین بودا به انکشاف و انتشار ادامه داد برای اینکه تااندازه زیادی جـوابگوی خواست زمان بود .

1—Gutama
2—Siddhartha
3—Sakka
4—Pali
5—Sakka
6—Nigama
7—Rajanya
8—Koshala
9—Mallas
10—Liccharis
11—Buddha
12—Canton
13—Basti
14—Gorakhpur
15—Koliuan
16—Kol
17—Rohini
18—Sala
19—Lumbini
20—Sala
21—Maya
21—Maya
22—Rummindei
23—Gotama
24—Caste
25—Kaccana
26—Rahula
27—Gaya
28—Neranjara
29—Pipal
30—Sarnath
31—Banaras
32—Ananda
33—Ananda
33—Kosala
34—Savatthi
35—Kosambi
36—Mathura
37—Kuru
38—Rajgir
39—Gaya
40—Mirzupur
41—Bharhat
42—Patna
43—Kusinara
44—Mallas
45—Rajgir
46—Savatti
47—Yaksha
48—Bimbisara
49—Magandiyo
50—Sudatta
51—Savatti
52—Upali
53—Suttanipata
54—Bavary
55—Nula
56—Godavari

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نویسنده : گونتر　　برگرداننده : ح ـ پامیر

تبصره یی

پیرامون کرونولوژی امپراتوری کوشانی

سر آغاز نظرات ذیل اطلا عاتیست از مقدمه‌یی کتاب ٤٢ پومپیوس ترو-گوس در باره شاهان تخاری و ساروکیا .

در این مقدمه قبل از همه بـــا اقتباس ازاثرژوستین، تاریخ پارتی هاتا سفرا نتوینوس و بارگشت دوباره آن پیاده نظام رومی ها که‌در(!) توسط پارتها در سال ٥٣پ،م اسیرشده بودند تشریح گردیده است .

بحث کنونی ما از بیان این مقدهه‌با جمله ٢ شروع‌میشود،البته‌بدنبال این جمله علاوه بر توضیح تاریـــخ‌پارتها، پیرامون سیتی هانیز ضمیمه علاوه شده است .

طبق تشر یحات این مقدمـــه ،مهمترین رویداران عصر را تبـــارز نیروی آسیایی بر تخاری و انحطاطسارو کیا تشکیل میداد .

در مقدمه ٤١ از (٣) اشغال باخترو سغدیانه بواسطه‌سروکیا وآسیانی و نیز چگونگی سلطنت اخیر یونانی‌هاد رباختر مطالب‌چندی‌بیان‌گردیده که باآن تذکری ازنام دو شاه ضمیمه‌شده و بروز حکمروایی آسیایی و سقوط سرو کیا هم به صـــورت دوحادثه پیهم تائید گردیده است .

اما مطالب متذ کره در این مقد مه‌با هم اختلاف دارند ، چنانکه یوسین مینویسد : نام سرو کیا یا ساکا راکوی بحیث نام‌شاهان سکاها تعریف شده میتواند . م .چاسن در اثرش(٤) بدان اشاره نموده مینو سد : سقوط قبیله بر سر اقتدار سابـــق‌که از بین آن شا هانی تبارز کـــرد بواسط قبیله دیگری بو قوع پیوست‌که پومپیوس ترو گوس در مقدمـــه کتاب ٤٢ از آن به عنوان(٥) یادآورگردیده است . به اساس این منابع قبیله جدیدی که بر سرا قتدار آمدعبارت از قبیله آسیا نیست .

این دو حادثه که وابسته به هم‌دیگر بیان شده ایجاب میکنند تـــا این مطلب که حکمرا نان جدید آسیانی، مانند حکمر انان قبیله سا بـــق ساکار کوی بر تخاری ها حکمروایی‌کردند بدان علاوه گردد

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

عنوان سلطنتی شاهان کوشا نـی(٦) طبق نوشته ل . هرما ها ، در مجله اکتا اور نتالیا . سال ١٩٦ ،به حیث عنوانی درمیان قبیله‌ساکها نیز بکار میرفت .

تسمین هان‌شو از پنج قبیله یو چی‌های بزرگ نام گرفته که کو شانی سو مین مقتدر آنها بشمار مـــی‌رفت . در اینجا این سوال مطـر ح میگردد که سقوط ساکارا کـــوی وظهور آسیانی در کدام سال بودقوع پیوست ؟ وقوع این حادثه در متون‌متذکره قبلی ثبت گردیده که شرح آن‌باز ضمیمه کتاب ٤٢ تروگس که‌با باز گشت سواره نظام رومی در سال ٢٠ پ.م پایان میابد ،انطباق‌حاصل میکند .

پسیودو لو سین همچنان معلو ماتی‌در باره ساکارا کوی که آنها «٧» را دو باره بر تخت پاد شاهی پار تی‌ها نشاند ارائه میدارد . این حوادث صرف به سالهای قبل از ٧٦ ـ ٥٧پ.م (٨) مصادف میگردد . دریـــن صورت این امر بما ممکن میگردد تازمان حاد ثات را مشخص نماییم(٩) احتمال دارد ازروی تحقیقات تاریخی‌اپولو دودتس اقتباس شده کـــه تحقیقات وی ممکن است‌با مرك(١٠)در سال ٧٠ پ.م پایان یافته است در این صورت احتمال دارد فاصلـه‌زمانی بین سقوطسا کاراکوی وظهور اسیانی بین‌سا لهای ٧٦ و ٧٠ پ‌م‌محدود گردد . این سنه برای تاریخ متأخر یونانیها در باختر نیزحاوی‌اهیمت است . مطلبی را که پطو لی (١١) در اوسط قرن ٢ نوشته ،وان‌عبارت از اینکه مقارن عصـــر وی ساکارا کوی در اطراف باختر وسغدیانه، درحواشی دریااکسوس زندگی داشتند و آن هـــا بواسطه قبیله‌آسانی و دیگران ازآن جامتـــواری شدندمسئله مهمی راتشکیل میدهدنام اسیانی توسعه پسو ندی کلمـه (١٢) بوده این که توسط سترا بوبه‌قبله جدیدی که در قرن اول‌پ‌م بر سر اقتدار آمد بکار رفته است .

از اعضای این قبیله بسوی غرب‌مهاجرت نمود ، در حالیکه عده دیگر آنها سغد یانه و باختر را به اشغال‌در آورده‌ند .

تصوریکه کلمه (١٣) یا (١٤) یا(١٥) یا«١٦» بواسطه‌پطولی نیزارائه شده که‌برای تحقیقات‌ما نهایت‌جالب‌است . وی محل بود باش آنها را در سغد یانه و باختر که این منا طـــق‌را باقبایل دیگـــر در ١٢٩ـ١٢٨ پ.م به اشغال در آورده بودو یـامناقطی را که در آن جا ها بر تخاری ها بعد از ٧٦ پ‌م فایق آمدند تعین‌نمی کند بلکه آن رادر منا طـق غیر از آن وانمود میسازد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

وی در سغد یانه و با ختر محل بودباش (۱۷) را نشان میدهد ایـــن واقعیت‌هاصرف موضوعی‌راتوجیهه‌میکنند که در عصر نـو یسنده در اوسط قرن دوم میلادی حکمر وایی‌آسیانی (۱۸) پایان یافته بود.درآن وقت تغییرات دیگری در سلسله های‌سلطنتی نیز بوقوع پیوست‌که ممکن سومین تغیران ظهورسلسله‌کوشانی‌ها را تشکیل میداد . من عقیده دارم که تبارز قدرت کنشکا بین سا لهای۳۲۰ و ۲۰۰ بوقوع پوست که‌دراین از حوالی ۱۵۰ تا ۲۰۰ تقریبا نیـــم‌قرن برای شاهان اول دوم کو شانی کجولا کد فیزس وویما کد فیزس‌باقی می ماند.

«۱۹» در اثرش تحت عنوان (۲۰)معلومات جالبی پیرامون‌سنه کنیشکا ارائه میدارد . توجه وی بیشتـــر بسوی تعلید نمونه های از عـــصر انتونین در ضرب مسکو کات طلایی‌شاهان کوشانی (۲۱) و آغاز انتشار کوشانی ساسانی (۲۲)جلب میشود.وی متعقد است که سال ۳۳۰تاریخ تجزیه سلطنت کو شانی ها بـوده‌که بعد از مرگ واسو دیوای اول بوقوع پیوست‌بنا بر این احتمالاً‌بین سا لهـا ی اول کنشکـــای ا و ل مـــر گـــك وا سیـــــودیوای اول صد سال فاصله وجود داشت . گوبل همچنان اشاره میکنندکه سال ۲۳۰ آغاز عصر کنشکا به شمار میرود و وی زمان سلطنـــت کنشکای اول را بین سال هـــا ۲۳۱ ـ ۲٤۱ تعین نموده است . امااین سنه گذاری گوبل با مباحثـات پچیده مواجه‌میگردد .اهمیت‌تحقیقات‌گوبل در مقایسه تقارب زمانی بین شاه اول ساسانی ارد شیـر اول وکنشکای اول است .مگر به اساس این گونه مقاسیه ها این تحقیقات درجهت توضیح تاریخ کوشا نی هادر زمان کنشکای‌اول‌به اشتباه میگراید.مسا له‌یی‌که آردشیر بعداز تسخیر (۲۳) در سال ۲۲٦ به دور تریـــن‌سر حدخراسان واردشدشهرت‌دارد این نزدیکی به سر زمین هـــا ی‌کو شانی ها و بر رسمیت شنا ختن وی از طرف شاه کو شانی و شاهان‌دیگر که بعدا صورت گرفت ازقدرت بزرگ وی نمایندگی میکرد اگر مـامقایسه گوبل را بپذیریم این حادثـه صرف‌درسالهای‌اول‌سلطنت کنشکابوقوع‌پیوسته‌بود.ولی درکتیبه‌پیروزی شاه‌پور اول درنقش رستم کـه۳۰سال بعد ترتیب شده بود . از لشکر کشی های ارد شیر تذکار به عمل‌آمده و نشان داده که لشکر کشی‌ها وی بسوی شرق یك بارگی نبود. طبق این نظرات طوریکه دیگران عقیده دارند عصر کنشکای اول اوج‌قدرت کوشانی نبود بلکه کنشکا در زمانش به پیروزی های بزرگ سیاسی و نظامی نایل آمد . اما از این پیروزی ها در کتیبه ها و منابع سکه‌شناسی چیزی ثبت نشده است .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

انحطاط در مسکوکات عصر کوشانی طوریکه گوبل در اثرش تحت عنوان ۲٤ بدان اشاره میکند از عصر هویشکا آغاز میگردد .

طبق سنه معموله کنشکای اول، یعنی سال ۷۸ م که مورد اعتراض بعضی از دانشمندان نیز قرار دارد، کنشگا اول برای چندین سال تعهد شناسایی قدرت امپرا طوری هان بود و در حوالی سال ۹۰ که جنرال پان چاو بعضی اراضی (۲۵) را درمناطق غربی فتح نمود عده یی از جنرال های کنشگا نیز در بین آنها وجود داشت . باز هم می بینیم که طبق نظر کوبل کنشگا اول درکتیبه بزرك سرخ کوتل سنهٔ منطبق به مبدا تاریخی کوشانی ها ثبت نکرده ، بلکه سنه یی در این کتیبه ثبت شده که اساس آنرا آن را ماه(۲٦) تشکیل میدهد .

(۲۷) عقیده دارد که تاریخ این کتیبه سال ۳۱ ـ است که باسال ۳۵۱ سنه سلو سید توافق حاصل میکنند و باسال های ۲۲۰ و ۲۱۹ عیسوی مصادف میشود . سنه ۳۱سنه مربوط به کنشگا اول بوده نمیتواند زیرا به اساس مبداءتاریخی یی سنهٔ کوشانی ، کنشگا فقط ۲۳ سال پاد شاهی کرده بود .

این مطلب تا هنوز بصورت سوالی باقی است . ولی اینقدر واضح است که تاآن زمان کنشگا در سرخ کوتل سنهٔ مطابق سال کوشانی بکار نبرده بود ، در این صورت شاید مبداء تاریخی کنشگا بافوت وی اغاز شده باشد .

مساله بسیار پیچیده دیگر دراین باره تاریخ ظهور کوشانی ها است که (۲۸) اینطور ارائه گردید :

(یو بگوی کوشانی صد سال بعداز ظهور بر چهار یو بغوی دیگر حمله نمود و آنها را تحت اشغال در اورد)) . طبق این بیان ظهور سلسله کوشانی ها از همین جا آغاز میگردد . متاسفانه این مساله مطروحه توسط هوهان شوتا هنوز بصورت یك سوال حل ناشدهٔ باقی مانده است . این منبع تجاوز یوچی های بزرگ (۲۹) را برا راضی باختر و سغدیانه در سال ۱۲۰ تا ۲۱۸ پ م نشان میدهد . با این طرح باز هم سوالی مطرح میشود که آیا این حادثه صد سال بعد از حادثه متذکره بوده و یا بیشتر ازآن .

استر بو موقعیت (۳۰) را زمانی در باختر و سغدیانه تعین کرده که پطولمی در اوسط قرن دوم آنها راخارج از این مناطق وانمود ساخته بود . این مساله وابسته بدان واقعتی قرار دارد که بین زمان

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

پطولمی و ستر بو تغیرات دیگری درسلسله های سلطنتی بوقوع پیوست و ما از اینرو با تاریخ متذکـــرهوهان شو موافق نیستیم . چـــه واضح است صد سال یا بیشتر ازان اسیانی ها هنوز هم بر تخاری‌ها پاد شاهی میکردند که هوهان شـو ممکن است مبدا تاریخی دیگری برای آن داشته باشد .

از سوی دیگر این واضح است که منابع چینی همیشه تار یـــخ (۳۱) ممالك غربی رابه شیوه بسیارعمومی ارائه کرده که من نتایج قابل توجهی از آن بدست نیاوردم .

تاریخ متذکره در هوهان شو که حاوی اهمیت چندانی نمی باشدصرف نشان میدهد که مدت طویلی بیـن تجاوز باد یه نشین ها و ظهوریو- بگوی کوشانی وجود داشت .

هوهان شو که به قرن پنجـــم تالیف شده بود مطالب دیگری رانیز در خود گنجانیده است . هوهـان شو در بخش بیان سفر های جنگی پان چاو (۳۲) در حوالی ۷۳ و ۹۰ میلادی از نام کوشانی ها ذکـــری بعمل نمیاورد . در صورتی که این منبع قبلا نام کوی شوانك (۳۳) را بحیث نام یکی از پنج قبلهٔ کـــه باکتریا را تصرف کرده انـــد میشناسد .

و این دلیلی است که من باردیگرظهور کوشانی ها را در نیمه قرن دوم تعیین مینمایم .

1—Karrai.
2—Additae his res saythiac
3—Seythicae
4—Aus spatantike und Ghristentan
5—Reges Tocharorum
6—Paoyayopao.
7—Sinatrukes
8—Terminus post guem
9—Interitus Sacauracarum
10—Sinatrages
11—Ptolmy.
12—Aoi
13—Aoil
14—Ass
15—Oss
16—laorai
17—Taxapoi
18—Taxapo
19—R. Gobl
20—Dokumente zur Geschichte der iranischen Hunnen in Baktrien und Indien (Vol. 2, 1967).
21—Terminus postguem
22—Terminus antequem
23—Kteciphon
24—Finan Zyeschichte der Spatantike
25—Hsi. Yu
26—Nisan
27—Altheim
28—Han, Han Shu
29—Ta-Yueh, Chih
30—Aoioi
31—Hsi Yu
32—Pan chao
33—Kui suang

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نویسنده مختاروف برگرداننده :ح حفار

کشف جدید
سرستونی های سنگی دوره کوشانی

گروپ بخش مطالعه تاریخ قرون‌وسطی انستیتوت تاریخ احمد دانش مربوط به آکادمی علوم تاجکستان‌اتحاد شو روی همه ساله در نواحی مختلف آن ایالت ، جهت جمع‌آوری اسناد حقوقی منسوب به قرون وسطی از روی کتیبه های قبور وتماس بار هایی آنجا سفر مینما یند در بهار سال ۱۹٦۵ که گروپ‌تعین‌شده (۱*)در نواحی‌قشلا قهای‌مربوط حصار کار میکردند در کره تاك‌به‌ما اطلاع داده شد که «یك وقتی در قشلاق نو آباد از زیر زمین تخته‌سنگ کتبیه دار بیرون آورده شده است .»

این قشلاق‌به‌طرف راست دوراهه‌سرك دو شنبه، ریکار ،شهرنو ،کره تاك در نواحی شهرك شهر نومـوقعیت دارد ، و اعضای گروپ دستور یافتند تا جهت مشا هده این تخته‌سنگ به آنجا سفر نمایند . باز- پرسی از اهالی منطقه زیاد تر ما راامید وار ساخت و چنین معلوم شد که نواحی آن جهت آبیاری ، کانال‌کشی نموده‌اند قسمتی از مجرای- کانال جدید با سیستم آبیاری قدیم‌که آغاز آن‌بعدا دراثر تحقق‌ازتونل قشلاق کره تاك سر چشمه میگرفت‌تصادف نمود . به اثر حفر کانال اعمار ساختما نهای رهایشی و غیره‌توسط باشند گان ناحیه ، از عمق های مختلف بمقدارزیاد تیکر ،ظروف‌مکمل سفالی ، مسکو کات و دیگر آثار بدست آمده بود که قسمتی ازاین آثار از خانه های جمع آوری‌شده و به مسول بخش باستا نشنا سی‌انستیتوت تاریخ تسلیم داده شد . در بین آثار سفالی جمع آوری شده‌تیکر ها و کوزه های مربوط اواخر دوره انتیك بملاحظه رسید و در بین‌بیست وهشت سکه جمع آوری شده از نزد اهالی قشلاق سکه های‌مربوط‌به کوشانی بمشا هده رسید که‌تماما سکه ها خوب حفظ شده و دوی آن‌متعلق شاهان بیزیم «بیزا نتین»ویك سکه آن مربوط کنشکا است .

در بین آثار بدست آمده ازنوآبادتوجه و دلچسپی خاصی را دو سر- ستونی سنگی به‌خود جلب نمودکه‌از چگونگی کشف آنها سر دسته

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مکخوز مشهور به‌فرونزام ،جوره‌یف معلومات کافی را ارایه نمود طور - یکـــه :

این دو اثر سنگی در سال ۱۹۵۸ در اثر کار ساحوی و کندن زمین از زیر عرابه تراکتور بدست آمد که‌توسط موتر به قشلاق انتقـال داده شد که یکی‌آن در خانه دریور کلخوزسنیگنوه اسماتو لواودومی در خانه جوره یف ملك نور جا بجا گردید .در سال های بین ۱۹۵۸ و ۱۹۶۵) این دو سر ستونی بدون ملا حظات‌لازمی در هوای آزاد قرار داشته که بهمین سبب ضایعاتی در سرستونی‌ها بمشا هده میرسد .

راجع به محل کشف ایـــن سـرستو نیها چه میدانیم ؟ در درجه اول از راپور امر گروپ کافر نیکنـــان‌ام ، ام‌دیاکو نووا که‌در شهر بزرگ نزدیك شهرك شهر نو به تحقیـق‌پر داخته است و هم به اساس اسناد جمع آوری شده توسط .ال . اس‌بریتا نیتسکی که وی چنین ابـراز نظر مینماید «ما در ینجا با قصـــه‌دلچسپی سرو کار داریم که فکر می شود باستانی باشد »(۲) *

تحقیقات نسبتا مکملتر در سال۱۹۵۵ توسط گروپ انستیتوت‌تاریخ احمد دانش درین شهرك باستا نی‌صورت گرفت که در اثر آن اصلا- حاتی در مشخصات حدود شهـــرصورت گرفت و نتیجه مقد ماتـــی مطا لعات نشان داد که امتداد چهاردیوار شهر کمتر از ۷ کیلو متر نمی باشد که‌به‌این اساس مسا حت‌داخلی‌در حدود ۳۵۰ هکتار محاسبه میگردد یافتن سکه ها ، اندازه خشت های‌استعمال شده و مقایسه طول دیوار ها ایجاب تمام نمودن کار رادر یـن‌شهر باستانی و بزرگ که در مقابل ما قرار دارد مینماید. (۳)*

بنا بر تحقیقات مرتبه دوم چنین‌واضح میگردد که این شهر بزرگ و نزدیك شهر نو «شهر بزرگـــ‌باختری مربوط به آسیای وسطی مـی باشد(٤*)بانهم نام‌این شهرباستانی‌نا معلوم باقیمانده اسـت . ام. ام. دیاکو نوف شهر قدیم هارون را که‌توسط سیورن تزیان در انتشا رات عربی از آن یاد شده است با نـــام‌فعلی شهر نوتقریبا یکی میداند(٥)* اما بعضی از محققین این نظر یه‌را رد مینماید زیرا باشند گان منطقه بنام سابو که باعث تخریب این‌شهرگردیده اند . (٦)*

علاوه برآن فکر میشود هرقسمت‌ازین شهر به مرور زمان نامگذ اری گردیده است . طوریکه دو بلند ی که در جنوب غرب آن قرار دارد و

CC-0. Jangamwadi Math Collection. Digitized by eGangotri. Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بالای وادی دریای کره تاك حا کمیت دارند بنام قوش تپه و بلندی های قسمت شمال شرق آن قاتور تپه وغیره یاد میشوند .

آثاری که جدیدا بدست آمده باردیگر توجه باستا نشنا سان را به این شهرك معطوف نموده است و گروپ دوم باستا نشنا سان به سر کردگی کارمند علمی بخش باستا نشناسی انستیتوت ما، ایه، علوم در قسمت های جدا گانه این شهر به حفریات پرداخته اند که میتوان امید داشت تا نتیجه کار باستا نشنا سان کشف آثار جدید و دلچسپ خواهد بود.

سر ستو نی سنگی مکشو فه شهرك شهر نو چه اشکالی تصاویر علایم نما یشات را دارا میباشند .

سر ستونی اولی که در خانه آی سنگینو وا قرار داشت تماما توسط برگهای راکنت در دو قطار محاط بوده که بر گهای قطار پاینی تقریبا بطور افقی قرار دارند و زوایای خارجی آن توسط گریفون ، «حیوان است که دارای شا خهای تاب داربوده ودرقسمت سنیه آن رشته حلقه شده وجود داشته که شبیه ریش اویزان میبا شد ریش این حیوان افسانوی سالم حفظ شده است اما قسمت حفظ شده آن طوری فکر میشود که کا ملا به سبك شیر ساخته شده . کریفون از قیافه های سنتی شرق باستان بشمار میرود که به صورت واضح در صنعت آسوری ها ، بابلیون ،جدید و هخا منشی های ایران بملاحظه میرسد .

خاصیت دیگر این سر ستو نی ها عبارت از تجسم چهار چهره ی انسان است که آنها را مزین نموده و دروسط دو کریفون قرار داشته می باشد و از بین قطار دوم برگها ی اکنت بشکل بر جسته بیرون شده اند . سر هیچکدام از ایشان سالم نماده است اما فکر میشود دوی مقابل مرد ، دوی دیگر زن بوده اند . یکی از مجسمه های توصیف شده چهره زن ، نسبتا بهتر حفظ شدی است که با تزئین گرد نبدسه مهره ودارای گل مربع شکل بهتر نمودار گردیده است ، در دستها یش جام بزرگ با قاب آن قرار داشته و درحالت ریختن ویا تقسیم کردن چیزی مجسم میباشد شکل زن با نوار کوتاه (پیش بند) ملبس بوده که به طرف پائین دامن دارای چین های هموار نیمه دایره وی می باشد .

مجسمه های تو صیف شده شکل مرد تنها توسط حمایل که در انجام های بالایی آن دارای رشته های نازك شرشره بوده و از شانه چپ پاین آمده وبه دورران راست دورز ده مزین میباشد . در زیر این حمایل لبا س دیده میشود که دارای دو تزئین کوچك دایره وی دکمه مانند میباشد . بدن نیمه فیکورا ، به زاویه تقریبی ٤٥- درجه خمیده میباشد ، خمیده

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

گی فیگورا نماینده گی از حساب دقیق و ظریف هنر مند را مینما ید که توانسته است مجسمه را طوری تنظیم نماید که از پائین به خو بی دیده شوند و در دل تما شا چی آرزوی دیدن آن از نزد یك باقی بماند.

در اشکال مذکور تجسم سنه‌دیگر و عضلات بدن کاملا به اساس علم کالبد شناسی کار شده است که میتواند از مهارت عالی هیکل تراشی باستان نماینده گی کند. همچنا ن حکاکی به عمق ٦) ٥ر١٦ سانتی‌متر خود شاهد صفت در خشان آن عصر میباشد. درسطح اتصالی سرستونی بقایای ابزار برنده تیز بملا حظه میرسد که شکل دایره وی داشته است و در قسمت وسطی بالا ئی سوراخ مستطیل شکل عمیق وجود دارد که فکر میشود توسط چوب و یا میخ فلزی با ساختمانی که بالای آن قرار داشته وصل میشده است و درسطح اتصالی تحتانی آن نیز سوراخ مربع شکل وجود دارد که همچنا ن توسط چوب و یا میخ فلزی باستون اصلی وصل و محکم میشده است. در اصل سر ستو نی دارای عین شکل بوده امااز روش مشکل نقاشی برخوردار میباشد که دست استاد ماهرو با تجربه آنرا تکمیل نموده است.

سر ستونی دومی که در خانه ام. جوره یوف «تصویر ۳ و ٤» قرار داشت همچنان از نگاه حکاکی خودشامل دسته بندی عالی میگردد. در پلان اصلی مربع بوده اما نمای خارجی آن مستطیل را مینما یاند که دارای عرض ٣٦ سانتی و ارتفاع ٢٢ سانتی متر میباشد، سطح اتصالی تحتانی که باستون اصلی وصل می‌گردد نیز مربع شکل میباشد و بقا یای اتصالی ستون در آن نمودار بوده و عرض تنه آن به ٥ر١٧ سانتی میرسد گریفون ها توسط ذغال سوخته سیاه شده و در حالت پرش و یا دویدن مجسم گردیده اند.

گردن دراز و شاخهای سر آن هاطوری پیش بر آمده که سینه شان قطعا معلوم نمیشود و پنجه ها به‌مقابل و بالهابه عقب کشیده شده ریشهای شان از برگ اکنت تقلیدشده است.

برگهای اکنت سر ستونی دوم به‌شکل مخصوص آرایش گردیده‌وهر سمت سر ستونی با چهار برگ تزئین یافته است، که برگها کاملا طبعی حکاکی شده اند، دو برگ به دو جهت مخالف یکدیگر بطرف راست و چپ پا های گریفون ها برآمده که‌بابرگ‌سمت دیگر سرستونی وصل میگردند برگ بزرگ در وسطو کوچکتر در زیر آن قرار دارد و به

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نظر چنین میاید که‌چهار برگ‌دارای‌مرکز مشترك بوده و به چهار سمت نمو نموده اند سطح فوقانی وتحتانی‌این سر ستونی دارای‌سورا خهای عمیق مربع شکل بوده و در وسط‌قرار دارند جایگاه آلات اتصا لی میباشد که سر ستو نی را باستون‌و سا ختمان که بالای آن قرارداشته وصل‌میکرده است همچنان درسطح‌بالای علاوه بر سوراخ مربع شکل . فرو رفتگی های درزا وایا و چهارسمت آن مشا هده میشود که شاید از این فرو رفتگی ها نیز برای محکم‌کردن بهتر سر ستو نی باسا ختمان بالکون عمارت بوده است که ایـن‌نوع تحکیمات در اثر عملیه تر میم بوجود می آید .

ترکیب دقیق ، سبك مشترك تمام‌جزئیات ، آرایش دیکور ها ، تصویر بخصو ص نقش ها همه و همه بدون‌تردید شا هکار صنعت هنشیـك شرق به شمار می رود که تا ثیرات‌مکتب هنری منطقه در آن بوضا حت مشا هده میشود همچنان از ظریـف‌کاری وخورد بودن این سر ستو نی ها چنین معلوم میشود که تز ئیـن‌عالی عمارت بشمار میر فتـــه است .

هر دو سر ستونی مربوط به تیپ‌کور نیتیف می باشد که جائـــی مخصو ص را بین آثار محدود سـاختما نی گریکو باختر و کوشانی‌که تا حال در آسیای وسطی کشـــف‌گردیده است دارا می باشند . نـا گفته نباید گذاشت که از نوع کـو نتیف چند سر ستونی دیگر هم‌قبلا کشف‌شده‌است دریننوع‌سر ستونی‌ها مشکو فه از شهرك بـا ستانی ترمز وسر ستونی گچی مرو ،تجسم‌چهره انسان در بین برگهای اکنت رول مهم را دارا می باشد . (۷)*

عین این پر نسیب درهنر حیرتام‌نیز معمول بوده که از بین برگهای اکنت قطار اول نیمرخ تنه مجسمه‌انسان بیرون شده است و جزئیات لباس شان «بطور مثال گرد نبد باگل وسطی آن» دارای شبا هت‌زیادی با جزئیات سر ستونی های ما می‌باشد (۸)* همچنان روش و سبـك تجسم چهره ها نیز با هم مطا بقت دارند .

گر چه فیگور های حیر تام خیلی‌بزرگ اند اما طرز تکمیل برگ های اکنت دارای شباهت خاص مـــی باشند .

تشابهات این تجسمات قبـلا نیز در معبد بودایی هده افغا نستـــان گند هارا و سا ختمان های هند«سر ستونی از جمال کره» کشف و ثبت گردیده است .آثار هنری ساختمانی‌کریگ و باختر که از اسیای وسطی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

افغانستان و هند بدست آمده اندودر سر ستونی های آنها مجسمه انسان بشکل نیم تنه ظاهر گردیده‌است نما یانگر خصو صیت مشترك صنعت معماری کوشانی ، بار تها و گندهار می باشد .

سر ستونی های شهر نو بـــه احتمال قوی مربوط به قرون اول و دوم میلادی است که شاهد ایـــن مدعی میتواند شباهت آثارو کشف مسکو کات از شهرك شهر نـــو گردد .

سر ستونی های مشکوفه ما کوره و پیشر فت معماری شرق و ثبوت صنعت عالی مردمان قدیم تا جکستان میباشد کشفیات جدید میتوا نـــد معلو مات خوبی برای حل سوالات‌در باره ستون های سنگی باستا نـــی منجمله معماری کوشانی در اسیـــای‌وسطی ارائه نماید . درین معماری دلچسپ واقعیت امر وجود ستـــون‌های مربع شکل میباشد ونه اشکالی دایره وی که تا حال هیچ شواهـــد نداشته است .

کشفیات جدید یکبار دیگر نشان‌داد که تاجکستان یکی از مراکز مهم هنر وتمدن هلنیزم بوده است جای‌که سازنده خصو صیت های عالـــی هنری و کیفی است که بدون شـــك نشانه اثر بخش و درخشان مربوطبه خود میباشد .

انستیتوت تاریخ احمد دانش

اکادمی علوم تاجکستان اتحـــادشوروی .

«ا. مختا روف»

نوت :

* ۱ـ **در تشکیل این گروپ : ا.**مختاروف (امر گروپ) ، و . ابرا ـ هیموف ، ایگونی ، ا. اصفهانـــی ، بوبو کلانوف

* ۲ـ ام.ام. دیاکوف نوف . کارگروپ کافرنیگان . نمبر ۱۵ مسکو. لیننگراد . سال ۱۹۵۰ صفحه ۱۸۰

* ۳ـ ای.ا. داوید وویچ : در باره‌کار گروپ حصار در سال ۱۹۵۵ . اکادمی علوم‌تا جکستان‌اتحاد شوروی‌جلد ۱۳ دو شنبه سال ۱۳۵۶ صفحه ۷۶ ، ۷۷ .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

* ٤- قرار شماره ۳ : صفحه۷۷.

* ٥- ام .ام. دیاکو نوف : کارقصر . صفحه ۱۸٥ .

* ٦- ای . وی . ذیمال : سروی باستا نشنا سی وادی حصار . اکادمی علوم تاجکستان اتحادشوروی جلد ۲۷ دو شنبه سال ۱۹٦۱ صفحه ۱۳٦ .

* ۷- گ. ا. پوگه چینکووا :اکنت در هنر سا ختما نی اسیای وسطی اکادمی علوم تاجکستان اتحادشوروی جلد ۲۰دو شنبه سال۱۱٦۰ صفحه ۱۷۲ تصویر ٤۳ و صفحه ۱۷٤ .

* ۸- ال .ای. رپیل : تزئینات مهندسی از بکستان . تاشکند سال ۱۹٦۱ صفحه ۳۹ . ۱۹۳۳

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

برگردانده :فرید

مجسمهٔ هیراکلیس هده

در جریان هفتمین حفریات در تپه‌شتر هده (ننگرهار) درویهار اسنگار هارما ، مابه رواقی که در پهلوی‌چندین حجره یا رواق موقعیت داشت بر خورد نمودیم . روا قیکه در آن‌مجسمه هایی از بودا ، بود یستوا، را هبین و هدیه دهند گان موجودبود . در قسمت راست رواق مجسمه از هیرا کلیس را یافتیم .این مجسمه‌مانند دیگر مجسمه های رواق های تپه شتر از یك نوع گل خام ساخته‌شده است که طرز سا ختمان آن مشابه صد ها مجسمه ای که ما درجریان هفتمین حفریات بدست آورده بودیم ، بود مقصد عمده در ینجا نه‌تعبیری از چشم انداز های طبیعت بوده و نه تخنیك و مواد یکه مجسمه‌از آن ساخته شده است ، اما صرف میخوا هیم به صورت مختصر دباره‌هیرا کلیس هده بحث نمائیم :

هیرا کلیس هده در یکی از گوشه‌های رواق قسمی نصب گردیده است که گویی از سنگی ترا شیده شده‌باشد پای راست مجسمه به طرف پائین خم گردیده و پای چپ آن به‌شکل مستقیم به پیش روی آن قرار گرفته است . در دست راست خویش (گرزی) (وجره) را طوری باسه انگشت محکم گرفته است که متکی‌به‌روی زانو توانسته است موازنه آنرا بشکل درست حفظ نماید . وانگشت اول و دوم آن به طور آزاد در هوا به نظر میرسد (۱)* با زوی‌چپ آن در عقب با زوی راست بودا پنهان گردیده که در پس منظرآن چیزی دیده نمیشود ، تنها کف دست به روی سنگ گذا شته شده‌است . شانه راست آن به طرف‌چشم اندازی نشان داده شده که بودا درمرکز آن واقع میباشد و شانه چپ آن بطور کامل در دیوار عقب روا ق‌چسپا نیده شده است . سر هیرا کلیس تقر یبا ۳٤ مترا ز قسمت‌جلو رواق که دارای چشم اندازاست واقع میباشد درشانه چپ آن‌پوست‌شیرو پوز بندی که صیقلی گردیده است چشمگیر میبا شد. پوست شیر در عقب شکل به شیوه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

یی کار گردیده است که هیچ دیده نمیشود . طبق اندازه‌یی که از پوشیر بدست آمده ، پوست دور کمرتا پا را در بر گرفته و بان پیچا نیده شده است . و وسیله استنادی به‌خاطر استحکا م هر چه بیشترآن مورد استفاده قرار گرفته است. پوست هردو پای شیر بعداز ازیك گره‌بد و قسمت تقسیم میشودیکقسمت آن به طرف پای چپ قرار گرفته و قسمت دوم آن در بین هردوران قرار داردهیکل این قهرمان یونانی بر خلاف سرش دارای گردن کوتاه و کوچك بوده‌و موهایش مجعد و پیچیده به نظر میخورد . ریش آن‌انبوه و سبیل هایش دراز بوده که در اخیر با هم پیوست است و به‌زیبایی چهره آن می افزاید .

محققین بر اثر پژوهش در صنعت‌گندهار ا به یك هیرا کلیس برخورد ند که نمایا نگر زندگی بودا بودو تا کنون یك بخش آن در موزیم لاهور موجود میباشد .(۲) *

اما هیرا کلیس که در موزیم‌لاهورموجود است ۰٫۰۶ متر بلندی یا ارتفاع دارد و از سنگ متورق‌ساخته شده است .لذا هیچ گونه شباهت بین خدایی یونانی هده ، وهیرا کلیس که در موزیم لاهور موجود است وجود ندارد . اما بین‌هراکلیس هده و اشکال سکه ها ی گریکو باختری تشا بهاتی موجود می‌باشد .(۳)*

باید توضیح گردد که اختلاف یافرق که بین سکه های هیرا کلیس در گریکو باختر یا هیرا کلیس وجود دارد این است که بیشتر این هیرا کلیس ها گرز خویش را بالای‌سنگی میگذا شتندو خود در بالاترین قسمت آن مینشستند و همچنان‌تاکنون از آن شیر ها به شانه های خویش ندارند و یا اینکه در شانه‌های شان شیر دیده نشده است . قسمیکه در بخش اول این مقاله تذکر داده شد اشکال مشابه کلاسیك دیگری ازین قهرمان یونانی که گرزو پوست شیر سمبول آن شنا خته شده است نزد پژوهنده آثار تپه‌شتر هده اهمیت خاصی دارد و چنین تعبیر می شود :

ما بدین نظریم که محققان آن دورچند سال قبل به پیشر فت صنعت‌گریکو باختری در افغا نستان باورنداشتند ، حالا به اثر حفریات جدید بیش ازین هیچ جای برای تردید ونا باوری باقی نمانده است . زیرا به همین صورت بودکه گروپ آرتیست‌های پژوهنده برای دریافت خوا سته خویش در جریان نیمه اول قرن اول‌بعد از میلاد از شهر خویش به خاطر

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

آگاهی از پیشرفت و توسعه هر چه بیشتر یو چی ها به جای دیگر پراگنده شدند . آنها به بخش های دیگر باختر به خاطر تامین زند گی سفر نمودند تا جای مناسب تری پیدا کند . بدین رو شیوه ساختن خدایان که هنر مندان با ختر از باشندگان یونانی باختر آموخته بودند به راهبان دانشگاه بودیزم ، هنگام رسیدن به منطقه هده انتقال یا فت باختر یان یا آرتسیت های گریکو باختری که اندك ترین نظری در باره متولوژی بودیزم ندا شتند بایست ذریعه راهبان تعلیم داده میشد ند.

هنگا میکه نگا همان به پیکره های این رواق بخیه میخورد چهره یی را میبینیم که به طرف راست بوداست. مطابق روایات بودیزم واساطیر بودا- یی راهبان بودایی آن را وچرا پانی (زابل کننده گناه) نام نهاده اند که یك شخص نیرومند قوی و وقف شده بودا در طول حیات خود می باشد .

مطابق شیوه های مجسمه سا زی گریکو باختر ، و با آشنا یی بیشتر به متیو لوژی یونان هیرا کلیس قوی ترین و نیرومند ترین خدای یونانی بوده است که از طفو لیت تا زمان پیری توانسته با شیر بجنگد .

هیرا کلیس پوست شیر را دریده و از آن لباس میسا خت . چون «و جزا پانی» در متیو لوژی بودیزم عین شکل را داشت ازین سبب مجسمه سازان باختری او لین چهره یا شکلی را که مورد استفاده قرار دادند موقف «وجراپانی» را داشت. و شکل هیرا کلیس را نیز طوری ساخته بودند که به عوض «گرز دوکله» (گرز یك کله) را در دست داشت .

درین جا سوالی مطرح میشود که چطور یك آرتیست گریکو با ختری در یك اتم سیفر یا فضای کاملا بودائی ، دور از صنعت کلاسیك و مودل یو نانی توانسته یك هیراکلیس کلاسیك یوناتی بسازد ، وآن را در نزدیك بودا در یك چشم انداز متیولوژی بودائی جاگزین نماید .

در مورد مجسمه هیراکلیس درین رواق که به شیوه کاملا یونانی در هده ساخته شده است دو فرضیه وجود دارد که مودل یا نحو این قهرمان یونانی را با خود داشته وآن را در خدمت بودیزم قرار داده- اند و یا این که هنر مند آن طوری مهارت داشته که با دانش خوبی از انا تومی وجود انسان وارباب الانواع یونانی آراسته بوده است ، و کاملا واضح دیده میتوا نیم که عضلات سینه شکم ، پاها وزانو و مخصوصا شریان قسمت راست گردن واستخوان های گونه یار خسار به یك مهارت

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

عالی ساخته شده است . پوست‌سرشیر که به طرف شانه چپ آن قرار گرفته است تماما جوابگوی ایـــن نکته است.

هیرا کلیس هده مثال خوبی است‌از صنعت عهد کوشا نی که بـرای محققان صنعت گریکو بود یـــك وتحقیق تمدن کو شانی نا شنا خته بوده و آنها تا کنون نقش کو شانی‌را در صنعت این ساحه کمتر و یـا هیچ به‌نظر نمی آوردند.

پا ورقی

*۱ـ طبق اسطوره یونان هـــیراکلیس همیشه قسمی دیده شده که در دست آن «گرز یك کله» قـــرارداشته است. ازاینکه‌چرا هیراکلیس هده به عوض (گزیك کله) گرزدوکله‌داشته است این به اسطوره بودیزم تعلق می گیرد که‌ما بعدا در آینده‌درباره آن بحث خواهیم کرد .

* ۲ـ ۱ـ۱ فوشیه (آرت گریکوبودیك گندهارا) پاریس جلد دوم ، صفحه ۵۱ شکل ۳۲۸

*۳ـ م. بایبر (مجسمه‌هلینستك)ن ، ی ، ۱۹۶۷ صفحه ۳۶ شکـــل ۸۰ ـ ۸۱ .

ف . دی بسچر ، هیرا کلیـــس (Epitrapezios) پاریس ۱۹۶۲ .

اـب ، وایت اید ، کتلاك موزیـم پنجاب ، آکسفورد ، ۱۹۱۴ صفحه ـ ۱۶ ، ۶ ، ۸ .

اـن ، لاری ، جسا مت سکه های‌اندو گریك ، کلکته ، ۱۹۶۵ پ ، ل، ۲۷ .

و . توچی (اشکال استطوره ئی ،میلان ۱۹۵۳ ، صفحه ۱۹۲ .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نویسنده : موریز یوتدی برگرداننده : نیک سیر

اندیشهٔ مرگ در هنر گندهارا

این موضوع ساده و قابل باوراست که دانشمندان غربی ، پیکر شناسی قدیم واصیل را دارای کلیدهای بدانند که از دور نمای فرهنگ آن سالیان اقتباس گردیده است.

معمولا پیروان دین میسح بایستی تا یك اندازه ملا حظات خود را در مورد چگونگی این موضوع تکمیل کنند ، که پیکر شنا سی یا پیکر نگاری (۱) چگونه بوجود آمده ، وازکجا ناشی شده است ؟

و باید این مفهوم درك شود که اساس بنیادی و مشخصات فرهنگ بشری ما خارج از محدوده مرز های زمانی و مکانیست .

دراینجا میخواهیم دو پیکر گچی را معرفی کنیم که در اثر حفر یات بارتوکس (۲) از هده بد ست آمده است که یکی از آنها متعلق به موزیم ملی کابل است و دیگری در موزیم گیمی (۳) حفظ میشود واین هر دو بگونه مختصر توسط موصوف زیرعنوان (جمجمه های نوابغ) تشریح شده است .

البته این تشریح درزمانی صورت گرفته ، که مولفان و ترتیب دهندگان نما یشگاه راه ابریشم(آثار وپیکره های گچی موزه گمیت را بنام) (جمجمه های راهبین را) تصنیف وطبقه بندی مینمود ند .

بطور یقین باید افزود که این قطعات سفید گچ بری شده ، متعلق به حیات گند هاری ها بوده که نمایند گی از یك رویداد در زندگی بودا میکند . و این حادثه بر خوردی جالب با جمجمه سورا خدار می باشد .

من در باره این رو یداد، درمقاله ای که درمجله انالی(٤) مربوط انستیتوت ناپل (٥) «چاپ شده ، بحث مفصل نموده ام» «شماره ۳۹ ـ ۱۹۷۹ صفحه ۳۹۵ ـ ٤۲۰» .

باید یاد آور شد ، قدیمترین نسخه ای که در مورد ذکری بمیان

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

آورده یاد داشت های بودا گوشا(٦) بعنوان انگو ترانیگا ریا . (۷) و در یاد داشت های دها ما پادا (۸« مـی باشند .

یك مرد بر همن بنام وانگیسـا «۹» ادعا نموده که میتوا ند ، خصوصیات دو باره زنده شدن یك مرده‌را توسط سوراخ نمودن جمجمه اش با انگشتان خود دریابد که ایـــن‌مساله برای بودا در صومعه‌ای که وی درآنجا مقیم بود، تذکر داده‌شد، و بودا پیشنهاد کرد که مهارت خود را درین مورد برای وی نشان دهد.

بودا چار جمجمه را تهیه نموده و بد سترس وی گذا شت ، که هـر کدام در جای های مختلف تجدیـد حیات یافته بودند (در دنیای انسانی در دنیای ارباب الانواع ، در دنیای حیوانات و در دوزخ)

و انگیسا موفق شد که نو عیت تجدید زندگی هر کدام از صا حبان این چار جمجمه را پیشگو یـــی وشنا سایی کند ، و زمانیکه بـــودا خواهش کرد تا قابلیت خود را درمورد یك‌مرده ارهت (فنا شده)تجربه کند ، او از دادن جواب مناسب مـایوس و نا امید گردید ، بعد از آن و انگیسا ادعا کرد که خواهش اورا با نجام خواهد رساند . و این در حالی بود که صا حب جمجمـــــه پنجم چطور دو باره تولد شده یـــا نشده بود ؟

دو قطعه یافت شده از هده ، نما یندگی از یك جمجمه یی را می کند که توسط و انگیسا معرفی شده بود، و حقیقت اینست‌که او بودایی‌نبوده، زیرا که یك بر همن توسط یك دسته‌موکه در روی پیشانی آن اســـت ، مشخص میشود .

در اینجا یك لست از ریلیف ها«دو بعدی یا بر جسته» که این قصه را روشن میسازد تقدیم میشود که‌من بیافتن آنها موفق گردیده‌ام :

۱ـ یك قطعه برجسته (ریلیف)که در موزیم پیشاور موجود است ، و تا حال مطا لبی در باره آن نشر نشده است .

۲ـ یك ریلیف «ازاستوپه دهر-مراجیکا» (۱۰) در کتابی که توسط جی مار شال(۱۱)به عنوان (تکیسلا)در کمبریج بسال ۱۹۵۱ نشر شده و دارای نمبر کتـلاك (۱۱) ـ صفحه۱۷و۷۱٦و نمبر ۱۱٤، ۱۱۱، (پـل) باشد .

۳ـ یك ریلیف مکمل در موزیم‌ماورای بیحار بریمن (۱۲) وجوددارد

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

وتوسط جان گروپ (۱۳) به عنوان«کشفیات باستا نشنا سی ختن» در سال ۱۹۷٤ نشر شده و دارای‌صفحه۳۵٦ و شکل ۲۰۹ میباشد .

٤ـ٥ دو نمونه گچی از هده بدست آمده که توسط جی بارتو کس (۱٤) به عنوان «حفریات هده» درسال ۱۹۳۰ بسلسله‌انتشا رات(۱۵) در پاریس و برو کسل نشر و معرفی‌گردیده است .

٦ـ۷ ـ دو پارچه از یك مجسمه‌تقریبا شبیه گج بری که در یکی از موزیم های برلین نگهداری میشود، و شاید یکی مربوط هده باشد که‌در کتلاك آن موزیم در سال ۱۹۷۱ به‌نمبر «۷۲ ـ پل‌ـ۹» نشر گردیده است .

۸ـ۹ دو ریلیف در یك کلکسیون‌شخصی موجود است که تا حال‌نشر نگردیده است .

زمانیکه دانشمندان رلیف های‌تکسیلا و آن یکی را که در موز یم بریمن موجود است . نشر کرد ند، حتی تحلیل آنرا نکرده اند که یکی از کرکتر های مورد نظر جمجمه‌ها را مربوط میشود ، و قطعات دستیاب هده نیز مثل قطعات می‌منتو موری (۱٦) کتلاك بر لین تعبیر شده است .

بنجامین رولاند (۱۷) در کتا بی‌که زیر عنوان «هنر در افغا نستان» نوشته ، توانسته که پیکره های‌کوچك و گچی موزیم ملی‌افغا نستان را با هنر پیکر نگاری قرن شانزده‌مسیحی مقایسه و تحلیل نماید ، او در آن کتاب باز هم تذکر داده ، که‌دلایلی بر یکسانی و بیهوده گی و بطالت قشری پیکر شنا سی بودایی‌و مسیحی وجود دارد .

در اینجا نتیجه نهایی تعبیری راکه من از آن مساله برداشته ام‌تقدیم میشود :

«اول» افسانه جمجمه سوراخ‌شده، طوریکه از تعبیر«دها ماپادا » و تعبیر های‌که‌درمتن «اگو ترانیکایا»آمده و از روی دیگر متون کمیاب و اندك (تعبیر های دهر ماپالا درموردتیرا گاتا) درك گردیده ،انعکا سیست ازمبا حثات وجدالهای عادی که‌بین‌بودایی ها و برهمن ها وجود داشته است .

اینگونه متون و تعا بیر یقینا عمل‌کرد و دوباره بیان یکی از ین جدالها ست ، که بشکل سا ده‌مختصر در سطح عوام جا معه انتقال داده شده است .

(دوم) مثال های بر جسته اینگونه‌مجسمه ها بطوریقین مربوط آرت

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

گندهارا میشود . و البته ایـــــن اندیشه نهایی ، و یك نتیجه ازتفکر بر روی مرگ نمی باشد ، که چیزی قابل تشو یش در آن متصور باشد. نکته قابل اختلاف و متمایز کننده بین «می منتو موری » مسیحی ویاد آوری و تذکر شوخی آمیز بودایی ، و این امکان فنا پذیر نیست .

نشان دادن جمجمه برای پارسا وامر کردن بان در مورد تفکر شخصی تنها و تنها یك عنصر کلمه ای و بازی با کلمات بوده ، که بـــروی ضرورت میشود توسط آن قصه یـــا افسانه را بیاد آورد .

این نکته روشن رامن باوردارم، که در حدود قرنهای (۵و۶) پس از میلاد ، یك تحول عمیق فرهنگی درین ساحات پدید آمده ، که ایـــن تحولات چشم اندازی بر روی(تفکر بر مرگ) میشود ، و این محلـــوظ نمایا نگرپیکرنگاری دراسیای مرکزی است ، و شباهت به «تاثرات مرگ» اروپایی میرساند و البته عقیده من درین مورد خالی از احتیاط نیست .

عنصر مهمی که توسط انستیتوت باستا نشناسی افغا نستان از یـك دخمه در تپه شتر هده بدست آمده بشکل ممکن یکی از قدیمترین گونه تجلی از یك حالت تائید شده پیش از مرگ می باشد .

باید دانسته شود که مفهوم ا ین سخن آنست تا این کشف ، یـــك بخش مهم تاریخی میبا شد و اگر بادقت تمام تحلیل و ارزیابی شود ، زمانیست که میشود با پیکر نکاری گند هارا مقایسه و تطبیق گردد .

1—Iconography
2—Barthoux
3—Guimet
4—Annali
5—Naple
6—Buddhaghosa
7—Anguttara—Nikaya
8—Dhammapada
9—Vangisa
10—Dharmarajika stupa
11—J. Marshall
12—Bremen
13—G. Gropp
14—J. Barthux
15—MDAFA
16—Memento-Mori
17—Benjamin-Rowland

1*) "Cahiers d'Histoire Mondeal" (1957, 689-
2*) Le grand art.
3*) TRAJAU.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نویسنده : از گرشمن
برگرداننده : ح . اعظمی

کوشانیها و ایران

درحدود تقریبا بیست وپنج سال قبل ، تصحیح نتایج تحقیقات خویش را در ویرانه های بگرام کاپیسا (این پایتخت تابستانی امپراطوری کوشانی که در دامنه هندو کش به طرف شمال کابل موقعیت دارد به اتمام رسانیدم و درین اثر که بنظر من موضوع جدیدی بشمار میرفت ارایه گردیده بود در حالیکه حفریات این ساحه طرح های کرونو لوژی جدید برای کوشانی ها مخصوصا کنشکارا میسر ساخته و در عین زمان تصاویری از طرز زندگی ساختمان ها و وسایل حیات آنها را نیز تاریخ روشن ساخت .

پانزده سال قبل نظر به پیشنهادیو نسکو مقاله تحت عنوان «وقایع کرونو لوژی کوشانی» در سه جلد منتشر نمودیم (۱*) اما باز هم بدون در نظر گرفتن انتقا داتی که متو جه فرضیه من میشد بهمان سنه که در کتاب «بگرام» من پیشنهاد نموده بودم متقین ماندم .

از آن بیست و پنج سال گذشت علمای زیادی درین خصوص با من همعقیده شدند اما بعدا عده به طرح همان سنه که من قبلا پیشنهاد کرده بودم ثابت ماندند و بعضی دیگر شان پیشنهادات جدیدی ارائه نمودند . نظریه والتر که در مقاله من در سال (۱۹۵۷) رد شده بود (نویسنده معروف فرانسوی با استهزا گفته بود (شصت یاهفتاد محاسبه متفاوت تاریخ هند) مبرم باقیماند .

این پرابلم کرونو لوژی بار هم درصدر تحقیقات وسیع که پیرامون کوشانی ها صورت میگیرد قرار دارد . تقریبا بیست یا سی سال می شود سه پیشنهاد در باره سنه کنشکا (۱۱۵ - ۱۲۸ - ۱۴۴) بین محققین اختلاف نظر است که واقعا میتواند رول مهمی در مطالعه کلتور درخشان کوشانی داشته باشد وقایع عصر کوشانی موضوعات جزئی نبوده برای من موضوعات قابل ملاظه بشمار میروند از جمله این موضوعات من یکی آنرا انتخاب و (کوشانی و ایران) نام نهادم تا

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

توانسته باشم خصوصیات آنرا موردمطالعه قرار دهم سترا بون که جهان عصر خود را بین دو دولت بزرگ یعنی روم و پارت ها تقسیم کرده بود با جرئت میتوان به این دولت سومی را علاوه کرد سترا بون جغرافیه نویس و مورخ مشهور رو می نسبت اینکه تا مرگش (۲۵ میلادی) امپرا طوری کوشانی گر چه اساس یاد نکرده است .
قدرت بزرگ شنا خته نمیشد از آن گذاشته نشده بود بحیث یک
اگر شرق دور راکنا بگاذ اریم جهان مدنی قرون اول میلادی تحت تاثیر سه امپرا طوری تاریخی قرارداشت رومی ها در غرب ،کوشا نی ها در شرق وا یرانی ها در زمین های بین این دوامپرا طوری شواهددز باره این سه دولت بزرگ بسیار ازهم متفاوت است .
مدارك کلتوری و صنعت :

گر چه دستیابی به نتایج باز هم قاطع تری درین زمینه به کاو شس ها و تحقیقات علمی آینده مربوط می باشد اما با آنهم تا جائی با صنعت کوشانی ها مخصو صا با یاد گارهای آنها که در گندهارا از خود گذاشته اند خوب آشنا هستیم . درپهلوی آبدات که در متهور اکشف گردیده است مطالب مربوط به چگونگی صنعت کوشانی را کشفیات وفعالیت های وسیع باستا نشنا سی شو روی در افغا نستان تکمیل مینما ید.
بعضی از متخصصین تاریخ صنایع که در باره آبدات روم و کوشانی دارای آشنایی بیشتر می باشند به این نتیجه رسیده اند که دولت مجاور یعنی ایران در صنعت دو دولت همسایه خود نقش گذاشته است .
در یافت تاثیر پارت ها آنروز درصنعت کوشانی کار مشکل نیست. هنگا میکه کچلو کد نیزس اساس امپرا طوری کو شا نیها را گذاشت ته بنظر من حتما اواسط قرن اول میلادی بوقوع پیو سته بود وپارت ها در آن وقت سه صد مین سال حکمروایی خود را پشت سر گذاشته و از یکدوره درخشان تاریخی عبور نموده بودند این بدان معنی نیست که بگویم این کلتور درخشان تنها زاده خود پارت ها بوده است بلکه میراث دو کلتور غنی جهان باستان یعنی یونان و ایران نیز درآن سهم بارزی داشته است وقتی پارتها در قرن (۱۱۱) ق.م داخل ایران میشو ند با کوشانی ها یعنی خو یشاوندان خود اند کی تفاوت داشته اند .
پارتها همچنان مانند کو شانی ها بادیه نشین و کوچی بوده اند .
اساس تیوری تاثیر صنعت پارت ها را در صنعت رومی عصر امپرا - طوری و مخصو صا کو شا نیها را چه عناصری میتواند تشکیل دهد؟

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مراکز ایرانی بایاد گار های آن درکجا موقعیت دارد که بتوان به اساس این فریضه را که با پارتها در شرق و غرب امکان بر خورد در فر هنگ بوقوع پیوست ؟ تا این اواخر بـــه استثناء پالمیر که در آن زمـــان در منطقه تحت تاثیر روم قرار داشت و دوره یور لوس که منطقه روم و پارت و حتره که منطقه خاص پارتها بـــه شمار میرفت منطقه دیگـــری را در غرب که یاد گار های آن بقایای کلتور ایران را حفظ کرده باشد قبلا نمـــی دانستیم و هم با تاسف تقریبا باهیچ مجسمه بر نخوردیم که ازصنعت ایران الهام گرفته باشد این موضوع آنقدر از نگاه کاوش باستان شنا سی در سالیان درازی درایران تعجب اوراست که یکی از بهترین صنعـــت شناســـ ایرانی و کوشانی ، همکار مـــــا «د . شلو مبرژی» فرضیه پیشنهاد کرد که ایران در عصر پار تهـــا صنعت بزرگ (۲*) را که عبارت از مجسمه های سنگی است یا نمـــــی شناختند و یا آنرا بکار نمیبرد ند.

با تا سف با ید او را فراموش کرد : حفریات که پنج سال قبل در تراس های مقدس بدر نشا نده مجید و سلیمانه درکوه های بختیار جنوب غرب ایران آغاز گردید نشان داد که مجسمه های پارتی در سنگ نه تنها در ایران وجود داشت بلکه تصادفا به تعداد زیاد و گونا گون بـــو ده است . قابل تعجب است که ایـــن مراکز نه آنقدر بزرگ چطور درین فاصله زیاد تاریخی تا حال باقیمانده است دلیل خوب آن میتواند دوری موقعیت آنها از چشم دید انســـان باشد و در عین زمان مسکو کات که در اثر کاوش ما از این نقاط بدست آمد نشان میدهد که این تراس های مقدس تا آغاز ساسانی ها متـــروك شدند . همه میدا نند که دست انسان این یاد گار ها را نسبت به اوضا ع جوی از قبیل زلزله ، باد ، باران ، بیشتر تخریب مینماید . مجسمه های پارتها که ازین دو نقطه بدست آمده نتایج حفریات متهور را را بخاطـــر من آورد طوریکه در آنجا نیز سرهای مجسمه های بدون تنه ، و تنه هـــا بدون سر پیدا شدند تحقیقات نـــه یکبار بلکه چندین بار ساسا نی ها را محکوم ساخته است زیرا آنها تـــا آخرین قدرت میکو شید ند تا همـــه بقایای پارتها را از قبیل کتیبه های تاریخی و آبدات از بین ببرند .چنا نچه ویرانه های که من کشف نمودم و هم ویرانه های که توسط اوه ستین کمی دور تر از مایعنی در شام کشف گردید همه نتایج تخریبات تفوق طلبی ساسانی هامیباشند .

بر میگرد یم به کو شانی ها تـــا ببینیم که واقعا ایشانرا در ایـــران پذیر فتند و هم چه شرایط مسا عدی باعث گردید تا کلتور پار تها تاثیر

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ثمر بخشی بالای صنعت همسا یه‌ها گذارد .
اشغال مناطق توسط کو شا نی هاو توسعه امپرا طوری شان در دو قرن میلا دی در چهار سمت بدون تغییری موفقانه دوام داشت که تقریبا ازآغاز به اصطلاح دوست متو فا یم ار.کروسمه (ایران خارجی) از باختـــر گرفته تا سغد ، خوار زم و در شرق تامناطق تکسیلا شا مل امپرا طوری کو شانی ها می گردید . با جر ئت می توان اظهار کرد که کو شا نـی هاوارث هندوپارت گندو فارگردیدند.

موفقیت های سیا سی کو شانی‌هابه در جه اول در شرایط مساعد اوضا ع منطقو ی ، یعنی تعقیب یونان وهند ، تعقیب هند و پارت ، شهزاده های که ارزش پیش رو خود یعنی گندو فار را نداشتند جستجو ودرك می شود . اینکه کو شا نی ها بـــاخودچه آوردند ، پروبلمیست که به کاوش هاو تحقیقات آینده حل مـی گردد . مسایل مذهبی : ما در باره مذهب کو شا نیها قبل از تشکیل حکومت شان هیچ نمی دانیم امااین قدر میدانیم که آنها بعدا بودایی شدند واین مذهب را ارایه‌دادند زیرا آنها در هند حکمراوایی داشتند، امابود یزم نتوا نست کاملا ما نـــع پیشرفت مذهب زرد شتی گردد زیراآنها هم چنان مایل به روابط نیك باباشندگان متفر قه ایران خـــودبودند .

با ارتباط به مذهب زرد شتـــی کو شا نیها با ید گفت که از جمله ۳۳ رب النوع که در مسکو کـــات کو شا نی مجسم گردیده است تعداد زیاد آنرا ارباب الاانوع ایرانی تشکیل میدهد ، همچنان رب النوع رومی- الکساندر ی هلنستی و هندی نیز بمشا هده میرسد .

کو شا نی ها در متصر فات هندی خود به اعمار ستو په و معا بدپردا- ختند ودر حدود ایران تراس‌های مرتفع مصنوعی سا خته و بالای آن ها، معابد آتش پرستی اعمار نمودنداقامتگاهی عـظیم که توسط کنشکا در سرخ کو تل بنا یافت به هیچ‌صورت در جمله ابتکار کو شا نی هابشمار نمی رود بلکه از ایران گرفته شده است ، طوریکه تراس های که بالای بلندی مر تفع‌مصنو عی‌ساخته میشد و درین تراس ها معابد ویا آتشکده های مقد س اعمار می‌گردید ودر عصر پارتها مورداستفاده بود از بقا یای سنن‌قد یمی است بـــااقتبا س از هیرو دوت در زمان‌هخا منشی نیز معمو ل بوده است .

از مسکو کات شا هان کوشانی که یاد کردیم به موقع خواهد بود از صحنه یاد آور شویم که عموما در سکوکات چند ین نسل ، آنها بدون

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تغییر ضرب زده شد ه‌و آن عبارت‌از مجسمه شاه در حا لت قر بانی در مقا بل محراب آتش است، این‌مو ضوع سوژه یکی از معمو لترین سوژه موضوع های مقد سات پارت‌است که فکرمی شودتوسط کوشانی ها اقتبا س گردید ه است ، ما این‌صحنه را همچنان در نقش بر جسته شاهی از پهلوی پته زینه عظیم تراس‌بدر نشانده ودر اشکال بـــد ست آمده از سو زیا نه آثار کشف شده‌در بیستون ، دو گلدان کشف شده از آشور و همچنان در فر سنگ‌های‌دوره یورو پوس نیز می تو انیـــم مشاهده کنیم مو ضوع تجسم مذهبی‌در تمدن کو شانی با قی‌می مانـــد خاطر نشان می گردد که برای‌اولین‌بار سکه های کو شا نی آهورا مازد را بشکل انسان مجسم نموده است. آیا کو شانی ها خود سازنده تمثیل چهره انسا نی این رب النوع مهم‌ایرانی بوده اند؟ما تنها تمثیل چهره انسانی این رب النوع را در نقش‌های برجسته سا سا نی ها دیده‌می توانیم . چطور این سعی و کو شش‌رادر تعا دل بین هند و ایران‌دوالیزم تفسیر کنیم و این دو مرکز (پشاوروکا پیسا) را چه می توان تصور کرد ؟ آیا این فرضیه قابل قبـــول‌است که قبل از تسخیر هند توسط کو شا نیها، هند ی ها این مهاجمین‌رانمی گذاشتند که ازطرفداران بو- دیزم گردند ؟ کنشکا که می خواست‌قیا فه آشو کار ا به‌خود بگیرد. آیا او چنین وانمود نمی کرد که بالای‌بعضی از تا بعین هندی خود مشکوك بود ؟ بهر صورت نمی توان منکرشد که کو شا نی ها در راه وسعت وانتشا ربودیزم‌در شر ق حتی تـــا امپراطوری چین که باختر را نیـــز شامل می شود رول مثبت و قاطع‌داشته اند . من هم برای دوالیزم تـــا کـــید مـــی نـــمـــا یـــم و می خواهم تو جه شما را به مجسمه های‌عظیم شاهی مکشوفه مات جلب‌نما یم، که بطور واضح شاهد در جریان مهم در صنعت کو شا نی‌هامی باشد.از یکطرف صنعت کوشانی ها تمایل خو یشرا در مجسمه‌سازی‌به سبك هندی(یا کشی و بوداستوا) حفظ نموده واز طرف دیگر بقایای‌کلتور پار تی در آن آشکار می‌گردد به طور واضح میتوان این تاثیر رادرصحنه شاه نشسته بالای تخت‌شاهی که بالا ی شا نه دو شیر قـــراردارد ملاحظه کرد که بدون ترد ید میراث پارت ها بشمار می رود.

هنر پور تریت‌کوشانی ها معمولاصفت پارتی را وانمود می سازد که شاهد گویای آن پر نسیب نما یش‌تصو یر از مقابل می باشد و به طور ثابت در طول پنج قرن در صفـــت‌پارتها معمول بوده نمی خوا هم بـــه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

صحنه شاه مقابل محراب در سکه های کوشانی هابر گردم اما قابل دکر میدانم که این خود پیروی از ضرب سکه پارتهامی باشد و همچنان باید از تصویر مردر یشد ارد چهره حکمروایان پارتی شروع ازگودرز (گوترز) (۹۱- ۸۰ر ۸۱ ق،م) یاد آور شد که کا پی آنرا می توان در چهره شاهان کو شا نی بو ضا حت مشا هده کرد. فکر می شود که بر خلاف زحمات هندی ها، تجسم شاهان وزعما در لباس رزمی مارا بطر ف ایران می کشاند . لباس ، کلاه نوك تیزو تزئینات قیمت بها ی کو شانی نیز با صنعت پار تی ارتباط دارد.

لازم است از خصو صیت دیگر هنر تجسمی در صنعت کو شانی‌ها یاد آور شویم. برای ما عمو مادر صفت ایشان سواره نظام و یا صحنه نبرد معلوم نیست اما فکر می کنم به طور عموم خصو صیت های صنعت سلسله کو شا نی چه ازنگاه تو ازن و چه از نقطه نظر سلسله مراتب تحت تاثر پارتها بمیا ن آمده است (دریکی از آخرین اثر من به مناسبت صنعت کو شانی هااز آن ذکر شده است) در نتیجه می توان قبول کرد که امکان دارد کوشا نی ها شاهان خود را دست نشانده ارباب الانوا عی میدانستند چنا نکه پار تها شا هان خود را نیز رب‌النوع میپنداشتند اقتبا س شده است.

گ.ا. پو گا چینکوواحق به جانب بوده است که فصل اختتامیه خالچایان از رول عمده صنعت پار تها درخالچا یان اشاره نموده و در باره صنعت کو شا نیها به طور عموم چنین به نظر دارد . صنعت کو شا نیها ارتباط مستقیم با صنعت پار تها داشته چنا نچه این ارتباط را می توان به طورواضح درطرز سا ختمان وجزئیات هجسمه هاو قصر های آنها مشاهده کرد .همچنان پو گه چینکوواد رست تحلیل نموده که با خنر و پارس در تکامل مکتب مجسمه‌سازی گندهارا بخش هندی تاثیر بسزایی داشته است نمی خوا هم به این صورت خود را در مناظره قراردهم اما باید بگو یم که خیلی مشکل است بادا نشمندان محترم همعقیده شوم که آنها نظر دارند. از همان لحظه آغاز حکمروا یی بزرگ کو شا نی دیگر کلتور و صنعت تاریخی پارت‌ها خا تمه میابد یعنی رقابت دپپلو- ماتیك باعث چیده شدن تاثیر آن می گردد چطور این فرضیه راباآنچه مامیدانیم طتبیق نمود ؟ این به همه معلو م است که کو شا نی ها وارث سلسله خاندان گندو فارتنهادرنتیجه دو م قرن اول میلا دی می باشد این

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تاریخ خود به خود ما را به اند یشه متمایل می سازد که پارتها این سلسله رافبول نکرده بلکه قبلا رهبری مردمان کوچی وبادیه نشین را بعهـــــده داشتند .

دنیل دیگر ی میتو ان ارائه کرد. کشا آتشکده با شکو هی رادر سرخ کوتل اعمار نمود که معبد آن به پلان ایرانی و تراس مقدس آن بسبك پارتی سا خته شده است وایـــن ساختمان در قر ن (۱۱) میـــلادی احداث گردیده بود . در کتیبه که ازآنجا پیدا شد اسم بنیان گذار آن گنجا نیده شد ه است که قـــدرت ارباب الانوع رادر قدرت حکمروایان قرار میدهید که این خود از پارتها اقتبا س گردیده است .

حالا این دود لیل ما را مجبورمی سازد که با احتیاط با فرضیه گ.ا. پو گه چینکووا موا فقه نما ییم.

چه ارتباطات سیا سی یی در شرق بین دو قدرت بزرگ از عصر پارتها و حکمروایان کوشا نی موجودبوده ؟ آیا ما می توانیم به ایـــن سوال پاسخ دهیم ؟

شواهد کتبی در باره روابط دوجانبه باین دو دولت بزرگ وجود ندارد . اگر اشتباه نکنیم از جمله اخبار تاریخی چینا یی تنها یك واقعه آن میتوان اطلا عات محدود ی در باره یکی از واقعات تاریخی روابط ایـــن دو مملکت همسا یه رو شنی بیندازددر آن جا در باره یکی از شا هان پار تی گفته شده است که وی درباره ساده لو حی و سهو خود در جنگ با کنشکا اعتراف نموده و درجنگی که بوقوع پیو ست مو فقیت نصیب حکمروا ی کو شا نی گردیده ونود هزار مرد جنگی پار تها از پا در آمدند من به حقیقت این مو ضوع باور کرده نمی توانم زیرا به نظر مـــن کمی مبا لغه آمیز است و اگر ایـــن واقعه در ارتباط بین آنها تصورشود حتمی نیست که آنها همیش درستیز بوده اند ، چنانچه از ولیعهد ارتباط آخرین شاه پار تی دا نسته می شود که وقتی او از جانب ارد شیر اول از سلطنت خلع گردید فرار نمودوبه دربار حکمروای کو شا نی یعنی وآسودیو اپناه برده و خوا هش می نما ید او را کمك کند تا حکومت پار تها را دو باره زنده وواسودیواچطور خواهش او را می پذیرد ؟

معلوم است که گر چه کتسیفو ن نمی توانست در مقابل تو سعه طلبی کوشا نی ها بی تفاوت با قی بما نددر حا لیکه روابط پار تها با امپرا- طوری روم رو به وخا مت گذا شته بود لهذا او از بر خورد با همسا یه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

شرقی خود گریزان بود . موقعیت امپراطوری وسطی که پارس را در آن عصر احتوا می کرد خیلی مهم بود وایجاب روابط حساس بین‌المللی رامی نمود که یافتن راه صحیح برای آینده بی تاثیر نبود واین روابط با چین نیز همان اساس قرار داشت. دانشمند محترم .و.و. بر تولدخاطر نشان می سازد که برای اولین بار در تاریخ حکمروایی شخصی که توانست روابطی بادو امپراطوری یعنی روم و چین داشته باشد می ترایداد بود که فرستاده ای چینایی رابا شکوه و جلال خاصی پذیرفت وبرای مشایعت شان به سرحدات خود بیست هزار نفر فرستاد . واگر در رهبری پاکو در ۸۷ میلادی پارت هاسفرای زیادی به چین فرستادند میتوان تصور کرد که پارتها علاوه تامیل تجاری قسما فشار های سیاسی مثبت را از جهت چینایی بالای همسایه غربی شان یعنی کوشانی ها که در همان موقع به طور آشکارا پارتها را تهدید می کرد خواستار بودند بین سالهای ۱۲۲ -الی ۱٦٦ صلح صد ساله که بین پارتهاورومی هابر قرار بود میتوان با یقین کامل اظهار کرد که این صلح در غرب برای ایران یك امر ضروری بود زیرادر سرحدات شرقی آن هر لحظه امکان بر خورد وجود داشت اما نبایدفراموش کرد که این چهار دهه مطابق باوج قدرت کوشانی ها تحت حکمروایی کنشکا می باشد که اگر سنه جلوس آنرا بر مسند قدرت به فکر روز نفلید ۱۱۵ و نظر کرونو ۱۲۸ و پیشنهاد من سال ۱٦٦ را قبول کرد .

اگر سیاست او روزی متوجه سوال های اقتصادی عصر که مابه آن دلچسپی داریم یعنی دو هزار سال قبل از امروز ، سیاست، جهان رابه سه راس یك مثلث تجارتی بزرگ تقسیم می کرد که متشکل از روم ، پارس ، و کوشانی هامی باشد (که پیشقدم آنها ایطالیا بود وامروز هم مشتری ثروتمندی نسبت به دوی دیگر می باشد).

امپراطوری کوشانی در اواسط قرن اول میلادی مانند هالند قرن ۱۷ وانگلستان قرن ۱۸ اول یکی ازحلقه های مهم و ضروری زنجیر تجارت را بازی می کرد که شرق دور رابا غرب متصل و یگانه راه خوب ترانزیت برای کالاهای هندوچین بشمار میرفت ودر عین زمان وارد کننده (گاهی هم تنها برای طبقه خاص اجتماع خود) اشیاو محصولات مستعمره های شرقی امپراطوری روم نیز بوده است که آثار مکشوفه بگرام مشاهد خوبی برای این مدعا است این عملیات

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

منبع خوب برای ثرو تمند شد ن کو شا نیها بشمار میرفت زیرا رومی ها طلا میپردا ختند که بعدا همین سرشاری طلاپیروزمندی مقابل را تکمیل وباعث جزا برای رو می ها گردید .

برای اینکه تجـــارت به صو رت صحیح آ ن انجام می گر فت امنیت و آزادی راه های خشکه و بحری لازم بود واین پرابلم یکی از اسباب موجبه تشویش سیا سی کو شا نی ها رافراهم نموده بود .آنچه که باتا جران ارتباط می گرفت بدون در نظر داشت جنگ ویا صلح ، غارتگران ویادزدان دریایی ، کاروانها و کشتی هـــای تجار ی مجبور بودند در حر کـــت باشند و تبادل افکار بین المللی باعث باز ایستن آنها نمی گردید سعـــی پارتها در انتخاب گذ شتـــن از راه شمال و یا جنو ب یکسان نبود و ستر ابون نیز تشریحات را جع به راه ها داده بود (دو بحری)۳ز۷ راهها که از طریق گرگان به بحیره کسپین وازآنجا به دریای قفقاز میرسید و مال التجاره را تا بحیره سیاه مـــــی رساند .

رومی ها راه اتحاد را با گرگـــان جستجو می کردند تا توانستـــــه باشند این راه را از تصاد مات باسرماتها درامن نگه دارند گر گان درآن عصر از پار تها جدا شده و مستقل بودند در شرق همسا یگی کو شا نی هارا تشکیل میدادند .

رومی ها راه اتحاد را با گرگـــان طرف جنوب نشان نمی دادند و اگر تراجیان «۳»* می توانست اسلحه خودرادر خلیج فارس پنها ن نما ید(طوری که می گو یند در چین شرایطشاهان آسوری نیز همین کار می کردند .)

مو قعیت او با لای پارتها وبه دست آوردن تسفیون بر علاوه خا تمه درد ناك او و همچنان بر علاوه اینکه روم دوباره وارث مستعمرا ت الکساندر مقدونی میگردید بلکه امکان محکم نمودن راه مطمئن تجاری بحری با هند که قسمت عظیم امپرا طوری کو شانی را تشکیل میداد ، آنچه که مر بوط بـــه تماس مستقیم روم با تدارك کننده مهم آن می شود و امکان داشت برای این دو متحد مفید تمام شود می توان در سفر ای جستجو کرد که از باختر وهند در ۱۳۸ میلا دی به روم سفر کردند و بدون تردید فر ستاده های حکمروا یی کو شا نی بودند.

همه این مو ضو عات نمی تـــوانستند باعث قطع منا سبات بیـــــن کوشانی هاو پار تها گردند بدون درنظر داشت ضرور یات که بـــعضی اوقات ایجاب جستجو ی راه برای حل دشواری ها عملی نمودن مذاکرات

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تجاری بین المللی می نمود تماس های اقتصادی که هردو جانب دارای تقریبا عین دلچسپی بوده اند قطع شده نمی توانست . فکر می کنم آثار درست سبك پالمیر ساحه مروتایید خوبی برای ثبوت مقصد بالا شده می تواند . سکه های کوشانی که در گنجینه سکه های آرس پیدا گردیده ودر موزیم بریتانیا محافظت می گردد . باید از طریق بحر به جنوب میزو بوتا می آورده شده باشد و همچنان سکه های زیاد کوشانی در برو نشانده ، مجید وسلیمانیه و کوه های بختیاو در راه کاروان رو مشهور که به اصفهان امتداد داشته پیدا گردیده است .این مطلب نباید مارابه تعجب اندازد زیرااین مناطق درتشکیل شاهی الیتماییدشامل بود و کوشش می نموده است تااز راه ثروت شهرت کسب نماید چنانچه زمانی که انتیوکس واپیغان وبعداز آنها مسترایدات که از این مناطق به اهداف مختلف گذشته به غارت معابد معتبر آن پرداختند.

علاوه بر تجارت موضوعات زیاددیگر هم وجود داشت که باعث ارتباط بین کوشانیها و پارتها می گردید مذهب استحکام بخشیدن حکومت تمایل قدرت و غیره که کوشانی ها جهت نفوذ در کلتور ایران از آن استفاده نموده اند. زمینه تماس مثبت بین این دو دولت را فراهم نموده بود اما رومی ها که برای تضعیف دشمن خود یعنی ایران منظر موقع مناسب بودند در نظر گرفته نشده بود. اینکه رومی ها جهت تهیه لباس های صاف و مقبول به ابرایشم چین ضرورت داشتند باعث می گردید تا سیاست امپراطوری شان در ارتباط با پارتها مانند زمان کراوس باقی بماند واین خصومت چندین قرنه را ساسانی هانیز تعقیب نمودند .

از آغاز به قدرت رسیدن سلسله ساسانی ها مناسبات دو قدرت شرق آن عصر شکل دیگری را به خود گرفت که ایجاب تحقیقات و مدارك جداگانه را می نماید .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

اثر : گوستاف کلاسر
برگرداننده : امین حکیم

نتیجه کار کمیته مطالعه تمدن های آسیای مرکزی

در سال (۱۹٦۵) کمیته مشور تی یونسکو تحقیق مساله تمامیت آینده رادر پرو گرام های عادی که‌از طرف یونسکو بنیانگذ اری شده بـود در پروژهٔ مربوط به شرق و غرب که به‌اساس تمجید و بزرگد اشت ارزش های علمی و کلتوری شرق و غـرب‌استوار بود بنیان گذاشت و به‌این ارتباط کمتیه مزبور ضرورت‌استفاده‌ی توسعه قابل ملا حظه سا حـــه تمـــل و مطا لعه نژاد فر هنگـــی‌ساحات دنیا را مد منظر گرفـــت‌و مخصو صا به منظور توجه بیشتر به‌فرهنگ افریقا و امریکای لاتیـــن فرهنگ افریقا و امریکای لاتیـــن پیشنهاد شده تامطالعه بیشتر دراین زمینه ها صورت گیرد . ما به شکل‌سیستما تیك جنبه های معین‌کلتور آسیای میانه رابررسی نموده ودرین‌جا فرهنگ نوو کهن این‌قاره راموزد مطالعه قرار میدهیم . در حالات بعدی‌پیشنهاد شد که تلاش پیگیری روی فر هنگ آسیای میانه صورت گیرد. تا حال مطا لعات غیر کافی در قسمت سایر حصص دنیا بدست آمده‌است. به این مناسبت مطا لعات زیادی در ارتباط با آسیای میانه و ممالك هم‌جوار آن مشل ایران ، افغا نستـــان پاکستان ، هندو ستان و منگو لیـــاصورت میگیرد . (سهیم گیری منگو لیا بحیث یك‌مملکت مربوط‌به آسیای‌میانه درین پروژه از سال (۱۹۷۰) شروع شد).

تمام این پیشنهادات بحیث پیش‌در آمد کار یاپر وگرام جدید پروژه یو نسکو است که مورد مطالعه‌تمدن‌کلتور آسیایی میانه میباشد ، و آن را در بر می گیرد . این پروگـــرام‌بخشی از بر نامه معمولی یو نسکو ست که توسط کنفرا نسس عمومی دراخیر سال «۱۹٦٦» قبول گردید . این پروژه به خاطر مطالعه یا تحقیق‌کلتور آسیای میانه‌توسط سکرتریت یونسکو طرح گردید. که همچنا ن‌توسط راپوری به وسیله متخصصین یو نسکو که در سال (۱۹٦۷) ازمقراین ساز مان در پاریس بعمل آمـد طرح شده بود .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

درین جلسه از یکطرف نمایندگان ساحات فرهنگی آسیای میانه مثل ایران ، افغانستان ، پاکستان هندوستان و اتحاد شوروی نظر به پروگرام یونسکو حصه گرفته بودندو از طرفی شرق شناسان بر جسته غربی و همچنان اروپایی شامل آن بودند . این همان جلسهٔ دانشمندان بود که مسوولیت پایه گذاری اساسی را به عهده داشتند که بتوان درنتیجه به خاطر تحقیق آینده ، دور نمایی بامنفعت را اعمار نمود .

مطالبی منتخب باید به صورت گسترده درساحات جغرافیای تطبیق گردد .

دیدار از جا های مختلف ومطالعه عنعنات کلتوری مردم طوریکه ایجاب می نماید صورت گیرد .

باید بیك شیوه انطباقی و بین-المللی با آنها پیش آمد شود و در چوکات یك همکاری میان دانشمندان تمام یزدا ، بحث ،غور و مداقه روی موضوعات داخل این کنفرانس عمومی یونسکو صورت پذیرد .

اهداف این تحقیق که توسط متخصصین این کنفرانس انتخاب شده بنابر حق تقدم قرار ذیل میباشد .

۱) باستانشناسی و تاریخ آسیای میانه در دورهٔ کوشانی (قرن اول میلادی)) الی قرن چهارم میلادی .)

۲) هنر مردم آسیایی مرکزی(هنر گندهارا و هنر تیموریان) .

۳) سهم مردم آسیایی میانه درانکشاف علوم قرن (۹ ، الی ۱۳) .

٤) بررسی تاریخ ادبیات مروج در آسیای میانه (ادوار پشین و بعدی)

٥) تاریخ فلسفه و عقاید مطابق ترتیب فوق یعنی با نظر داشت حق تقدم و بنا بر دلایل اساسی تصمیم گرفته شد که در مرحلهٔ اول تلاش های این سازمان باید به مطالعهٔ دورهٔ کوشانی و هنر دورهٔ تیموریان متمرکز ساخته شود .

افغانستان برای دورهٔ کوشانی ،اتحاد شوروی برای هنر تیموریان ، ایران برای مطالعه مراحل ادبیات و هندجهت مطالعهٔ فلسفه و نظریات شروع و یا افتتاح تبلیغات این جلسه ماهران بطور استثنایی که توسط یونسکو دایر شده در حصهٔ خویش راجع به تحقیقات علمی و اصلی سرو کار دارد . و قسما برای استنباط نتیجهٔ این تحقیقات

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

معلومات بیشتر آسیای میانه وکلتور آن بصورت عمومی در نظر گرفته شده است .

برای نشان دادن نتایج تا جائیکه مربوط به تحقیقات آسیای میانه اتحاد شوروی میباشد یك چیز ضروری و فوری بنظر رسیده و به این ارتباط نشرات و تبلیغات مربوط منحصرا در شوروی صورت گرفته است .

یکی از نتایج مهم و ثابت این جلسه ماهران قبولی یك پیشنهاد بود که توسط نماینده شوروی طرح گردید .

اکاد میسن معروف بابه جان عفوروف ، در مورد تشکیل جلسهٔ سال ۱۹۶۸ در مرکز تاجکستان شوروی (دوشنبه) یك کنفرانس بین المللی را در مورد تاریخ باستا نشناسی ، و کلتور آسیایی میانه در دورهٔ کوشانی دایر نمود .این کنفرانس مطابق به پروگرام بایك موفقیت بین المللی رویا روی گردید . که ما راجع به آن بعدا سخن خواهیم زد .

در جریان این جلسه بحثی دربارهٔ حدود جغرا فیایی تحقیقا تیکه مربوط به آسیای مرکزی میشود ومفاهیم غلطی که ذریعهٔ دانشمندان شامل جلسه افاده شده بودتصحیح و ملاحظه گردید که برای اهداف این پروگرام تحقیقاتی بسیار مفیدثابت شد .

این پرو گرام یك برنامه تاریخی و کلتوری و غیر قابل اجتناب است که نمی تواند بدون تعر یفات جغرافیایی باشد هر نوع اختلاف و عدم موافقه که توسط بهبود گی های اصطلاحات جغرا فیایی آسیای میانه بوجود می آید میتواند بارویهٔ تفاهم بین المللی یو نسکو برای همیشه از بین برود که البته آسیای میانه از مدت مدید مهدتمدن مردمان مختلف ومحل تلاقی گرو های متنوع شرق و غرب بوده و یك سر زمین مهاجرین تمام افراد جهان بشمار میرود که در آن جا تجارت صورت میگرفت و مفکوره ها تبادله میشد .

مطالعه بسیار دشوار ما قبل-التاریخ و قبل التاریخ و همچنان کلتور های مختلف مردمان آسیای میانه بیك شکل سیستما تیك زیر نظر گرفته نشد و بیك معیار علمی تا این قرن هم شروع نگردید که دانشی ما در بارهٔ آن ناکافی است .و بهمین دلیك یونسکو قرار صادر

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

درین جلسه از یکطرف نمایندگان ساحات فرهنگی آسیای میانه مثل ایران ، افغانستان ، پاکستان هندوستان و اتحاد شوروی نظر به پروگرام یونسکو حصه گرفته بودند و از طرفی شرق شناسان بر جسته غربی و همچنان اروپایی شامل آن بودند . این همان جلسهٔ دانشمندان بود که مسوولیت پایه گذاری اساسی را به عهده داشتند که بتوان درنتیجه به خاطر تحقیق آینده ، دور نمایی بامنفعت را اعمار نمود .

مطالبی منتخب باید به صورت گسترده درساحات جغرافیای تطبیق گردد .

دیدار از جا های مختلف ومطالعه عنعنات کلتوری مردم طوریکه ایجاب می نماید صورت گیرد .

باید بیك شیوه انطباقی و بین-المللی با آنها پیش آمد شود و در چوکات یك همکاری میان دانشمندان تمام یندا ، بحث ،غور و مداقه روی موضوعات داخل این کنفرانس عمومی یونسکو صورت پذیرد .

اهداف این تحقیق که توسط متخصصین این کنفرانس انتخاب شده بنابر حق تقدم قرار ذیل میباشد .

۱) باستا نشناسی و تاریخ آسیای میانه در دورهٔ کوشانی ((قرن اول میلادی)) الی قرن چهارم میلادی .)

۲) هنر مردم آسیایی مرکزی (هنر گندهارا و هنر تیموریان) .

۳) سهم مردم آسیایی میانه درانکشاف علوم قرن (۹ ، الی ۱۳) .

٤) بررسی تاریخ ادبیات مروج در آسیای میانه (ادوار پشین و بعدی)

٥) تاریخ فلسفه و عقاید مطابق ترتیب فوق یعنی با نظر داشت حق تقدم و بنا بر دلایل اساسی تصمیم گرفته شد که در مرحلهٔ اول تلاش های این سازمان باید به مطالعهٔ دورهٔ کوشانی و هنر دورهٔ تیموریان متمرکز ساخته شود .

افغانستان برای دورهٔ کوشانی ،اتحاد شوروی برای هنر تیموریان ، ایران برای مطالعه مراحل ادبیات و هندجهت مطالعهٔ فلسفه و نظریات شروع و یا افتتاح تبلیغات این جلسه ماهران بطور استثنایی که توسط یونسکو دایر شده در حصهٔ خویش راجع به تحقیقات علمی و اصلی سرو کار دارد . و قسما برای استنباط نتیجهٔ این تحقیقات

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

معلومات بیشتر آسیای میانه وکلتور آن بصورت عمومی در نظر گرفته شده است .

برای نشان دادن نتایج تا جائیکه‌مربوط به تحقیقات آسیای میانه اتحاد شوروی میباشد یك چیزضروری و فوری بنظر رسیده و به این ارتباط نشرات و تبلیغات مربوطمنحصرا در شوروی صورت گرفته است .

یکی از نتایج مهم و ثابت این‌جلسه ماهران قبولی یك پیشنهاد بود که توسط نماینده شوروی طرح‌گردید .

اکاد میسن معروف بابه جان‌عفوروف ، در مورد تشکیل جلسهٔ سال ۱۹۶۸ در مرکز تاجکستان‌شوروی (دوشنبه) یك کنفرانس بین المللی را در مورد تاریخ‌باستا نشناسی ، و کلتور آسیایی میانه در دورهٔ کوشانی دایر نمود .این کنفرانس مطابق به پروگرام بایك موفقیت بین المللی رویا روی‌گردید . که ما راجع به آن بعدا سخن خواهیم زد .

در جریان این جلسه بحثی دربارهٔ حدود جغرا فیایی تحقیقا تیکه مربوط به آسیای مرکزی میشود ومفاهیم غلطی که ذریعهٔ دانشمندان شامل جلسه افاده شده بودتصحیح‌و ملاحظه گردید که برای اهداف این پروگرام تحقیقاتی بسیار مفیدثابت شد .

این پرو گرام یك برنامه تاریخی‌و کلتوری و غیر قابل اجتناب است که نمی تواند بدون تعر یفات‌جغرافیایی باشد هر نوع اختلاف و عدم موافقه که توسط بهبود گی‌های اصطلاحات جغرا فیایی آسیای میانه بوجود می آید میتواند بارویهٔ‌تفاهم بین المللی یو نسکو برای همیشه از بین برود که البته‌آسیای‌میانه از مدت مدید مهدتمدن مردمان مختلف ومحل تلاقی گرو های‌متنوع‌شرق و غرب بوده و یك سر زمین مهاجرین تمام افراد جهان بشمارمیرود که در آن جا تجارت صورت میگرفت و مفکوره ها تبادله میشد .

مطالعه بسیار دشوار ما قبل-التاریخ و قبل التاریخ و همچنان کلتور های مختلف مردمان آسیای‌میانه بیك شکل سیستما تیك زیر نظر گرفته نشد و بیك معیار علمی‌تا این قرن هم شروع نگردید که دانشی ما در بارهٔ آن ناکافی است .و بهمین دلیك یونسکو قرار صادر

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

میکند که بایست به آن یك توجه لازم مبذول گردد .

همرا با کمك های مادی و درحدود امکان برای مطالعه فرهنگ آسیایی میانه باید تلاش صورت گیرد وظیفهٔ یونسکو برای به تحقق رساندن این پرو گرام عمدتاً تسهیلاتی است که برای همکاری علمی به سویه بین‌المللی میباشد .به این ارتباط بایست تذکرات خاص در نظر گرفته شود که آنهاعبارت از کمك به دانشمندان و اشخاص علمی ممالك آسیای میانه‌برای انجام ریسرچ های آنها میباشد .

به این مقصد یو نسکو برای‌احداث یك مرکز مخصوص تحقیقات و هما هنگ سازی سهم بارزی‌گرفته است و هم چنان برای تاسیس یك سلسله جلسات بین‌المللی در ممالك مختلف کنفرانس ها و سمپوزیم هایی که تحت‌رهنمایی یونسکو عملی میگردد ، در ممالك مختلف‌آسیایی میانه اقدام‌عملی صورت‌گرفته است . وهمچنان برای نشرات مخصوص و مو نوگراف های علمی اقدام بعمل آمده است .

در جریان مرحله تجربوی پروژه(از سال ۱۹٦۷ الی ۱۹۷۰) قسمت زیاد آن مربوط مطالعه فر هنگ‌قدیم و قرون وسطی ساحات مذکور میگردد .

میتنگهای بین المللی که توسط‌یونسکو بر گذار شده عبارت است از :

میتنگ بین المللی ، ماهران‌بخاطر مطالعه تمدن های آسیای مرکزی (مقر یو نسکو ، پاریس درسال ۱۹٦۷) کنفرانس بین المللی بخاطر با ستا نشناسی ، تاریخ ،وصنعت آسیای مرکزی در دورهٔ کوشانی ، دو شنبه ۲۷ سبتمبر ٦)(اکتوبر ۱۹۸٦) .

کنفرانس بین المللی جهت‌جنبش مردمان و عقاید ممالك آسیای مر کزی (دهلی نو ۱۵- ۱۱فبروری سال ۱۹٦۹)

سمپوزیم بین المللی بخاطر‌صنعت آسیای مر کزی در جریان دورهٔ تیموری (سمر قند ۲۷ - ۲۳سپتمبر سال ۱۹٦۹)

سمینار جلسه بین المللی به خاطرهماهنگی مطالعات کوشانی و تحقیق باستا نشناسی درآسیای میانه(کبل ، ۱۸ر۱۲ ، می ، سال ۱۹۷۰)

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

سمپوزیم بین المللی بخاطر سهم‌گیری مردم آسیای مرکزی بمنظور انکشاف ساینس در جریان قرن‌نهم و سیزده هم . (اسلام آباد، ۲۳۳۰ سپتمبر سال ۱۹۷۰)

قسیمکه از توضیح بالا معلوم‌میشود موضوعات میتنگ ، مسایل اساسی تحقیقات راکه مربوط آسیای‌میانه میباشد انعکاس میدهد . از طرح این‌لست به بعد از ۲۶ سپتمبرالی ۵ اکتوبر سال ۱۹۷۲)

کنفرانس های بین المللی دربارهٔ انکشاف‌اجتماعی و کلتور ممالك آسیای میانه در عشق آبادمرکز تر کمنستان شوروی نیز صورت‌گرفت . با دایر شدن‌کمیته‌مطالعات تمدن های آسیایی میانه شوروی کمیسیون یو نسکو باهمکاری کمیتهٔ تشکیلاتی اکادمی علوم تر کمنستان شوروی تشکیل‌شده است . در می ۱۹۷۳ یك سمپوزیم بین المللی در موردنقش مردم بادیه نشین در تمدن آسیایی میانه در اولان باتور مرکزمنگولیا دایر گردید که بسیار مفید ثابت شد . قبل از اینکه ، توجه‌خود را به کنفرانس عشق آباد معطوف نماییم میخواهیم بطورمختصر از کنفرانس بین المللی قبل الذکر درقسمت باستا نشناسی‌تاریخ و هنر آسیایی میانه در عهد کوشانی که در شهر دوشنبه درسال ۱۹۶۸ دایر گردیده نظر به سهم قابل ملاحظه که در توضیح‌تاریخ کوشانی ، مبدا و منشاء آن و هنر و مردم امپراطوری کوشانی به‌اساس خصوصیات مناطق . لسان کوشانی و رسم الخط ، ساختمان‌اجتماعی و اقتصادی مملکت آنها ، مناسبات آنها با دیگر مردم ، ایدولوژی و دین در عصر کوشانی‌وغیره یاد آوری نماییم .

این بار اول بود که یك میتنگ‌علمی به سویه بین المللی به پیمانه وسیع و همه جانبه در قسمت‌کوشانی ها صورت گرفت و ناگفته نباید گذاشت که موفقیت آمیز بود بمناسبت این کنفرانس بعضی از نشرات خاص توزیع گردید که‌بعدا نزد همه کسانیکه درین قسمت یعنی پرابلم های آسیای میانه‌سوالاتی طرح می شد موجود بود . یکی از آنها (آسیای میانه اتحادشوروی و مسایل کوشانی) (مسکو ۱۹۶۸) به اهتمام ب ج) آستاویسکی ب ، ی وانبرگ ، ن ،ج ، گربونو واوی ، ا، نوگرو دوازیرنظر یا بمدیریت مسوول بابه جان

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

غفور اوف بود که در دو جلد بـــه‌مقدمه روسی و انگلیسی طبع شد .
بدین لحاظ پرابلم عمده عبارت ازتاریخ جلوس کنشگا بود که روشن نمی نمود و یا درین کنفرانـــــس‌واضح نگردید . و بعد از دومجموعه بین المللی دیگر در لندن اولـی درسال ۱۹۱۳ و دومی در ۱۹۶۰) نیز نتایج مثمر بدست نیامد .

ه بلاخره ،با توجه به این نقطه درکنفرانس دو شنبه به واسطـــــهٔ پیشرفت علم باستا نشناسی دراتحاد شوروی نتایج تقریبا مفیـــد بدست آمد . و این مسالهٔ انگیزه آن‌شد که متخصصین تمام جهـــان ارتباطات خود را با بخشس های‌علمی‌اتحاد شوروی قایم سازنـــد . در حقیقت بیش از دوصد متخصص‌یا دانشمند از هژده مملکـــت در کنفرانس اشتراك ورزیده بودند ویکی از خصو صیات آن کنفرا نس رول موثر دانشمندان کشور هـای‌آسیای مر کزی بود که نظریـــات جستجو گرانه را ارائه دارند .

بدین قسم درسطح بین المللـــی‌باستا نشناسی آسیایی میانه‌به‌پای خود ایستاده شد و بدون اشتبـاه‌هرچه عمیق تر دارای ریشه هـای علمی گردید . ضمنا این موضـوع‌در راپور قبلی کنفرانس شهـــر دو شنبه نشر گردید که از طـر ف‌سکر تریت یو نسکو نیز تائیـــد گردید .

(یونسکو ۲۲ جنوری ســـــال۱۹۶۹) پاریس
همچنان شاملان کنفرا نـــــس‌دو شنبه به قدر دانی از نمایشگاه دورهٔ کوشانیان آسیای میانه اتحادشوروی یاد کردند که این نمایش عبارت از زمینه های جذاب و قابل‌یاد آوری درین ساحات بوده کـه توسط باستا نشناسی اتحاد شوروی‌در خلال نیمه اول این قرن انجـام شده است . نمایند گـــــان آن‌کنفرانس همچنان از ساحـــــات حفریات این منطقه که شامـل دورهٔکوشانی میشود باد لچسپی تمـــام دیدن نمودند . که این ساحـــــات‌عبارت از (ادژینه تپه) و (کافـــر قلعه) در قسمت جنوب تا جکستان‌و نیز حفر یات
و افراسیاب ، (بالا حصار شهـــــرقدیم سمر قند) .

باید گفت که قبل از کنفرا نس‌در خلال آن و بعد از آن نیز فعالیت های مزیدی توسط کمیتهٔ مطالعـات‌تمدن آسیای میانه شوروی بـــرای یو نسکو صورت گرفته است .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

رئیس این کمیته عبـــارت ازدانشمند اتحاد شوروی بابه جـان غفور وف رئیس انستیتوت شـر قشناسی (انستیتو ت وستو کوویدـ نجا) مربوط اکادمی علوم اتحـــادشوروی بود .

روشن است که این کمیته سهم‌عمدهٔ را در آماده ساختن و تحلیل و ارزیابی مسایل علمی بین المللی‌در کنفرانس های متنوع داشتـه و بصورت متناوب اتحاد شـوروی درآنها اشتراك داشته است یك بخشس ازین مسله این است که در مواقـع‌فوق العاده و همچنان فعالیت های منظم همکاری‌عادی خود را باپروگرام‌های شرق و غرب یونسکو طـور شاید و باید ادامه داده است .

در تشکیل این کمیته ما اعضـای‌مجرب و علمی را از سراسر آسیای میانه اتحاد شوروی میبابیم که این‌اشخاص بپیمانهٔ وسیع پلا نهـای تنظیم شده مرکزی را به پیـــشس‌میبرند .

نقطهٔ مهم و اساسی که درحفریات‌باستا نشناسی آسیایی میانه وجود دارد ملاحظهٔ بخصوص دورهٔ‌کوشانی‌در عملیات با ستانشناســـــی انستیتو ت افغا نستان در کابـــل‌است که این منطقه بحیث مرکـز تحقیقات دورهٔ کوشانی شناخته شده‌و به اساس مشخصات پروگـــرام یو نسکو تحقیقا ت آن پیشس برده‌میشود .

و این موضوع ناشی میشود ا زسر زمین افغا نستان که هستـهٔ مرکزی امپرا طوری کوشانی هـــامیباشد و توقع میرود که بسیـار مسایل با ارتباط به مو جودیـــت‌سیاسی و فرهنگی آن دوره حـل گردد .

موازی با این مسله هیات هـــای‌اتحاد شوروی ، امریکای ، انگلیسی فرانسوی ، آلمانی ، ایتا لـــوی،جاپانی با این سر زمین بانستیتوت باستانشناسی افغا نستان همکار ی‌می‌نمایند .متاسفانه درگذشته‌عملیات هیات های مذکور بصورت جداگانه‌انجام پذیرفته است . که ایـــن موضوع بصورت عاجل همکـــاری‌و یگانه ساختن عملیات شان‌را برای بدست آوردن ثمرهٔ تحقیقات بهتـرلازمی میسازد . و همین مسله‌است که مرکز بین‌المللی تحقیقات‌کوشانی‌تحت نظر اداراهٔ یو نسکو کارمیکند. اکنون در زمینهٔ یك پروگرام‌مشخص‌و درست جهت تبادله و هم آهنگی سا ختن مطالعات کارمی‌شود که‌این‌پروگرام‌ازطرف‌کنفرانس بین المللی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مطالعات کوشانی و باستا نشناسی در باره آسیای مر کزی از طرف هیات ممالك مختلف در افغا نستان تائید و تثبیت شده است . یك بررسی مختصر از این مطالعه بصورت مشخص در مجلهٔ سه ماه «افغا نستان» شمارهٔ ۲۳ سال ۱۳۴۹-۱ر۱۹۷۰ صفحهٔ ٦۲ ، ۷۳ دیده میشود .

در سمپو زیم بین المللی مذکوراشاره به فر هنگ آسیای میانه مربوط به زمان تیموریان (سمرقند ۱۹٦۹) شده است که بایست به سلسلهٔ کنفرانس های بین المللی که توسط کمیتهٔ مطالعات فرهنگ و تمدن آسیای میانه اتحاد شوروی وکمیسیون یو نسکو صورت گیرد . این مساله از طرف تقریبا بیش ازیکصد دانشمند از پانزده مملکت آسیا ، امریکا و اروپا تائید گردید،و در زمینه پنج قطعه نامه و چهل راپور نیز اشاعه شد و در بارهٔ بسیاری از بخش های دورهٔ تیموریان مانند ، معماری ، میناتور،هنر های مستظرفه ، خطاطی و تذهیب بحث گردید .

در جریان آن کنفرانس مقالهٔ عمده توسط گالینه پوگا چینکوا در مورد هنر معماری و ساختمان مربوط عصر تیموری در آسیای مر کزی قرائت گردید ، این ملاقات همچنان نتایج عملی هم در بر داشت که درین زمینه ها دو گروپ بین المللی کار می کنند که یکی در ساحهٔ معماری دیگری در مورد هنر نقاشی و مینا توری میباشد .

این دو گروپ تحت نظر یونسکو فعالیت خویش را ادامه داده ودست اندر کار تهیهٔ البوم های در موردهنر دوران تیموری آسیایی میانه میباشند . بخش معماری این گروپ ها با دانشمندان از بکستان که تحت نظر پرو فیسور خانم گالینه پوگا چینکو وا فعالیت میکندهمیشه بتماس میباشد و گروپ دوم که تحت نظر پرو فیسور ب گری رهنمایی میشوند جهت تهیهٔ نشریه یی در مورد میناتور به کمك یو نسکو فعالیت میکند .

این نشریه تنها مربوط به میناتور نبوده بلکه در آن از هنرخط در شرق هم نمود های وجود دارد .همچنان در جریان این کنفرا نس بین المللی یك نمایشگاه در سمرقند ترتیب گردیده بود که در آن آثاری از هنر های تذهیبی وخطاطی بنمایندگی ازهنر های مستظرفه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بنمایش گذاشته شده بود و بـرعلاوه در آن نمایشگاه فرصت های مناسب برای باز دید از آثارتاریخی بخارا و کلکسیو نهای موزیـــم تاشکند نیز مساعد گردید . بتعقیب آن در بخش کرونو لـــوژی آن کنفرانس در مورد هماهنگ ساختن مطالعات کوشانی و تحقیقات باستان شناسی آسیای میانه (کابل می ۱۹۷۰) که قبلا در بالا از آن سخن گفته شد نیز بحث بعمل آمد . درهمان سال یعنی سپتمبـــر ۱۹۷۰) پوهنتون اسلام آباد ، پاکستـــان سمپو زیمی رابه کمك متخصصیـن ترتیب داد که قبلا از آن تذکر رفت که هدف آن رامطا لبی در مـــورد سهم مردم آسیای مرکزی درانکشاف علوم تشکیل میداد .

ما قبلا از کنفرا نس مهم بـــین المللی هندوستان نیز تذکر دادیم که بطور مثال میتوان از کنفرا نس فبروری سال (۱۹٦۹) د هلی جدید بطور مثال یاد آوری نمود .

در این کنفرانس که به همکاری یو نسکو دایر شده بود دانشمندان معروف کشور های آسیایی اروپایی و امریکایی شرکت نموده بودند . این کنفرانس زیر نام (تحـــولات مردمان آسیایی مرکزی و مفکـــوره های شان از دورهٔ های ماقبل التاریخ تا دوره های معاصر) دایر شـــده بود .

ازین موضوع میتوان چنین استنبط کرد که به بسیار نزدیکی تحـولات آسیا در زمینه ای وسیعی پدیدارمیشود ، و حقایق تاریخی آن روشن خواهد گشت که آبستن رویداد هایی فرهنگی حیرت انگیز برای آینـده خواهد بود .

در ساحه تحقیقا ت آسیـــا ی مرکزی یگانه حقیقت در جریـان و حدود همان ساحه بدون شك بودن شخصیت هایی صاحب خلا قیـــت فکری اند ، که بشکل شبکه علمی باهمدیگر در سطح بین المللی همکاری و تساند همیشگی را بر قـــــرار دارند .

این مراکز به صورت مداوم درافغانستان ، ایران ، پاکستان و هند با حمایه وهمکاری شخصیت های محلی از پوهنتون ها و خدمات باستـان- شناسی که شاخهٔ هایی از کمیسیون ملی یو نسکو اند بکار میپر دازند که این همه بخشی عمده ازپـروژه شرق و غرب است که بگونـــــه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

شایسته تنظیم یافته است .قسمیکه‌در اتحاد شوروی کمیسیونی بـــا ارتباط به یونسکو وجود دارد که درآن کمیتهٔ مخصوص برای مطالعـه تمدن های آسیا میانه به ریاســـت‌اکادمیسن بابه‌خان غفوروف فعا لیت میکند . در انجام کار خویش‌داکترغفور وف از همکاری شایسته ل ،ی میورس نیکوا نو یسنده بر خور دارمیباشد .

آخرین کنفرانس بین المللی دراتحاد شوروی توسط کمیتهٔ‌مطالعات فرهنگ آسیای میانه اتحاد شوروی‌برای یو نسکو تشکیل شد که این کنفرانس به همکاری کمیتهٔ مربوط‌اکادمی علوم‌جمهوری سو سیالیستی تر کمنستان و در پایتخـــت آن‌جمهوریت (عشـــق آبـاد) از ۲٦ سپتمبر تا ٥ اکتوبر ۱۹۷۲ برگذارگردید .

غیر از اجتماعات علمی ، که زیرنظر یونسکو در مما لك مـختـلـف آسیای میانه بر گذار شد تقریبـابدون اثتثنا ، گذشته از بخـــش تاریخی این ساحه ، این کنفرانس‌بین المللی برای اولین مرتبه برای بحث در باره فرهنگ مودرن آسیای‌میانه و قف گردید . نشریهٔ که در جریان کنفرانس تقدیم شد حاوی‌مقالات ارزشمند دانشمندان اتحـاد شوروی بود (مسکو ۱۹۷۲) که آن‌نشریه عبارت از مجموعه مفیدبوده و شامل هفتاد بخش میگردید .

مواد آن نشر یه زیر دو عنـوان‌عمومی تقسیم میشدند که به جریان این کنفرانس مطابقت داشـــت وعبارت بود از بخشهای تاریـــخ ، انکشاف فر هنگی و اجتماعی و هنرو ادبیات .

نکته ای که در تکمیل این مجموعه‌رول دارد باید بگونه متنوع شامل تمام جهات دیدنی و قابل ملاحظـه‌نویسند گان و دانشمندان باشدکه از تمام جهان این ساحه را زیـــرتحقیق و مطالعه دارند ساحهٔ ای که ایجاب گفتگوی فر هنگی بسیـــاروسیعی را مینماید تا آنکه بگونـــهٔ وسیع آن تحقیق و مطالعـــــه وارزیابی گردد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

(پا ورقی)

ذیلا بعضی از نشرات که مربوطبه این مقاله میگردد معرفی میشود

Mezdunaro dnaja konferencija Junesko posocial'-nomu i Kul' turnomu razvitiju stran Central' noj Azii' Ashabad' 1972- Itogovyi doklad, Moskva, 1972,

کنفرانس بین المللی یو نسکودر موردانکشاف فرهنگی و اجتماعی ممالك کشور های آسیای میانه درقرن ۱۹ ـ ۲۰ (عشق آباد) ۱۹۷۲ آخرین راپور مسکو ، ۱۹۷۳ . ل،ی

MIROSNIKOV. Problemy Social hogo ikulturn ego razvitija stran Central' nojatzilv.
xix — xx Vekah (Mezdunarodnaja kohferecija Junesko) Narody Azir i Afirki, 1973,2
PP. 212 — 16.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تتبع و نگارش : م راد شریفی

عقاید مذهبی و رواج بودیزم

در عصر کوشانی

دوره کو شانی را میتوان یکی ازادوار در خشان تاریخ باستانی این کشور دانست . این دوره بـــه اساس نـظـرات دا نشـمـنـدا ن و مورخین منسوب به قرن اول تاقرن چهارم میلادی میگردد . عـده‌ای از مورخین مینو یسندکه دوره کوشانی از اواسط قرن اول میلادی شروع و بعد از اینکه در اواخر قرن دوم میلادی موفق به ایجاد یك امپرا طوری وسیع رسید تا اوا خر قرق چـارم میلادی دوام نمود . عده‌ای هم گویند که بقایای قدرت این دودمان تا اخیر قرن پنجم و حتی اواسط قرن ششم میلادی ادامه داشت بهر صورت این دوره پر عظمت درزمینه ایجاد وتکوین هنر ، دیانت ، بارز گانی و روابـــط سیاسی یکی از اعصار پر افتخار و ارزشمند تاریخ کشور ما به شمارمی رود چنانچه سیاست بین دو قدرت بزرگ آنزمان یعنی امپرا طور ی (رومن ها) در غرب و هان یا هـون های چین در شرق بدست سلا طین کو شانی درین منطقه بودکه این خود روشنگر این مدعاست . راه ابریشم که از قسمت های شمالی این امپرا طوری وسیع میگذشت به عنوان مشاهراه بزرگ تجارت نه تنها امتعه بازرگانی از از خاور زمین به باختر زمین و عکس آن انتقال میداد بلکه از نقش موثر بر جریان افکار ، هنرو مظاهر فر هنگی دنیای باستان نمی توان چشم پوشید که بدینو سیلـه طبق ادعای دانشمندان ، افغا نستان آنروزه از نگاه موقعیت جغرا فیایی وجها نگشایی امپرا توران کوشا نـی حیثیت یك مرکز بزرگ اقتصادی رابین سه دولت بزرگ آنو قت یعنی چین ، روم و هند اتخاذ نـــمو ده بود .

(عصر کوشا نی) در تاریخ کشورعزیز مان افغا نستان ، آسیای میانه هند پاکستان وایران نقشی بر جسته‌ای داشته و در تکامل بخشهای فر- هنگی و تاریخی شرق حتی در بخش‌های گونا گون زندگانی اجتما عـی مردم جهان تاثیر بس ارزشمند ی نموده است . چه طبق ادعای یکعده

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مورخین ازجمله مناطق متذکره باختر یگانه منطقه وهسته اصلی امپرا توری بوده که بعدا مرکز و شالوده یک امپرا توری وسیع ومقتدر جها ن، کوشا نیان گرد یده است تقر یبا در قرن دوم قبل از میلاد یک عده قبایل بادیه نشین از کرانه های آمو دریا گذشته و رو به طرف باختر آوردند بالاخره بابا ختریان که قبلا هم دارای سنت غنی ساز مان دولتی و فرهنگ رشد یافته یی بودند دست به تشکیل نخستین تشکیل دولت در سر زمین پنهاور باختر و مناطق همجوار در آسیای میانه تااندا زه بدو ره قبل ازهی نشیان برمی می گرددکه حتی به اسناد شوا هد باستا نی که ذریعه کشفیات باستا نشنا سان دریـن چند سا ل اخیر کشف و بد ست آمده این حقیقت بیشتر از پیش روشن گردیده یعنی این که موجودیت فرهنگ در اکثر نقاط متذ کره خیلی پیشتر از هزاره اول قبل از میلا د بوده است .

بعضی اینگونه عقیده دارند که با ساس گذار شنامه های دودمان سلطنتی اول و گذار شنامه های دودمان سلطنتی دوم هون ها که مربوط میشود به سالهای ۹۱ق،و۲۵ تا ۱۵۲،م ازین طایفه بنام های کوی- چوا نگ (۱) وکوی شوانگ «۲» یادکرده اند . همچنان باید یاد آور شد که ضمنا مفاهیم دیگری نیز از گذارشنامه های چینی در مورد کلمه ، کوشان ، موجود بوده که با وجودگونه گونی شیوه نگارش و املا آن مراد از همه آنها هما ناکلما تی بوده است که یکی از قبایل پنجگا نه یوچی های بزرگ میباشد.که طایفه یا قبیله «تاهیا (۳) بعد از استقرار در باختر بعدا بر چهار قبیله دیگر غلبه وبرتری حاصل کرده است . (۱) *

در قرن چهارم قبل از میلاد آن گروه ازطوایف وقبایل بربری ومها- جرین شمالی که بطرف کرانه های آمو سرا زیرشده بودندبه سه شاخه یاسه دسته مختلف و عمده تقسیم شده اندکه این طایفه های یا گروه هاعبارت انداز :«تونگ هو (٤) یوچی (٥)- هسینگ نو (٦) چندی نگذ شت بین این سه شاخه قبایل کو چی ومحاجر رقابت های بس شدیدی در میگیرد تابالاخره شخصی بنام موئون«۷»

که یکی از سران قبایل هسینگ نو میبا شد بالای قبیله یو چی ها حمله نموده و در نتیجه دربع اول قرن دوم قبل از میلاد آنهارا بسوی قسمت های غربی سر حدات ایالت کلنسومی در چین عقب میراند و تا اندا زه برقدرت حکمروا یی خویش و بر تری قبیله وطایفه خود

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

میافزاید . این طرز بر خورد و یورش بردن بالای طایفه دیگر دوام پیدا می کند تا اینکه بعد از وی پسر ش که لیوشا نگ (۸) (۱۷۴ ق ، م) نام داشت بار دیگر یوچی هارا مورد حمله و تاخت و تاز قرار داده وطایفه مذکور را به شکست مواجه مـــی سازد یو چی ها در ۱۶۳ ق ، م بعد از مهاجرت جبری به طرف غرب وعبور از صحرای گوبی در حـــوزه دریای تاریم سر از یر میشد ند تا بالاخره بعد ازگذشت ایام و قبول دشواری های متعدد درسال ۲۰(۱۲۰) قبل از میلاد قبایل ساکه (یاسا کی ها) های باختر را شکست مید هندو خود شان در باختر مستقر مـــی گردند . یعنی اینکه کوشانـــی دراصل نام یکی از پنج قبیله یو چی- های بزرگ بوده که قبایل دیگر رامطلع ساخته و بالاخره د اوایل قرن مسیحی سلطنت کوشا نی در با ختر اساس و بنیان گذا شتند . «۲»*

یکی از مورخین نگاشته است این مساله که بادیه‌نشینان ـ کوی‌شوا- نگ «۹» به طور یقین کیها بودندواز کجا آمد ند تا هنوز به طور قاطع و به صورت کاملا دقیق روشن حل و واضح نگرد یده است اما شواهد دست داشته امروزی تا اندازه زیاد بر قبایلی از نواحی شمال آسیـــای مرکزی که با قبایل دیگری چون یو-چی ها (۱۰) یوسون (۱۱) ساکـــه ها (۱۲) وسیتی ها(۱۳) اتحا دیه راتشکیل داده بودندبه‌طورواضح و تقریبا دقیق اشاره میکند. همچنان تذکررفته‌است که قرون‌اول‌ودوم‌قبل از میلاد ، این قبایل با هم یکجـــاو متحد شوند تا سلطنت یونا نـــی های باختری را خاتمه دهند . البته‌در مبارزا تیکه به این منظـــور راه انداخته میشد ممکن قبیله کوشا نی‌ها تمام قبایل دیگری راکه شامل‌این اتحادیه بودند رهبری کرده باشدکه‌بعدا پس از آن دولت جدید باکتـــر یابد. ین نام ، کوشانی ها مسمی ومعمول گردید «۳»* .

قرار نظر چینی هابا اتکابر اسنادهو ، هان ، شو (۱۴) قبیله کوشانی ها یکی از زمره قبایل اندو سیت هابوده که بنام های یو چی. (یا کوچی) نیز یاد شده اند. میگویندکه ایـــن‌قبیله درنخستین مرا حل‌وایام‌زند- گا نی قبیلوی شان‌بین تون‌هوانگ «۱۵» وکی تین (۱۶) بودوباشـــن دا شتـــه و حیا ت بســـر می‌بردند . این قبیله بعدا به اثر بـــر خورد های شدید با قبینه دیگری‌بنام‌هیونگنو (۱۷) مجبور شدند تامحل بودو باشن شانرا به طرف غـــرب یعنی ازارضی بین سیردریا واکسو- س «۱۸» تغییر داده باشند. گان‌اولی‌این دیار یعنی «اسکا یی‌ها» را مجبور ساختند تا به طرف جنوب امو دریافرار نمایند چندی بعدیعنی درحوالی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

(۷۰ق،م، یوچی ها رود اکسو س‌راعبور کرده وبه کمك قبیله تا هیایا- ساکنین تخار امروزی که با ایشان‌متحد و یکجا شده بودند رو به طرف باختر زمین کرد ند و بعد از آنکه یك قبیله یا هیو ، هوی ،یو چی بنام کیو ، تیسو ،کیو (۱۹) چهار سر کرده یا رئیس قبایل دیگر را مطیع و فرما ندار خویش ساخت آنگاه بودکه خودش لقب شاهی را به خودنها دواسم سلطنتی را در انزامان «کوی،شوانگ» یعنی کوشان یاد کردوازین تاریخ ببعد کلمه کوشان به عوض یوچی و کلمات نظیرو بمشا به آن‌مورد استعمال پیدا کرد . ٤)*

مورخ دیگری ادعا دارد که‌در دوره‌و زمانی که بین (۱۷٤ و ۱٦٥)ق،م، قرار دارد یك طایفه که‌گویاچینی‌هاآنها را یوچی نام نهاده انـد و در ناحیه کانسو - (۲۰) میزیسته اندمورد تاخت وتازقبیله‌همسا یه‌دیگری قرار گرفته اند که آنها را هیونگ‌نویا قوم هون ها (هیاطله) نام نهاده اند . که همین گونه جنبش وهمجوم‌هون ها «۲۱» درهرطرف تاثیرات- زیاد کرده و تا حدود قبایل دیگر درغرب آن احساس کردیـده است نام‌یو نانی‌طا یفه یوچی تا حـدی‌معلوم نیست‌گویا آنهامرکب ازقبایل و طوایف چند بوده اند که قبیلـه‌تخاری «۲۲» هسته اصلی ایشان‌بوده و روسای آنهابنام‌ارسی (۲۳)نامیده‌میشدند . وقتی که این طوایف (یو چی ها)از جایگاه خود به جلورانده‌شدند آنها در زدو خورد و تنازع با قبایلی درآمدند که‌آنها راسا کا(۲٤) نامیده انـد آنـا را ساکـی (۲٥) یا سك (۲٦) نیز خوا نـده‌اند »این طا یفه در سـوا حـل رودسیحو ن می زیسته اندنوسیندگان رومی ویونانی آنها راسیت(۲۷) یاساکا (۲۸) اسم گذارده انـد ومشتمل است طوایف ساکاراکا(۲۹) که‌رومی‌ها ذکر کرده‌اندیك‌قسمت‌ازدو قسمت‌عمده همین‌قوم‌ساکاباشندبهر حال‌یوچی هاسرزمین واراضی ساکارا بتصرف در آورده و آنها را طرف مغرب و بسوی ناحیه با کتریا (۳۰)رانده اند ساکاها درین زمان نسبتا یك قبیله منسجم و بزرگی بـوده ومرکب ازدو طایفه سکازا کاها و ما- ساگتا ها «۳۱» رانده اند سا کا ها«۳۱» با نظمام طوایف کو چکتر رو براه نهاده تا بکشور تاهیسا «۳۲»یعنی با ختر زمین همجوم آور شدند و در نتیجه‌قدرت مشخصی وشالوده‌یك حکمر وایی منظم را بنانهادند. «٦»*

همچنان بر حسب روایات ایشان‌یکصدسال کم و بیش بعد از سکون و استقرار قبایل یوچی در ایالت با کتریا افغانستان‌امروزی ویکقسمت

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

شرق ایران امروزی و حمله و هجوم ساکاها به هندوستان یکی از روسای قبایل کوشان «۳۳» که آن نیز ازشعب وطوا یف یو چی بوده است احتمالا دربین سالهای (۸۱)- ۲۵ میلادی بر دیگر مشا هیروطوا یف غلبه و تفوق حاصل کرده و سلطنتی را بنانهاد که بنام قبیله اوبه نام (کوشان) موسوم و معروف شد ند. این پادشاه که نخستین شاه مشهور این طایفه است بگفته نویسند گان چینی همین کیو ، تیو ، کیویا (کو- جولاکد فیز کس) «۳٤» میبا شد موصوف بسر عت بر اراضی ونواحی مناطق همجوار غلبه یافت و ایا لات گندهار ا، اراکوز یاو کابل را به حیطه تسخیر خود در آورد وی در حدود ۳۰ میلادی باوج قدرت خود رسید و مردم پوتا (۳۵) در حوا لی غزنی نیز مطیع خود گردانید و در مدت ۳۸ سال سلطنت خود نفوذخودرا در تمام خاك آریانای کبیر قایم ساخت . و بالاخره بعد از کسب القاب دیندار وشاهنشاه پسر آسمان به عمر ۸۰ سالگی از جهان درگذشت «٦»* باید یاد آور شد که کوشانیها الفبای یونانی را برای تحریر زبا ن باختری اتخاذ کردند که در واقع یك حادثه بزرگ و پرا همیت تاریخی میباشد ، زیرا هنگام تسلط و دست یافتن به قبایل یونان ، باختری ازهنر وتمدن آنها نیز استفاده اعظیمی برده اند .همچنین سه ترکیب مختلف تاریخی و فرهنگی به طور مثال یکجا شدن عنعنات محلی باختر یونانی ها وبادیه نشین هابا عنعنات همسا- یگان نشان در آسیای مرکزی افغانستان ، پاکستان ، هندو ستان و ایران اتحاد عظیم و بی سا بقه نژادی فرهنگی و پدیده های سیا سی و ا جتماعی را خلق کرد که ما آنرا به نام تمدن درخشان دوره کوشا نیها میشناسیم .

امپرا طوری بزرگ وپها ور کوشانیها در عصر کنیشکا وسعت و شهرت خاصی پیدا کرد چنانچه کنیشکا به عنوان یکی از بزر گترین حامیان هنرو مذهب شناخته شده وموصوف گندهارا را به سر زمین واقعی مقدسی بودایی مبدل سا خت، همچنان کینشکا چهار مین شورای مذهبی بودایی ها را بر گذار نمودوطریقه بزرگ (مهایانا) در زمان سلطنت وی باوج قدرت و اقتدارخودرسیده بود . برای اینکه گستر ش مذهبی بودایی و عقیدت مردم آن دوره را در قلمرو کوشا نیها باز گو کرده باشیم. میپردازیم به مختصر نظریات و روایات مورخین و دانشمندان که پیرامون چگونگی عقاید مذهبی در ین دوره روشنی انداخته اند:

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

عده زیادی از محققین و مورخین را عقیده بر این است که قبیله یو چی ها که بعدا نام کوشانی را به خودگرفت حین مهاجرت به تخار و باختر زمین به هیچ آئین ومذهب مشخص که معرف دین و عقیدت شان شده بتواند ، معتقد نبودند و هر دسته و گروپ به او هام پرستی و عناصر طبیعی گراو یده بودند قبیله مذکور در طی اقامت شان در سر زمین‌های اشغالی و یا همینکه بصفت قبیله قدر تمند ایجاد یك سلطنت و یا امپرا توری گردیدند. آنگاه شیوه‌های مشخص به خود بر گزیدند . میتوان از ادیان رزد شتی وآئین بودایی نیز نام برد . ناگفته نباید گذاشت که ایشان توجه خاصی به صفت دین رسمی به بود یزم پیدا کرده و یونا نی هاپهلوی عقیدت، ادیان دیگر را نیز احترام میکردندو حتی آنهارا حمایه‌و تعقیب مینمودند. مورخین استدلال مینمایند که دین بودا یی ذریعه شخصیکه (سید هرتاگوتاما) نام داشت و در حوالی قرن پنجم و اوایل قرن ششم قبل ازمیلاد در مناطق شمال شرق هند که مو - صوف در آنجا سال ۵۶۰ تا ۴۸۰ - میداند و حیات بسر میبرد بوجودآمد گرچه سید هار تاگو ماتا یکی ازشهزادگان آن دیار بود ولی بعد از آنکه در دوران جوانی متوجه حالت رقت‌بار و درد و رنج مردم هند گردید و از همه مهمتر سیستم طبقا تی «کاست» که بر همینسم حافظ و پشتیبان کلی آن به شمار میر فت اورا متوجه ساخت او را وادار به این ساخت که بریا ضت نفس و گوشه‌گیری از همه نازو نعمت شاهی پر- داخته و دور از انظار عامه به جنگل گانا (۳۶) پناه برده تاراه نجات مردم ستمدیده آن منطقه را دریابد.

بودا بعد از تقریبا شش سال‌ریاضت، گرسنگی تکالیف به آرامش روحی دست نیافته و در نتیجه دریافت که از ثروت دنیا ، نه علوم - مدرسه ،ونه‌شدت ریاضت‌کناره‌گیری‌تام میتواند انسان را به حقیقت رهنمونی کند . بدینوا سطه برای‌مرتبه هفت روز مسند زیر ساسا یه درخت انجیرکه اخلاص‌مندانش‌آنراسپس بنام (بودهی ناندا یعنی مسند خردو دانش‌نامیدند چهارزانونشست‌تا سر انجام مطابق روایاتی چند روشنی دیدو الهام گرفت و حقیقت‌را دریافت و بنام بودا مسمی شد زیرا نام اصلی وی سیدهار تا و اسم فامیلی اش - وی سید هار تاوراسم فامیلی اش-گوتاما بود که پیروا نش او را بنام بودا یعنی روشن شده و به و معرفت‌رسیده خواندند .

بودا از این پس به تبلیغ چهارحقیقت شریف و هشت جهت راه عالی آن پرداخت : (حقیقت عالی‌دردو رنج است : یعنی بدنیا آمدن درد

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ناك است ، پیری ، بیماری ومرگ‌غم و اندوه ، آه و ناله ، یاس وناـ امیدی درد ناك اند . تماس با چیزنامطلوب ، محرو میت از چیز مطلوب درد ناك است حقیقت عالی علت دردو رنج . تشنگی که منجر شود بـه زندگی دو باره، تشنگی آمیتخه‌بالذت‌و شهوت ، تشنگی یافتن لذت درین جا وانجا یعنی تشنگی هو او هوس،تشنگی هستی و تشنگی نیستی ، حقیقت عالی انقطاع درد رنج :خاتمه‌بخشیدن باین تشنگی واگذا ری ، ترك ، رهایی‌و قطع عـلایق، وحقیقت‌عالی راه انقطاع درد و رنج : عبارت از آن راه عالی است که دارای هشت‌جهت میباشد یعنی نظر راست ،نیت راست ، گفتار راست ، کردار راست‌شیوه زندگی راست ، تلاش راست تفکر است و تمرکز است . «۷»*

که ما بصراحت در هنر کلاسیك‌گندهارا این گونه و عظ سید هارتا (بودا) راتا شهرا شهر کپسلاورسی‌ذریعه علامه مخصو ص یاعراده ایکه بنام چکره ۳۷ یاد میشد نمایش‌داده‌شده است. آوانیکه عده‌یی ازمبلغین نظر به شرایط جغرا فیایی در برخی‌از قسمت ها گرد آمده و گروید گان را به مذهب جدید دعوت میکر دندبرای درك فیض‌واخذ قسماًبا مقاومت های رو برو میگشتند زیرا مردم می‌گفتند .

گوتا مای مر تاض برای مردم ارمغان آورده است . کـه ارمغان آن موجب بیوه گی زنان و جلو گیری اززا دو تولید نسل ها ست .

برخی هم پیرامون بودیزم اینگونه‌اظهار عقیده نموده انـد که بودیزم از بر خورد های شدید اجتما عی به‌وجود آمد که خود از تکامل برده‌ـ داری ،تشکیل دولت های استبدادی‌منبی بر استثمار برد گان و تشدید تا برابری ناشی شده بود . . طبـق‌ارشاد مذهب بودا کارگران نباید جزبه ندای روح خود بیند یشند وباید آنها از هر گونه اقدامی بـه منظور تغیر شکل روابط «اجتماعـی چشم پوشند .)

همینگونه طبق تعالیم بودا زندگی‌شرائت و زیستن رنج بردن از ین رو باید کوشید تا جریان تجدید یی‌در پی حیات روح قطع گردد . تاآن که میسر آن به نیروانا (۳۸) یعنی‌فنای روح بیانجا مد . تجدید حیات روح بر حسب اعمالی زندگی پیشین‌روی میدهد. ورفتار هر کس بخودی خود ناشی از تمایلات اوست پس‌درنتیجه چشم پوشی از امیال میتوان‌بر نیروا نانایل شد . آنها که «سلامت»خویش را میجو یند از خود خوا هی های دنیایی بپرهیزندو در سلك‌رهبانان مانك (۳۹) در آیند .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

در اینجا تنها برده از حق رسیدن به نیروانا محروم دانسته میشدزیرا اگر برده حتی میتوا نست بر امیال خود فایق هم اید چون در اعمال خویش آزاد نبود پس نمیتوا نست به نیروانا برسد ، همچنان از آنجا ئیکه آئین بودا حالت انفعال و قبول توکل و تفویض را موعظه مینمود و از نظر اخلاقی «آن زمان» ستمد یدگان رادر برابر ستمگران خلع سلاح میساخت میگردید بلکه ازقرن پنجم ق ،م نگردید بلکه از قرن پنجم ق ،م اشراف برده دارانیز به پیشتیبانی خود جلب کرد و جماعت رهبا نان بیش از پیش هدایای سخاو تمندا نه یی را دریافت میکردند . به همین دلیل آئین بودا که در روی مذا هب وقبیله ها قرار داشت برای دو لت های بزرگ برده دار که در حال تشکیل بودند پایه فکری متحکمی به وجود آورد . راهبان بودایی که به خوبی متشکل و از انضباط برخور- دار بوند بهتر ازروحانیان برهمایی که در حال تجزیه بودند میتوانستند به طبقه حاکم کمك کنند(۸) * قبل از کوشا نیان زمامداران هند مور یایی مخصو صا آشوکا یا پیسودا سا بعداز جنگ معروف کالینگه «۴۰» دین بودایی را به حیث دین رسمی پذیرفت و در گام نخست خودش در معتقدین سر سخت بودبزم در آمدقبلا وی پیرو برهمینزم بود او همین که قتل وخو نیریزی فراوان را درجنگ کالینگه دید، بی محابا گرایش شدید به بودیزم پیدا کرده و آنراپذیرفت . و از آن لحظه ببعد دستور داد تا هر چه بیشتر در ترویج وبخش بودیزم در منطقه بکوشند و عبادتگاه ها و ستو په های بزر گ در گوشه و کنار هندو کشور های همسایه و همجوار اعمار نمایند .وازین زمان ببعد بودیزم حیثیت دین رسمی در بار یان را به خود گرفتندلذا در زمان همین پادشاه بزرگ (آشو کا) بود که بودیزم ذریعه یك عده پیروان آن در افغا نستان امروز راه پیدا کرده وبه تدریج افغانستان بحیث بزگتر ین مرکز تعلیمات بودایی قرار گرفت ودر نخستین ایام پذیرش آن به صفت دین جدید در باکتریا گردید و نو بهار بلخ یارنا و یها رامعبد بزرگ زر دشتی آن زمان پر- ستشگاه بوداو وبودایان شدو بعدااکثر شاهان یونان ، باختر به مذهب تازه وارد بودیزم گردیدند.(۹*)

بوضاحت دیده شده که وسیله مهم انتشار این آئین همانا آرت یا صنعت یونان بود که هنر توسط هنرمندان چیره دست یونانی درخلقت مذهبی دینی و طریقه های مختلف این دین نقش عمده یی راایفاکرد وتوسط

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

همین هنر مندان و صنعتگران کلاسیك یونانی و از جانبی هم توجه خاص اربابان زور و قدرت بود که بودیزم قدم خود را از زاد گاهش فراتر گذاشت مخصوصا از راه ابریشم وارد برخی از ساحات دیار ما گردید . چه در آنزمان از یکسو ذریعه شاه مقتدر موریائی یعنی آشوکا کافر امین ارزنده بودادرقالب کتابت روی لوحه سنگ ها حك شده ودر مناطق مختلف غرض ارشاد ورهنمایی مردم قرار گرفت .
که حتی در گندهارا نمونه ای ازآن باقیست .

اینگونه سمبول ها تا عصر کوشانیها مخصوصا زمان کنیشکا کبیر دوام کرد . درین عصر مجسمه بوداشکل ستندرد را به خود گرفت و در همچنان دراکثر بخشها آسیا مخصوصا به غرض عبادت مردم قرارداده میشد معابد و صومعه ها مجسمه های بوداصا چین و جاپان دین بودا یا بودیزم مورد حمله و مبارزه شدید قرارگرفت و حتی از صحنه افکار عامه رانده شد . همچنان رویداد عمده‌ای که در آئین بودارخداد همانا درقرون قبل از میلاد و قرن اول میلادی است و آن اینکه آئین بودا به طریقه های بزرگ وکوچك تقسیم شد که بودایی شمال و بودایی جنوب جدا شده یعنی مذهب بودا به مهایانا (٤١) (وسیله بزرگ انتقال برای عبور از آبهای که مسا را بسوی دیادر ستگاری) و هیایا وسیله کوچك منقسیم گشت.(١٠)*

نکته جالبی که باستناد اسنادسانسگریت از آن میتوان پیرامون نخستین مجلس بودایی یاد کرد وطریقه کوچك را به طریقه بزرگ بودایی تبدیل نمود همانا مجلس عظیم و تاریخی است که در عصر کنیشکا در شهر مسر ینگرا یالت کشمیر دایر شده بود و در آن به شمول یکی از معاونین کنیشکا یعنی ناگار جونا بیش از پنجصد نفرراهب اشتراك ورزیده بودند این مجلس عظیم تاریخی باین جریان فکری شکل خاصی بخشید و نکات جدیدی در آن داخل شدو همچنان پاره از عقاید و خرافات عا میانه درآن روش مذهبی راه یافت جریان جهان بینی بودا را از آغاز تا عصر آشوکا به صورت عام مکتب قدیم یا هینا یانا میتوان نامید و تمایلاتیکه بعد از آشوکا تاکنیشکاجریان پیدا کرد آنرا میتوان مکتب جدید یا مهایا ناگفت . چون مکتب قدیم در قسمت جنوبی هند بیشتر بصفت یك روش مذهبی قبول شده بود و زبان آن هم پالی بود لذا بودیزم جنوبی نامیده میشد ، و زبان مذهب جدید که سانسگریت بود

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

و در قسمت شمال بیشتر روا ج داشت به نام بودیزم شمالی شناخته شده بود . نکته دیگری که قابل توجه محققین قرار گرفت این است که طریقه کوچك یاهینایانا درکشورسلیون و کشور های هند ، چین تا امروز هم اساس رسالت بودا را آن‌چنانیکه ابلاغ شده بود همانگونه حفظ و نگهداشته اند و گویا هیچ‌مطلب تازه و نو در آن افزود نگشته است . در حالیکه در شیوه و طریقه‌بزرگ یا مهایانا یکسلسله نو آوری ها با جنب وجوش خاصی افزودگردیده است دیده میشود که طر یقه کوچك در یك محدوده خیلی تنگ‌یا در یك دیده گاه محدود محصور بوده و نظر بر علاقه قشری و ظاهری‌به قانون مذهبی مذکورکه‌آنرا لایزال ولایتغیری میپندا رند اجازه تثبیت و زیادت وکمی را نمیدهد در حالیکه طریقه بزرگ ازین امر مشتسنی بوده‌و برای بشر غریب و سر گردان ، وسیر تکاملی به پایا نی قایل‌نبوده‌وسیر تکالی بشر را بی نهایت میپندارد این روش سر زمین های‌متذکره رستگاری فرد را بسنده ندانسته بلکه‌رستگاری‌همه موجودات‌را در حد اعلای امکان گستر ش و ادامه میدهند . وجلوه گا های‌تکاملی‌شیوه بزرگ یا مهایا نا ذریعه ناگار جونا وسایر پیروان‌راستین بودامورد‌تفکر وتامل قرار گرفته مطابق بتلبیغ مبلغین این روش ، مردمان معتقد به‌این راه‌واندیشه زمانیکه بیك‌تخنیکی کامل میرسند و به اصطلاح دستورالعمل های بودا را کاملا عملی‌نموده و در تبلیغ صاحب دست توانا یی‌میگردند آنگا هست که مقام بالا تری را بین بودا یست ها اختیار نموده‌ودر صددمی افتدتا بمقام بودی‌ساتوا) برسند زیرا میخوا ستند مانند بودابه تجسم و حلول بودا یی برسند تا باشد که‌مانند بودا برای دیگران‌رستگاری و فلاح به ارمغان بیاورند. (*۱۱)

پایش را بشکل تازه در قلمروکوشانی ها گذاشت مورد توجه زما- مداران انوقت قرار گرفت و مخصوصا زمانیکه کنیشکا پادشاه مقتدر امپرا توری کوشانی دین بودایی رابر سمیت شناخت و به آن گرویدآن گاه بودکه مرکز ثقل بودیزم به‌سوی‌سر زمین هندو کش انتقال یافت . زما نداران امپرا توری کوشا نی باوصف آنکه بودیزم را به صفت دین رسمی قبول کرده بودند ولی با اعتقادات ومذاهب گونا گون ومحلات ودهکده ها نیز احترام قایل بوده وهمواره در تکامل معابد ، صو معه‌ها و سایر عباد تگاه ها با مردمان‌محلی‌یاری مینمودند و همینگو نه که

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بودیزم را حمایه میکردند خودراحامی ادیان کوچك محلی نیز میدا نستند تا حدود زیادی دین بودایی در قلمرو امپرا توری کوشا نیها و استیلا ی استیلا گران و شاهان کو شانی به طرف سر زمین پنهاور هند ایفا کرد و زمینه را برای قدر تمندان کوشانی به طرف هند مساعد نمود و قسمیکه از ورایی اوراق تاریخ بر می آید کنیشکا اکثر نقاط بهارت قدیم را بدون جنگ و خونیر یزی فتح و تصرف کرد . و همچنان بیاد بود بودا در تکسیلا (پشاور) در حوا لی سیاجیگی د هری ستو په عظیمی را اعمار نمودکه بعدابنام ستوپه کنیشکا معروف گردید این ستو په نظر به روائیات (هون تسونگ - از اثر زائیر وسیاح معروف چینایی درحدود یك لی) تقریبا پنجصد متر» عرض وطول داشته و روی تخته سنگی اعمار گردیده بود . میگویند سا ختمان ستوپه از چوب بوده و حینیکه کشفیات اخیر درآنجا صورت پذیرفت جعبه تبر یکات فلزی ازآن به دست آمد که جعبه مذکور ذریعه هنرمندیو نانی اگاسیلو س «۴۳» که در واقع نگهبان معبد مها سینا «۴۴» بود کشف و بدسترس قرار گرفت . بعد محققین در یافتند که در سطح خارجی ستو په مذکور هیکل کنیشکا امپرا توری کوشانی حك شده و در گوشه آن نام کنیشکا مشا هده میشود . همچنان در جعبه تبرکات که از بین ستوپه بودایی پیدا شده یکسلسله پدیده های مذهبی کلاسیك یونانی که در آنزمان بشکل مهاجرین در سر زمین گندهار را میزیستند و ازهنرمندان آن که در هنر نقاشی هیکل تراشی و معماری استفاده میشد به دست آمده است . که این پدیده هنری در جبعه تبرکات خود نشان ندهنده همکاری هنر مندان یو نانی میباشد چه ستوپه مذ کور یك ستوپه بودایی بوده ولی جعبه تبرکات که در بین ستوپه مدفون بود یك اثر یونانی بوده که ذریعه هنر مندان و هنر دوستان گندهارا تبارز کرده است.(۱۲) * .

اگر چه بودیزم مورد توجه زمامداران موریایی مخصو صا شاه قدر تمند آن یعنی آشوکا قرارگرفت ولی در دوره کوشا نیان مخصو صا «کنیشکا» خیلی گسترش یافت چنانچه کوشا نیان در نشر و پخش بودیزم در سراسر آسیای مرکزی توجه خاصی مبذول داشته و با اعمار معابد صومعه ها و عباد تگا های مجلل وباشکوه بودایی و مجسمه های عظیم ستندرد شده و ساختما نهای رهایشی ، دفاعی و تر صدی در گندهارا ، مهتور اودره های کابل بامیان وسایر مناطق مرکزی، شرقی وشمال کشور طور یاد گار بشکل مدرن وپر شکوه از خود باقی گذا شتند که

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

این خود نمایا نگر علاقمندی اربابان‌قدرت دوره کوشا نی بدین مذ هب بوده است .

یکعده از دانشمندان عقیده دارندکه بودیزم‌اصلا ذریعه‌شخص کنیشکا در اکثر قسمت های آسیایی تو سعه‌مییابد و راه تکامل خویش را وسیعا میپیماید و سپس به اصول‌طریقه‌های‌سرو استی و ادین «۴۵» مهایا نا ، سنگاراما (۴۶) نزدیك و پیوسـت‌گردیده و معابد بودایی حتی تا عصر شاهان کوشا نیهای بعدی بو جودمیاید . همچنان باید یاد آور شد که کو شانیهای کوچك یعنی شاهان‌قبل‌از کنیشکا کبیر و چند شاه بعد از کنیشکا به ادیان و طریقه های دیگرمذهبی معتقد بودند و گرایش خاصی به آنها داشتند مـثلا ویما کد فیزس‌و کجولاکد فیزس از جمله شا هـان اولی کوشانی ها بودندکه به خدایان‌باختری ،یونانی وهندی مانند شیوا. نندا ، پا نـــا (۴۷) عقیـــدت‌بیشتـــر و خـــا ص دا شتنـد ولی کنیشکا به سایر ادیان موجودروی آورده و بودیزم را به صفت دین رسمی پذیر فت که از جمله میتوان‌گرایش وی را به آئین بودایی مثال آورد که این روش یکی از ادیـــان‌قبول شده آنوقت اهالی بهارت‌قدیم و گندهارا بود او انیکه بودیزم درقرن اول میلادی در گندهارا و نواحی مرکزی افغا نستان و قسمت هـــای‌مختلف کابل وسیعا گستر ش یافت مخصو صا حینیکه امپراتوری بزرگ‌و کبیر کوشانی یعنی کنیشکا بـه قدرت رسید و رسما به تبـلـیغ وترویج آئین بودایی پردا خت ،آنگاه بود که پیروان بودا و معتقدیـــن‌فلسفه بودیزم یکنوع مکلفیت‌ومسو- ولیتی را در خود احسا س کردند تاچگونه بتوانند پیشوای مذ هبی‌شان را (بودا) بشکل انسان تر سیـــم‌نموده و مورد پرستش قرار دهند . زیرا اینهاعقیده داشتندکه موجودیت‌شکل بودا خواه به صورت رسم یا مجسمه باشد معتقدین را بیشتر ازپیش به بودیزم گرویده میسازد و عظمت و جلال بودا را در نـظـــرپیروان و اخلاصمند ان ان بیشتر و خوبتر جلوه میدهد و آنها را بیـادکسیکه عقاید و نظریات آن‌سر تاسر هند ، افغا نستان و کشور های هندو چین را در بر گرفته بود میاندازد این گروه مجبور شدند تا شکل‌بودارا در مقابل چشمان خود و پیروان آن به طور مداوم داشته باشند وهمان شد که هیکل تراشان و پیکر نگاران دست به مـجسمه سازی ،معیاری بودا زدنددآنرا مطابق‌روایات تجسم دادند . چنانچه عـلاوه بر آن‌آثار هنری خاص بودایی که از سا-

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

حات مختلف طی کاوش ها بدرست آمده نقش شا هان کو شانی چون بودا درسکه طلایی که ازمنطقـــه های آندوره ثابتگر خوبتر مدعـــای ماست گر چه در روی سکه هـــای کوشانی شکل بودا نسبت به ارباب الانواع دیگر کمتر دیده شده است. ولی بانهم در یکتعداد سکه های‌دوره کوشانی مخصو صا در سکه هـــای کنیشکا بودا معمولا بدوحالت‌استاده یا نشسته نشا نداده شده است مثلا بودا را در حالت استاده میتوان در روی سکه طلایی که از بین یك‌ستوپه از ناحیه آهن پوش نزدیك شهر ـ جلال آباد طی حفر یات و کاوش به‌دست آمده مشا هده کرد . همچنان دو عدد سکه نقره‌یی که از ستو په‌های همجوار آن‌منطقه کشف گردیده است در آن بودا در حالت استاده به‌نظر میخورد . باید تذکر داد که نام بودا در سکه طلایی که از منطقـــه‌هده بدست آمده به حروف یو نانی یعنی «٤٨» بود و نوشته شده که‌جلب توجه مینماید ودر یکتعدادسکه های نقره یی کنیشکا ، بودا بـــه‌حالت نشسته دیده شده که رسم الخط روی آن طویل و قسما هـــم نقوش بوده است بهر صورت رسم الخط مذکور مسلما مفهوم کلمه بودارا میرساند . «١٣*» .

عده‌ای از محققین عقیده دار ند که کشفیات یکسلسله آثار مجسمه ها موضو عات تاریك را پیرا مـــون‌شناخت بودیزم روشن گردا نیـــده است چنانچه بودا ساکیا مو نـــی‌موسس آئین بودایی برای بار اول بشکل وقیافه کلاسیك خود به لباس‌راهبی در حالیکه کاسه گدایی در دستش میباشد در برخی از مسکـــوکات کنیشکا کبیر مجسم و نام آنرا برسم الخط یونانی (بودو ساکا نـــابود و ه) یا بودا سا کیا مونی بودا تحریر گردیده است .

همین ترتیب مطابق یکتعداداسنادو شواهد بودا به نامها و گونه های مختلف در سکه های کو شانی هایاد و نقش شده که از جمله اسمای آنی روی سکه ها بیشتر دیده شده‌است. ککا موبودو کسکا او بوده بگوبو یودو که اسمای متذکراز نظرسکه شناسی باساس فورمول وطرق مشخص را اپیگرافی نگاشته و حل‌شده است. همچنان علاوه‌بر مسکو ـ کات منقوش درین دوره میتوان ا زتوجه و علاقه خاص کنیشکا با علماء و دانشمندان بودایی نیزیاد آور شدکنیشکا در عصر و زمانش از خود مشاور مذهبی بنام «پارسوا میترا»داشت که نامبرده از جمله علمای‌نام آور و مشهور آن زمان بـــــو ده‌است . «١٤*» .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

گفته میشود همینکه کنیشکا بودیزم را پذیرفت و آنرا رسما قبولدار گردید در نتیجه دوره جدیدی بروی‌این آئین جدید الورود باز گردیده و روز تا روز مراحل تکامل و همگانی‌شدن را در آسیا پیمود . یعنی اینکه کنیشکا نقش عمده و ارزنده ای راپیرامون فلسفه آئین بودایی ، بخش و عمومیت بخشیدن آن در سر زمین‌آسیایی ایفا کرده و در حقیقـــت آئین محدود ،محلی و تنگ‌بودایی‌را از چوکات هند در چوکات آسیا انتشار داده و در تعمیم و انکشاف‌آن با تبلیغ وسیع و همه جا نبه‌بذل توجه بخرج داد «۱۵*» . همچنـــان‌پذیرش بودیزم ذریعه امپرا تورکبیر کوشانی (کنیشکا)و تبلیغ وگسترش آن به صفت دین رسمی ونـــو آوریها و تجسم بودا به شکل انسان‌از یکطرف در ارتقاء هنر یو نانـی یونان و باختری و گند هارا نقش‌عمده و ارزشمندی را ایفاء نمود.

چه تحقیقات اخیر باستا نشناسی‌عظمت این دوره درخشان را از سر- حدات او جین الی آنطرف دریای‌گنگادر بهارت واز رود سند تا باختر بصفت یکدوره عظیم هنری دانسته‌و تکامل هنررادر خدمت آئین‌بودایی پندا شته اند واینکه بودیزم بصفت‌دین رسمی عصر کوشا نی ها قرار گرفته بود در اکثر معابد بودایـی‌باختر زمین و گندهارا باثر کشفیات و حفریات باستا نشنا سی شمـــارزیادی از سکه خای مستند عصـــر کوشانی ها بدست آمده که این خودعلاقمندی و توجه خاص کو شانی‌ها را به آن روش و آئین باز گومیداردو بوضاحت دیده شده که قبـــل از کنیشکا و دوره کو شانیها بودا رامردم آنزمان‌بوسیله عـلایم مخصوص اینکو گرافی با صحنه های مذ هبی‌آن مانند تخت خالی ، جای پا ، در- خت انجیر ، علامت دهر چکره وغیره‌در قید هنریی گنجا نیدند و حتـی مورد پرسش و عادت قرار میدا دندولی از زمان کنیشکا و از آن ببعد هنر مندان و هیکل تراشان آسیابودارا بشکل انسان با لباس را هبی تمثیل نموده و معابد و عباد تگاه‌های‌بودایی را ا ز مجسمه و صحنه های آن مملو گردانید ند .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

حات مختلف طی کاوش ها بدرست آمده نقش شا هان کو شانی چون بودا درسکه طلایی که ازمنطقـــه های آندوره ثابتگر خوبتر مدعـــای ماست گر چه در روی سکه هـــای کوشانی شکل بودا نسبت به ارباب الانواع دیگر کمتر دیده شده است. ولی بانهم در یکتعداد سکه های‌دوره کوشانی مخصو صا در سکه هـــای کنیشکا بودا معمولا بدوحالت‌استاده یا نشسته نشا نداده شده است مثلا بودا را در حالت استاده میتوان در روی سکه طلایی که از بین یك‌ستوپه از ناحیه آهن پوش نزدیك شهر — جلال آباد طی حفر یات و کاوش به‌دست آمده مشا هده کرد . همچنان دو عدد سکه نقره‌یی که از ستو په‌های همجوار آن‌منطقه کشف گردیده است در آن بودا در حالت استاده به‌نظر میخورد . باید تذکر داد که نام بودا در سکه طلایی که از منطقـــه‌هده بدست آمده به حروف یو نانی یعنی «٤٨» بود و نوشته شده که‌جلب توجه مینماید ودر یکتعدادسکه های نقره یی کنیشکا ، بودا بـــه‌حالت نشسته دیده شده که رسم الخط روی آن طویل و قسما هـــم نقوش بوده است بهر صورت رسم الخط مذکور مسلما مفهوم کلمه بودارا میرساند . «١٣*» .

عده‌ای از محققین عقیده دار ند‌که کشفیات یکسلسله آثار مجسمه ها موضو عات تاریك را پیرا مـــون‌شناخت بودیزم روشن گردا نیـــده است چنانچه بودا ساکیا مو نـــی‌موسس آئین بودایی برای بار اول بشکل وقیافه کلاسیك خود به لباس‌راهبی در حالیکه کاسه گدایی در دستش میباشد در برخی از مسکـــوکات کنیشکا کبیر مجسم و نام آنرا برسم الخط یونانی (بودو ساکا نـــابود و ه) یا بودا سا کیا مونی بودا تحریر گردیده است .

همین ترتیب مطابق یکتعداداسنادو شواهد بودا به نامها و گونه های مختلف در سکه های کو شانی هایاد و نقش شده که از جمله اسمای آتی روی سکه ها بیشتر دیده شده‌است. ککا موبودو کسکا او بوده بگوبو یودو که اسمای متذکراز نظرسکه شناسی باساس فورمول وطرق مشخص را اپیگرافی نگاشته و حل‌شده است. همچنان علاوه‌بر مسکو— کات منقوش درین دوره میتوان ا زتوجه و علاقه خاص کنیشکا با علماء و دانشمندان بودایی نیزیاد آور شدکنیشکا در عصر و زمانش از خود مشاور مذهبی بنام «پارسوا میترا»داشت که نامبرده از جمله علمای‌نام آور و مشهور آن زمان بـــــو ده‌است . «١٤*» .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

گفته میشود همینکه کنیشکا بودیزم را پذیرفت و آنرا رسما قبولدار گردید در نتیجه دوره جدیدی بروی‌این آئین جدید الورود باز گردیده و روز تا روز مراحل تکامل و همگانی‌شدن را در آسیا پیمود . یعنی اینکه کنیشکا نقش عمده و ارزنده ای راپیرامون فلسفه آئین بودایی ، بخش و عمومیت بخشیدن آن در سر زمین‌آسیایی ایفا کرده و در حقیقـــت آئین محدود ،محلی و تنگ‌بودایی‌را از چوکات هند در چوکات آسیا انتشار داده و در تعمیم و انکشاف‌آن با تبلیغ وسیع و همه جا نبه‌بذل توجه بخرج داد «۱۵*» . همچنـــان‌پذیرش بودیزم ذریعه امپرا تورکبیر کوشانی (کنیشکا)و تبلیغ وگسترش آن به صفت دین رسمی ونـــو آوریها و تجسم بودا به شکل انسان‌از یکطرف در ارتقاء هنر یو نانـــی یونان و باختری و گند هارا نقش‌عمده و ارزشمندی را ایفاء نمود.

چه تحقیقات اخیر باستا نشناسی‌عظمت این دوره درخشان را از سر- حدات او جین الی آنطرف دریای‌گنگادر بهارت واز رود سند تا باختر بصفت یکدوره عظیم هنری دانسته‌و تکامل هنررادر خدمت آئین‌بودایی پندا شته اند واینکه بودیزم بصفت‌دین رسمی عصر کوشا نی ها قرار گرفته بود در اکثر معابد بودایـــی‌باختر زمین و گندهارا باثر کشفیات و حفریات باستا نشنا سی شمـــارزیادی از سکه خای مستند عصـــر کوشانی ها بدست آمده که این خودعلاقمندی و توجه خاص کو شانی‌ها را به آن روش و آئین باز گومیداردو بوضاحت دیده شده که قبـــل از کنیشکا و دوره کو شانیها بودا رامردم آنزمان‌بوسیله عـــلایم مخصوص اینکو گرافی با صحنه های مذ هبی‌آن مانند تخت خالی ، جای پا ، در- خت انجیر ، علامت دهر چکره وغیره‌در قید هنریی گنجا نیدند و حتـــی مورد پرسش و عادت قرار میدا دندولی از زمان کنیشکا و از آن ببعد هنر مندان و هیکل تراشان آسیابودارا بشکل انسان با لباس را هبی تمثیل نموده و معابد و عباد تگاه‌های‌بودایی را ا ز مجسمه و صحنه های آن مملو گردانید ند .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مآخذ:

(۱) *تاریخ سیاسی پارت اشکانیان - تالیف نیلسون دی بوند - ترجمه علی اصغر حکمت . و مقاله بابا جان غفوروف . ٦١- (۲)*

(۳)* تاریخ تمدن ایران - ترجمه جواد محیی .

(٤) *هنر دوره کوشانیها تالیف روز نفلید - ترجمه سرور همایون .

(٥)*تاریخ سیاسی پارت اشکانیان - تالیف نیلسون دوبوند - ترجمه اصغر حکمت .

(٦)*آریانا دایره المعارف افغانستان کابل و

(۷)*مجله آریانا - شماره اول سال ۱۳٥۲ و تاریخ افغانستان معاصر گستنر پوهنځی حقوق ،مقاله فضل ربی پژواك .

(۸)*فیلسوفان بزرگ - تالیف کالال یاسپرس ترجمه دوکتور اسد الله مبشری .

(۹)* سرزدین هند .تالیف علی اصغر حکمت .

(۱۰)*هند تحت تسلط کوشانیا تالیف بی ، ان ، پوری ترجمه ضمیر صافی ، و مجله آریانا سال ۱۳٥۲ .

(۱۱)*مجله آریانا شماره اول سال ۱۳٥۲ . و فیلسوفان بزرگ. تالیف کارل یاسپرس ترجمه دوکتور اسدالله مبشری .

(۱۲)*تاریخ مختصر افغانستان جلد اول پوهاند عبدالحی حبیبی . کنیشکا . تالیف احمد علی کهزاد وحفریات هده سال ۱۳٥۰ .

(۱۳)*فیلسوفان بزرگ. تالیف کارل یا سپرس. ترجمه دوکتور اسد الله مبشری.

(١٤)*تاریخ ادیان . تالیف رادهاکریشنان . و سر زمین هند تالیف علی اصغر حکمت .

(١٥)*و افغانستان در پرتو تاریخ . تالیف احمد علی کهزاد . و آریانا دایره المعارف .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

1—Kowi-Choung
2—Kowi-Shuang.
3—Ta-hai
4—Tung-hu
5—Yuch-chi
6—Hsieng-hu
7—Mo-tun
8-Liu-Shang
9—Kuei-Shuang
10—Yuch—shih
11—Wu—Sun
12—Sakas
13—Siti
14—Ho-Han-Sho
15—Tun-Huang
16—Kei—Tein
17—Hiung—nu
18—Oxus
19—Kieu--Tsiu—Kieu
20—Kansu
21—Huns
22—Tochari
23—Arsi
24—Saka
25—Saki
26—Sake
27—Scyths
28—Saka
29—Sacarauca
30—Bacteria
31—Massagetae
32—Ta-hsia
33—Kushan
34—Kugula-Karakadphises
35—Putra
36—Gana
37—Chakra
38—Nirvana
39—Rnanks
40—Katinga
41—Mahayana
42—Hinayona
43—Agasilos
44—Mahasinha
45—Sarrastivadin
46—Sangarma
47—Shvi, Nanda, Panda
48--Boaao

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

لیکو نکی : ـ مارك اورل شتا ین
ژباړ و نکی:صدیق الله عتیق‌زوی

کوشانیان او کابل شاهان د کابل په تاریخ کې

که چیری موږ په عمومی تو گه دسا نسکر یت اد بیات او د چین وږخنی او کلتی پیښنو متن په ډیرځیر سره تر ژوری څیړنی لانـدی ونیسو داسی څرگنه یږی چـه‌دسانسکر یت په ادبیا تو کی د کشمیر دکالاهان او د تور و شکا یادشاه دکوږ نی نو مو نه لکه هو شکا جوشکا او کنشکـــــا ثبـــــت شـــوی او محفـظـ ـــــــــــــــــــــ ږ ذا
پاتی دی : همدا ډول د نو موړی شاهانو نومونه د چینا یی په وږځنی او کلللنی تاریخی پیښنو کتاب کـــی‌داندو سیتی (لوی یو چی) اود هندی ساکا په نامه ثبت او محفوظ پاتی‌دی او د دوی تسلط او نفوذ د هند په شما ل لو ید یځو سیمو کی ښی‌حقیقت داده‌په‌کالا هان راجاتر نجینی هم موږته ډیر په زړه پوری اطلاعات‌تاریخی پیښنی‌اوسوا بق ددغوشاهانو دکوږنی په هکله راپه گو ته کو ی‌چه ددوی وروستی جانشین او وارث اندو ستی وه او دوی فتو حاتو پـه‌وخت کی د هند د شمال لو یدیځو سیموکی ډیری ستو نځی منـــــځ‌تراوستی. په دی کتا بو کی څرگند شوی چه دغه شهزاده د کابل هندوشاها نو په نا مه یاد یده او د کابل دسمین په شاه او خوا کی تر هندپوری حکومت کاوه اوددوی پادشاهی دسلطان محمود غز نوی له خواوران‌شو، پور تنی معلو مات د کالا هان په پیښنو کی نه دی ذکر شوی مگرپه‌پرا گنده او ټو ټه،ټوټه د کشمیر دیو شمیر زیا تو شا ها نو پـــه‌کلینواو وږځینو تاریخی‌پیښنو کـــی راغلی . او د کو شا نیا نو د کوږنی‌دشا ها نو نومونه په ځینو کی د ډښمن او په ځینو نورو کی د هغودوست او متفقین په نا مه ذکـــر شویدی چه دغه یاد داشتو نه پـــه‌لو ید یځو سیمو کی د کو شانیا نو تسلط او حکمروا یی ثابتوی ، که‌چیری مو ږ دغه پور تنی منا بع او ماخذ په صحیح تو گه تـــر ژوری‌څیړ نی لاندی ونیسو او د هغـو

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تاریخی ارزښت ارز یابی او تشخیص کړو وروسته د یوی لنډی سروی اولتپی څخه امکان لری وکولای شولرلږ معلو ما ت له د غو منا بعو څخه دکو شا نیا نو اصلی پیدا ینښت په هلکه تر لاسه کړو .

د البیر و نی په کتاب کی معلومات دکابل د پادشا هانو په هکله چه د لمړی ځل د پاره د (رینود) (١)له خوا په ښه بڼه تشر یح شوی اوهم داندیکا) (٢) په (٣) فصل کی چه د پرو فیسور سا چا و(٤) په مرسته ژباړو ل شوی مننه کوو ، د هندی په نورو منابع او ما خذ و کی پـــه دی هکله پوره معلو مات تر لاسه کولای شو .

د البیرونی د کتاب په لمړ فصل کی ډیر با ارزښته نښی نښانی د اصلی اندو ستیا نو د امپرا طوری د پیل او د هغو ی رسم ، رواج او مذهبی عقا ید ثبت شوی او موجوددی ، او هم هغه پوهان او دانشمندان چه د سا نسکر یت په ژ به پو هیږی کولای شی د دغو منابعو څخه پوره معلومات ترجمه کړی . همدا رنګـه په مستقیم ډول ژب پو هان او سکه پیژ ندو کی د کو شا نیا نو د سلطلی په هکله د هغوی د مسکو کاتو او لرغونی آثار و له مخی په هند او په افغا نستان کی پوره معلو مات لاس ته راوړی په هندی منا بعو کی ذکرشو ی چه د هند کو شا نی شاهان ه کابل کی سلطنت کړی او هم پـه کابل کی او سیدل .

همدا رنګه په تر کی منا بـــع او ماخذ و کی ذکر شو یدی چه د کو شا نیا نو ډله په اصل کی تبتی وه . البیرو نی په خپل یاد داشتو کی لیکی چه کو شانیان اصلا د چین د تبت څخ ه وه وروسته دی سیمی تـــه اوورو ، وروهند ته ولاړل اوپاد شاهی یی وکړه .

د هند د اسناد وله مخی ویلی شوچه د هند لمړی شاه په افغا نستان کی بار ها تا کن (٥) وه اوره په ډیرجرات سره په دی سیمه کی حکمرانی کړی او خپل فتو حا تو ته یی دوام ورکړ . بار ها تاکن د کابل د پادشاه په نامه یاد شوی همدا رنګه دوه څخه وروسته د هغه پاتی کو رنی چـــه شمیریی شپیتو ته رسیږی په کابل کی سلطنت کړی دی . البیرو نـی لیکی ددی کورنی د پاد شاه یـــوه سکه کشف شوی چه په دی سکه کی ددی کور نی اصلی مو سس کا نیك(٦) ښودل شوی او هم د هندوانو ورسم و رواج اومذهبی عقاید و پـــه هکله البیرو نی په خپل یاد داشتو کی ثبت کړ ی د ی . څرنګه چه پخوا تاریخی پیښی په خو له د افسا نی او کیسو په ډول نقل شویدی. وروسته په پاڼو پو ټکو او کاغذ باندی ولیکل شوه .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

البیرو نی ځینی تاریخی پیښی په ښه روښا نه شکل په خپل شخصی یاد داشتو کی ثبت کړی چه دغه یاد داشتونه د تاریخ په تیارو واو گنگ زوایا روښنی اچوی او ډیر ښه مدارك او اسناد را په گوته کوی منه کوو. دلمړی ځل د پاره یوه سکه چه دبارها تاکن لاس ته راغلی نوموړی سکه د دی کورنی د بنسټ ایښودونکی ، د کورنی او د هغه وخت موروشی عقاید ثابتوی او هم په خاصه توگه ثابت شوی چه دغه کورنی بربریا وحشی سیتیا نو څخه وه چه د شمال له خوا راغلی وه (۱) *مگرد هغه وارث او جا نشین کا نیك په هکله لیکل شوی ده چه کانیك یو مشهور او نو میا لی ویهارا په (پوروشاوار (۷) اوسنی پیښور کی دده په امر و دان کړی شو. چه دکانیك او د ویها ری په هکله داسی نظر شته دغه کانیك په قوی باور او احتمال سره خپله کنیشکا دی نه د تر کی په اسناد و کی دا سی اشاره شوی چه د کابل شاهانو ډله (سلسله) د اندو ستیا نود حملا تو او فتو حا تو سره په افغا نستان کی پیل شول چه دغه نظر د البیرو نی له خوا هم تایید شوی دی.

که چیری موږ د شا هیا یو زیات شمیر نو مونه وخیړو داسی نتیجه اخلو چه د ایران پخوا نی او قدیمی شا هانو نومونه په همدی شا ن (شاهیا، شاها نو او شا هنشاه) وه او نن د اند و سیتی شا هان په همدی نومویاد یږی له دغو نومونه څخه موږ انکار نشو کو لای ځکه د غه ډول نومو نه د کنیشکا او د هغه د جانشینانو او د تخت وارشینو اود اندوسیتی د شا هانو د کورنی په هره سکه کی شته چه ځینی یی تشریح او تفسیر شو ی دی ، لکه شاهو (۸)(۹) شاهو نانوشاهو (۱۰) (۱۱) چه د شا هنشاه معنی ورکوی د سکو پر مخ لیدل شوی دی . دغه پور تنی قدیمی نو مونه تقریبا د یوملیونو کلمو نو څخه را په دی خوا دمختلفو شاها نو کورنی په همدی نومو یاد یدل چه دا نومونه جاویدانی او دایمی نوم وه . په ځینو منا بعوکی ذکر شوی چه د (بار ها تاکن) د کورنی څخه شپیتو کسا نو د یوی اوږدی مودی د پاره سلطنت کړی دی.

---

(۱) په ځینو لیکنو او یادداشتوکی داسی لیکل شویدی چه بار ها تاکن چه ډول رسم او رواج درلود «هغه تر کی دوله کالی اغوستل لنده بالاتنه چه مخ خلاص وه جگه او لوره خو لی .ساقداره بو تان چه اسلحه هم ورسره وو» دغه ډول کا لی د پخوانی اندو ستی شا ها نو له پور تریت سره چه د کدفیز س او کنشیا په سکو باندی ایستل شوی یو شان دی .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

واسود یوا چه د کنیشکا د کورنی وروستی جا نشین او وارث وه د دغه (واسو دیوا) یو ډیر لیك چه آخری ډبر لیك دی لاس ته را غلی چه کال پی (١٧٦ م) کال اټکل شویدی .داندو سیتی د شاها نو د سیا سی اوضاع حدود او ثغور په هکله لږ معلو ما ت لرو د اندوسیتی د شاهانو مرکزد هندوکش جنوبی برخو کی وه د چینا یی د ورځنی او کلنی تاریخی پیښو د کتاب له مخی لنډه پیژندنه لاس ته را وړی شو. همدا رنگه په یوه بل کتاب کی چه دهه سپیچ (١٢) لخوا د (١٣)(١٤) (١٥) په نامه (١٨٩٠) میلا ی کال په پاریس کی خپور شوی د اندو سیتی د کورنی په هکله په دولسم مخ کی پوره پیژندنه او معلومات راپه گوته کوی. د چینا یی وای د کورنی پاد شا هی دوره چه له (٣٨٦) نه تر (٥٥٦) پوری چه یو سلو او یا (١٧٠) کاله کیږی دوی خپلی حملی په دی سیمو کړی او د هند و کش په بر خه کی د یوی شاهی کورنی سره مخا مخ شو چه د «چی ، تو، لو،(١٦) » یعنی کوچینی یو چی شا هانو په نامه یی حکو مت کاوه چه مر کز یی په نو لو شا (١٧) یعنی پیښورکی وه. چی تو او په خپله دلوی یو چی د یوی قبیلی او قوم شهزاده وه او دوی د هندو کش په شمالی سیمو کی سلطنت کاوه. همدا رنگه هه داروین (١٨) لیکی :

چه ـ په ښکاره تو گه دغه بدلون رنا وفقید پوه استاد الفرد .ون. گوشمد (١٩) د ځیړنی نتیجه ده ده په خپل کتاب د تو ښگن (٢٠) په نامه جه (١٨٨٨) میلادی کال کی د ایران په هکله لیکل شوی د نوموړی کتاب په (١٦٨) مخ کی د کو چینی یو چی د سلطنت په هکله ځینی لیکنی کړی اووایی چه د کوچینی یو چیا نو حکومت په (٤٣٠) میلادی کال کی وه .

او هم اشاره شوی چه اندو سیتی وروستنی جا نشین د یوی بلی کورنی سره لیری اړیکی در لودی سلطنت کړی وی یوازی دوه تنه وه. کله چه داومی میلادی پیړی په ورستی څلوریځه کی چینایی زیارت کوونکی

(١) *زمامقاله: «دزردشتی رب النوع داندوسیتی په سکو باندی » لندن (١٨٨٧) . همدا رنگه د هند لرغونی آثار کتاب (١٧) ټوك (٩٥) مخ .بر- سیره پردی د یو زیات شمیر نومونو تاریخ «دهه داورین» له خوا داندو- سیتیا نو د سکو د کلکرمیون په هکله په (١٨٨٨) میلادی کال په (٦٥) مخ کی ځیړل او خپور شوی .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

هیوان تسا نگ له ډیر لوړوه اوله‌واوروډك غرونو څخه د یوه لیدو نکی په توګه تیر یده ده په خپلو یـــادداشتو کی لیکلی چه د کابل سیمه‌او دهغه شاه اوخواګاوندی شاهان د ګندهار په ګډون ټول دیوه پادشاه او حکمران‌قلمرووه‌چه دد غه‌پادشاهی‌مرکز په چیایی شی (۲۱) یا اوسنی کاپیسا چه د هند و کش جنو بی‌سیمه کی موفقیت لری او سیدل او حکومت یی کاوه .

هیوان تسا نگ چینا یی زیارت‌کوونکی په خل سفرنامه کی‌چه‌دسی، یو کی(۲۲) په نامه یاد یږی لیکی‌چه‌بودا فیل په کا پیسا کی اوسیده او دکوچینی یو چیا نو د کورنی پادشاه‌وه یاپه بل عبارت دغه پاد شاه د دغی سلسلی د یوی‌وروستی کورنی څخه‌وه .

هیوان تسا نگ‌ث د بو دا فیل‌په‌هکله لیکی چه کاست او طبقی‌لـــه پلوه دغه پاد شاه کشا تریا د طبقی‌څخه وه همدا رنگه وروسته شا هانو کورنی په شما لی سیمو کی تر دی‌وخته د هند دشاهانو پام یی نه وه جلب‌کړی . د کو شانی امپرا طورانوهیڅکله د هند حکمرنانو تاثیر لاندی نه‌وه حال داچه د هندی حکمرانانوحتی د هند شا ها نو د کنیشکا د سلطی څخه سر غړو نه کولـــه دکو شا نی کور نی د هند حکمرانانو نفوذیی ونه مانه (۱) *

د کو شا نیا نو لو یه امپرا طوری‌چه د هند و کش د شما لی سیمو څخه د هند تر شما ل پوری یی‌حدوداو ثغو روه . په دی اوژده موده کی دکابل په تاریخ او امپراطوری اود هغه ګاونډی هندی حکمر انانو او شاها نو باندی د یوی لو یی تاریخی‌عصر او موده چه د هند و کش د شمالی سیموڅخه د هند تر شمال‌پوری خپره شوی وه سلطنت کړی،

---

(۱) ځینی عقاید او فرضیات د مکـــــــر اکو لا پـــــا د شاه پـــه هکله‌په (۵۱۵) میلا دی کال کی د فلیت له خوا د هند د لر غونی آثار دکتاب په (۱۵) ټوك په (۲٤۵) مخکی‌بحث شو ی ...

یوازی د دی کورنـــی ارتباط اواړیکی د اندوس لو ید یځـــی سیمـــی خلکـــو سره تر اوسه مشکوك اولاینحل پاتی ده‌تربیره پردی داندوس دلوید یځی سیمی د پاد شا هانوپرسکو د شا هی نوم لیکل شو ی دی .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

دی ، سره له هغو عقاید واو ډول‌ډول رسم اورواج چه مختلف قبایـــل او عشایر اوداسی ډیری نوری ستونځی چه پورتنی پاد شاهان ورسره مخامخ وه پشپتیو نسل یوه دوامداره پـادشاهی وکـــــــړ ه پـــــه د ی معنی چـــــه د دغی کور ه نـــــی شاهانو واریشینواونور جا نشیینانو وکړه .

په دی معنی چه د دغی کورنـــی شاهانو وار شینواو نورو جانشینانو دشا هی نوم لاندی د یو ی اوژدی مودی پوری سلطنت کړی دی . همدا رنګه د البیرو نی د کتاب په دوهم فصل کی همدا نوم او تخلص (شاهی شاهو ، شا هنشاه) چه د دی کورنی وروستی شاهان په همد ی نوم یاد- یدل شول شوی او د دی شاهانـو تسلط او نفو ذ د اندو سیتی پـــه اصلی قلمرو کی د سلطان محمـودغزنوی یرغلو څخه مخ کی وه پـدی مفهوم پخوا له دی چه سلطان محمودغزنوی هند ته حمله و کړی دوی داندوسیتی په اصلی قلمرو باندی حکو مت کاوه او محمود غزنوی د یرغلو نه پخوا د دوی قدرت اوتسلطه دی سیمو څخه د مینځه تللی وه او دبی اتفاقی په اثر ضعیف شوی وه.

همدا رنګه البیرونـــی په خپلو یاداشتو کی اشاره کوی چه « د ترکی کابل شاهان» وروستی پاد شاه پـه کابل کی لاګاتور ما نا په نامه یادیده د تور مانا وزیر بر همن کالا (٢٤) نو میده دغه وزیر پر خپل قلمرو او دولت باندی ډیر نفوذ او تسلط درلودچه دو لت او ملت کی د اواری لاندی راوستی وه . تور مان کله چه پوه شوه وزیر یی ډیر نفوذ او قـــدرت لری هغه یی د ساسی او حکومتی چارو څخه ګو ښه کړ . وروسته تورمان نو موړی وزیر بندی کړچه تورمان د دغه وزیر په بندی کو لو سره وروسته د لنډی مودی څخه دهمدی وزیر د همکار انو په مرسته دسلطنت څخه محروم شو او پخپله وزیر سیا سی چاری تر لاسه کړی.

دهند وشا هیانو د کور نی پـــه سلسله کی د کالار نوم دپادشاه په توګه ثبت شوی چه پادشاه کالار اونورد شاها نو د دی کورنی څخه پر له پسی په لاندی ډول حکو مت کړی لـــکه پاد شاه ساماند (٢٥) ٢٦ کا مالو (٢٧) بهم (٢٨) یا بهیـــما (٢٩) جاییپال (٣٠) انندا پالا (٣١) او تار وجانا پا (٣٢) وه .ددی سلسلی وروستنی شهزاده نوم درینود (٣٣) له خوا تـــر یلو کانا پـــا لا (٣٤) چه د هغه اصلی او درست نوم دی ویل شو ی دی . تر یلو کانا پالا په

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

(٤١٢)هجری چه د (١٠٢١) میلادی کال سره سمون خوری ووژل شو. دالبیرو نی په قول د هغه خـــوی بهیما پالا (٣٥) سیا سی چاری واگی تر لاسه کړی .دی هم د خپل پلار په شان وروسته د پنځو کاو حکومت کـو لـو څخـه و وژ ل شـد ـــو«بهیما پالا په وژل کیدو سره د هند وشا هی د کور نی سلطنت کوونکی پای ته رسیږی په دی تو گه د هند وشا هی د کور نی د خاندان څخه هیڅوك نه وه چه سیا سی قدرت بی تر لاسه کړی وای . موږ ویلای شوچه هندو شا هی د کورنی شاهان سر بیره د شان او عظمت په درلودلو سره دوی هیڅکله سست او نا توان نه وه مگر ډیر هوا خواه او ظالـمه کور نی وه په عیا شی کی غرق وه ځکه دوی نجیب زادگان وه چه عاطفی او بشر دو ستی احساس یی نـه درلود » . البیرو نی په خپل کتاب کی وروسته د خوکلو څخه کله چه ددی کور نی اخری شهزاده ووژل شو لیکلی او ثبت کړی دهند وشاهی دکور نی حکمرانانو د پادشاهی پای تاریخ په حقیقی تو گه نه دی لیکلی شوی او دغه تاریخ د دی کورنی ددفا تحینو په حافظو کی پټ پاتـی شوی .

البیرو نی په خپلو یاد داشتو کی ددی کورنی د څلور وروستی شاهانو په هکله یو لست لیکلی دی چه لږ څه معلومات راپه گو ته کوی چـه دلته ندی لیکلی شوی د اسلا مـی تاریخ ،تاریخی منابـع څخه د دی کورنی تشخیص او پیژندنه په انتقادی تو گه او بنه تر لاسه کولای نشو. له بلی خوا له دی ما خذ او منا بعوجه یو څه یی په دی وروستی وخت کی تهیه شوی د هند و شا هی د پخوا نی او قدیمی شاهانو کور نی په هکله نشو کو لای لږ څه معلومات تر لاسه کړو . په هر حال یو زیات شمیر سکی چه ددی کورنی د پاتی شاهانو څخه په افغا نستان او په پنجاب کی وروسته د ژوری مطا لعی او څیړ نی په دی کورنی پوری اړه لری لاس ته راغلی . د لمړی ځـل دپاره د هر تو ماس (٢٦) چه پـه (١٨٤٨) میلا دی په (١٧٧) مخ کی خپور کړی دی . تراوسه لږ معلومات چه د توماس په کتاب کی نشـــرشوی د البیرونی د معلومات سره یو ځای امکان لری یوڅه گټـــورمعلومات را په گوته کـــړی. د دی سکو په یوه مخ کی د شـــری ،سامانتا د یوا (٣٧) او شر بهیمادیوا (٣٨ نو مونه لیدل شوی او تشریح)شویدی . دغه سکی بی له کـــوی ستونځی او تکلیف څخه د ساماند(٣٩) او بهیم (٤٠) پادشاه چـــه البیرونی په خپلو لیکنو کی اشـاره کړی نسبت ورکړ شوی او د دغـــو

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

سکو په بل مخ کی د ننـــدی (٤١)غوا نیمه ځیره لیدل شوی چه دغـه ځیره په مکمل ډول د هندو اصلـی‌او رسمی کرکتر نبی او له بلـی خواسکه پیژندوکی نشی کـولای ددی کورنی په صحیح او درستـــه توگه کرونو لوژی یا تاریـــخ وارسلسله معلوم کړی . د نوروشاهانو نو مونه لکه سیالا پاتی د یـوا (٤٢)وانکا دیوا (٤٣) او خود ووایا کـا (٤٤) د سکو پرمخ په ظاهری شکل‌او ځیره کی هندی نه وی او حـال داچه سکی تولی یو شان دی (۱) *

د کلهانا د کلنی پیښو په نامه‌په‌یاد داشتو کی لمری ځوژ (شاهـز) نوم چه دلالی تا دنیا (٤٥) پاد شاه‌تر سلطی لاندی وه وینو . چه دغه شاه وروسته دیوی لوی او ژدی‌جگړی ځخه بریدلی شو . په‌کورنیو چاروکی په اصلاحاتو لاس پـوری‌کړچه له هغه جملی ځخه ده پنځـــه قضایی اداری په خپل ټول قلمروکی‌تاسیس کړی . همدا رنگه له نورو گاوندیو هیوادو سره خپلی اړیکـی‌د استازو په لیژلو سره ښـــه او دوستانه‌کړی دلالی‌تادتیا د پادشاهی‌موده (٣٦) شپشر دیرش کاله‌ده چه له ٦٩٣ نه تر ٧٢٩ م کال پـوری‌سلطنت کړی دی . البیرونی په‌خپل یاد داشتو کی د ده د ښو اړیکـی دگاوندیو په هکله لیکی چه ده خپل اړیکی تر وروسیتو شیبو پـــوری‌دو ستانه وساتلی . یو څه عقاید او معلومات د تارا نگا (٤٦) په پنځـــم‌توك چه ډیر د اهمیت وړ او بـــا ارزښته وی لیکل شوی د کالهـا ناپه‌یاداشتو کی راغلی چه د شامگار او ورمن (٤٧) پاد شاهی پوره اتلس‌کاله وه چه له ٨٨٣ نه تـــر ٩٠١ میلادی کال پوری وه او ده خپـــل‌حملی دکشمیر سرحد و په جنـوب او جنوب لویدیځو بر خو بانـــدی‌وکړی او ځینی ځایونه یی ترلاســه کړل نو موړی شاه لمړی ځل پـــه‌گرجارا (٤٨) یرغل وکړ او هغه یی ترلاسه کړ د پخوانی (٤٩) د ځینوتاریخ پیژندو نکو له خوا نظر ورکړ

---

(۱) * دصحیح‌کرونو لوژی‌تاریخ‌چه دسکو پرمخ وروسته د ځیړنـو څخه ښکاره شوی په روښانه توگه‌ځینی نښی لیدل شوی چه د دغـو نښو او علامولو ستل اسانه ده دشاهانو د تاریخ مبدالو ستل ډیری ستونځی لری او نه پوهیدل کیږی‌چه د کوم پادشاه دی . د فلیـت لیدنی او کتنی د هندی سکو باندی‌په پنځلسم توك ۱۸۵ مخ اویوه‌مقاله د کلف بایلن له خوا د سکو کرونولوژی دوهم ټوك چه‌په ۱۸۸۲ میلادی کال په ۱۲۸ مخ کی خپرونی کـړی‌دی .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

شوی چه گرجارا اوسنی گجـــراتدی چه موقعیت یی د جهلم اوچینات مینځ کی وه .

دده وروسته آلاخانا (۵۰) پهپادشاه یرغل وکړ او د ده پادشاهی یـــی تر لاسه کړه په پای کی په کشمیر باندی حمله وکړه او د یوی سختـــی جګړی څخه وروسته بریالی شو .کالاهان په کلنی پیښو د لالیـــــا (۵۱) پادشاه په هکله ویل شـــوی چه دغه پادشاه ډیر بانفوذ او دقدرت خاوند وه . د (لالیا) خپل مـــلاتړی یی د الاخانا پادشاه سره اعلان کړ .

کالاهان دکلیو دپنځم ټوك پـــه ۱۵۳ مخ کی شرح کړی چه یـــو پاد شاه د بل پاد شاه ښار چـــه او دابهاندا (۵۲) نو میده خـــوزا گوښه محفوظ اوښایسته ښاروه لکه چه یو غرپه سمندرکی پـــروت وی داښار د اندرا (۵۳) له خوا تهدیدچه له خطر اوستو نځو سره مخامخ شو . اندرا په شمال کی یو لـــوی قدرت او پاد شاهی خپل نفوذلاندی راوست لکه چه لمر په اسمان کـــی ستوری ترخپل ځلانده وړانګو لاندی راوی)) دکالاهان په کلینو پیښوکی د کشمیر دشهزاد ګانو اوحکمرانانو اړیکی د لالیا شاهی سره څه نندی لیکی یوازی دومره اشاره شوی چه لالیاشاهی مکارا ورمن ته سیاســـی مشوری ور کولی او دی تل دشامکارا ورمن په خدمت کی نه وه لا لییاتل هڅه کوله چه شام کار اورمن څخـــه قدر ت ترلاسه کړی وروسته له ډیروهلو ځلو لا لییا د شامکارا ورمـــن څخه قدرت ونیوه . د کالاهـــــان کلنی پیښی د لالییا شاهی موقـــف و دارادس (۵٤) د کورنی شاهـــان په شمال او د تورو شـــکا (۵۵) د کورنی حکمرانان په جنوب کـــی داریاورته (۵٦) په مرسته چـــــه همالیا او دوندیایی (۵۷) مینـــځ کی موقعیت لری مقایسه کړی .

که چیری موږ د دی حکمرانانو نومو لټولو د پاره د پخوانی او قدیمی هند شمال لویدیځو سیمو جغرافیه ووینو د د سلسلی شا هانو نومونه نشو موندلی په دی دلیل چـــه دراجاتر انجینی (۵۸) پخوانی متـــن د زوړ والی له کبله له مینځه تللی چه ډیر ناقص او نا مکمل دی . خرنګه چه پخوا وویل شو کالاهان د کتاب پنځم ټوك په ۱۵۳ مخ کی د اوبهاندا پورا (۵۹) نوم ناقص او نا مکمـــل شکل لیکل شوی .هـــــمدا ډول د کالاهان د کلنی پیښو د پنځم ټوك په ۲۳۲ مخ او اوم ټوك په ۱۰۸۱ مخ کی د شاهی د هستو ګنی ځای په هکله اشاره شویده او دغـــه نوم

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

په صحیح ډول د دوهم ځل د پاره په یوه کتاب کی چه (کودکسس ارچ تپسس (٦٠) کی لیکل شوی چه دغه نوم (شاهی) په اصلی او طبیعی شکل نه دی ډیر خراب دول لیدل شوی چه پیژاندل او لوستل یی اسانه کار نه دی . په هر حال د دی نوم یو څه مکلمه برخه په جوناراجا (٦١) چه د کشمیر د شاهی کورنی د پیښو کتاب په دوام لیکل شوی لیدل شوی . د کشمیر د شاهی کورنی د پیښو کتاب د پنځم ټوک په (٣٦٨) مخ کی لیکل شوی چه دسلطان شهاب الدین تر مشری لاندی د (١٣٥٢) او (١٣٧٠) میلادی کال مینځ په باختری کشمیر باندی یرغل وکړ او بریالی شو، دیرغل اوحملی په لمړیو وختوکی (او دا ابهانداپورا) د گوند اخان (٦٢ له خوامغلوب او پړ شو . د زور او فشار پواسطه یی گوند اخان ته اطاعت وکړ او تسلیم شو باید وویل شی چه گوندا خان د سندوپا (٦٣) په نامه او هم د اندوس د سیمی شهزاده په نامه یاد شویدی .

همدارنگه دکشمیر د شاهی کورنی د تاریخی پیښو د کتاب په (٣٧٤) مخ کی اشاره شوید ، چه گندهارادگوندا خان د سلطی لاندی وه . البیرونی یوازی یو ځل په خپل یاد داشتو کی اشاره کوی چه د (او دا بهاندا) او د (وایهانند)ښارونه د گند هارا مرکز وه . د دی با ارزښته ښار موقعیت د سلطان محمود غزنوی د یر غل په یاد داشتوکی لیکل شویدی .

الف کننگم (٦٤) لیکی په اوسنی اوند (٦٥) (١) * پنځلس میل د اټك د پاسه چه د اندوس د سیند ښی خواکی پروت دی . د کننگهم عقیده د البیرونی نظر څخه ډیرپومبی دی ځکه د گندهارا مرکز په دی ځای کی چی کننگهم لیکلی موقعیت در لود . همدا ډول د یوه

(١) * دهند لرغونی جغرافیه لندن (١٨٧١) میلادی کال (٥٢) مخ د الف کننگهم لیکنه څرنگه چه داوسنی ورځی د یو ځای نوم مشکوك دی په دی شکل راغلی ٧٣ په ١٨٩١ میلادی کال کی کله چه ما د عیسویانو په اختر کرسمس کی گدون کاوه دیوه سفر پر ترڅ کی له گند هارا څخه لیدنه وکړه ماداځای ولید او داسی می وویل چه د اوند (٧٤) کلمه یوه مشترك اوگډه کلمه د هندووانو مینځ کی دی د هندو یا د هندکلمه چه د افغانانوله خواهم یاد شوی چه دلته دتاریخی یاژبنی (لسانی) توپیر د (اوند وایها ندا واو دابهاندا) مینځ کی نشته ټول دغه نو مونه یوازی دیوه نوم چه هند دی نماینده گی کوی .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

کلاسیك سند له‌مخی دکننگهم نظرتائید او تصدیق شوی د هیـــوان تسانك له خوا د گند هارا د مرکزپه‌هکله نظر ورکړی د کننگهم نظـــر سره یو شان دی په همدی شـــان‌رینود (٦٦) په خپل یاد داشت کی چه د (٦٧) په نامه‌یادیږی په (١٥٦)مخ کی لیکی چه دوتو چیا هان چـا (٦٨) لوی ښار د چینایی زیـــارت‌کوونکی چه گندهارا څخه د سفر په وخت کی لنډه لیدنه کړی لیکی چه‌دغه ښار د گند هارا یو تجارتـــی لوی مرکز وه چه په اندوس کـــی‌موقعیت لری ، همدارنگه هیـــوان تسانگ د سمی یوکی (٦٩) پـــــه(١١٤) او (١٣٥) مخونو کی ثبـت شوی چه د البیرونی وایهانـــــد(٧٠) کننگهم او ند (٧١) ســـره یو شان دی او څه توپیرنه لـــری .دلته هیڅ شك او تردید یا لسانـی توپیر د پخوانی او توچیا هان‌چاو(او دا بهاندا) ســر ه نـشتـه. سر بیره پردی د کالاهان او هیوان‌تسانگ په نو موکی لږ څه توپیـــر شته(١)* دهیوان تسانگ‌په ترجمه‌شوی بیو گرافی په (١٩٢) مخ کی دوتو چیاهان چا په هکله اشـــاره‌شوی چه داهغه ښار دی کله چـــه چینایی زایر د اندوس د سیمو څخه‌د یوه سفر په ترڅ کی کله چـــه بیرته خپل لاسلیك کورته‌ستینی‌ده‌لیدنه کړی د زیاتی معلوماتو ترلاسه کولو د پاره هیوان تسانگ وایـــی‌چه د ده څخه د هغه وخت شـــاه او حاکم له خوا په چیایی شی . (٧٢)

کی د سین پر غاړه زما څخـــه‌روغبړ او استقبال وکړ د چیایی شی پادشاه ډیر پخوانی شاه دی چه په‌وتو چیاهان چاکی اوسیده که‌چیری موږ د هیوان تسانگ او د البیرونی‌چه دوه مستند او با اعتبار سندوله مخی داسی قضاوت کوو چـــــه‌اوادا بهاندا پورا ، وتو چیاهان او

(١)* س ـ ت جولین (٧٥)لیکی‌چه وتو چیاهان چانوم صحیـح دی مگر یوازی وایی لمړی اوتاکهاندانو میده وروسته او داکهاندا شوه په هر حال هغه جدول اولست چه دچینایی زیارت کوونکی په کتاب کی ثبت شوی وایی چه اوتا کهاندایوه‌سچه او خالص سا نسکریت کلـمه ده دلته او داکهاندا صحیح دی نه‌اوتا کهاندا . همدارنگه په بل ځای په جلا ډول راغلی په غالب گمـان‌سره (او داکهاندا) کلمه‌یا دپراکریت د ژبی یوه کلمه دی یا بر عکس دسانسکر یت او دا بهاندا نوی کلمه وی . دلته په یاد داشتوکی تاییـدشوی چه دغه مفکوره هغه وخت له پندیت (روحانی) سره وه چـــــه‌او دا کهاندا یوه مقدسه کلمه وه او د بندیت لخوا تل په مذهبی محافلوکی د استعمال وړ وه .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

(وایهاند) دیوه ځای او ښار نوم‌دی‌چه د مختلفو شاهانو له خوا په دغو نومو یاد شوی او داځای د پخوانی‌گند هارا د شاهانو مرکز وه. د البیرونی به کتاب او یا داشتو کی دپاد شاهانو یو لست موجود دی په موږ په دی لست کی د لالییاشاهی اړیکی د نورو شاهانو سره وخیړو چه ایا لالییا شاهی د نوروشاهانو سره څه اړیکی لری. همدارنگه د البیرونی دکتاب په‌دوهم‌فصل کی د تاریخی پیښو په هکله با ارزښته معلومات شته امکان لری‌چه پدی فصل کی د لالییا شاهی په هکله څه لیکلی شوی وی.

شامکارا ور من په (۹۰۱) میلادی‌کال کی مړشو د کالاهان د کلنی پیښو په کتاب کی لیکل شویدی‌وروسته د شامکارا ورمن د مړینی څخه دهغه جانشین گوپا لاورمن(۷٦) سیاسی چاری ترلاسه کړی. گوپا لاورمن د یوی لنډی مودی‌څخه د خپل با قدرت وزیر پرابها کارادیوا (۷۷) تر مشری او رهبری‌لاندی د اودا بهاندا پورا پاد شاه پرضد یرغل وکړ همدارنگه د دی‌حملی د نتیجی په هکله د کالاهان د کتاب په (۲۳۳) مخ کی لیکل شوی‌او په لاندی ډول ژباړه شوی هغه یعنی پرابها کارا دیوا کله چه داودابهاندا پورا پاد شاهی ونیوله د هغه رعیت چه د یرغل په وخت کی‌پاڅون (طغیان) کړی وه ټول وبښل شول د لالییا شاهی زوی تورماناته‌یی د کامالو کا (۷۸) نوی نوم او لقب ورکړ. باید ووایم چه دنامانوس او نه پیژندل شوی کامالو- کانوم او د البیرونی د دریم هندوشاهی پادشاه کامالو (۷۹) نوم سره ورته والی لری کافی ده چه دواړه‌پادشاه اسانه و پیژندل شی. په هر حال له ښه مرغه دیوی اسلامی‌سند اوشواهد له مخی پوزتنی موضوع تایید او تصدیق شوی دغه‌اسلامی سند د محمود جامع‌الحکایت دی او فی (۸۰) د یوی قصی نوم‌دی‌چه لمړی ځل د پاره د هـ - م ایلوت له خوا د هند تاریخ د دوهم ټوک په(۱۷۲ - ٤۲۳) مخو کی لیکل شوی چه کامالو د هند راج په هغه وخت‌کی عمرو بن لیث (۸۱) یی په (۸۷۸) تر (۹۰۱) میلادی کال کی دخراسان والی مقرر کړ.

او د دی قصی په بل ځای کی‌ویل شوی کله چه عمرو بن لیث یا عمر بن لیث دواړه یو نوم دی افغا نستان ته د اسلام دین د تبلیغ د پاره راغی د یوی اوژدی جگړی څخه‌وروسته بریالی شو او ده په خپله خراسان وینو او د خراسان والی اوحاکم شو.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

گوپا لاورمن یوازی دوه کالـــه(۹۰۱ نه تر ۹۰۳) میلادی کال‌پوری سلطنت وکړ له بده مرغه تاریـــخ‌لیکونکو د شاهی پاڅون کوونکو او سر غړونکو د نومو په هکله هیـڅ‌نه دی ویلی او داسی ښکاری چـــه پاڅون کوونکی د کشمیر د جنـرال‌ملگری او همکاران وه . د کالاهان په تاریخ کی اشاره شوی دلالییا اود البیرونی د دوه لمړی شاهانو لکه (کالا راوسمند) مینځ کی اړکی وی.طبیعی ده چه په ټولو تاریخی پیښو کی ویل شوی چه لالییا شاهی یومقتدر پادشاه وه د دی کورنـــــی بنسټ ایښو دونکی کالار یو مقتدراو نیرو مند پاد شاه وه .

په‌ځینو ځایوکی سمند دسمنـتاسره یو شان بلل شوی داچـــه د البیرونی په یاد داشتو کی ذکـــرشوی لالییا د سمنتا په عرض معرفی شوی همدارنگه البیرونی د هندوـشاهی کورنی په هکله لیکی څرنگـه چه وویل شولالییاشاهی ډیر بانفوذاو د قدرت خاوند وه خپـــل زوی کاما لوته یی پاد شاهی ورکړه اوده پخپله د زوی پر سلطنت نظارت اوڅارنه کوله .سر بیره پردی د دی‌شاهانو د تاریخ ، یرغلو ، اړیکی او داسی نور ستونځو سره مخامخ وه‌چه موژ نشو کولای دغه ستو نځی په څرگنده توگه د دغو اسنادو اوشواهدوله‌مخی‌لکه‌البیرونی ،کالاهان‌او چینایی شواهدو له مخی حل کـړویوازی کولی شو چه د نوی اسنـاد لکه سکی او ډبر لیکونو له مخـــی‌وکولای شو جامع او مشرح معلومات تر لاسه کړو . همدارنگه دیـــر باارزښت او د قدر وړ خبره ده چه د (تورمانا) نوم شاید ترکی اصلی نوم‌وی چه په یوه ډیر لیك کی دغه نوم تایید شوی چه تور مانا و مهراکولاپلار دی چه داهم په دی ډبر لیك کی راغلی .

بهیما د کامالو جانشین وه (۱) *په راجاترا نجنیی کی ذکر شوی چه بهیما دملکی دیدا (۸۲) نـیکـه‌اودکیشما گو پـتا (۸۳) ښځه‌وه‌چه‌اته کاله یی له (۹۵۰ نه تر ۹۵۸)میلادی‌کال پوری حکومت وکړ دغه ښځه په تاریخ کی یوه مهمه او با ارزښتـــه‌ښځه وه په کالاهان کی لیکـــــل

(۱) د (راجاد هی را جاتور مـان‌شاهی ډبر لیك چه په کورا kura خوا چاپ شوی دی .
د سالت مونـدل شوی د پرو فیسرج بو لرله
په غره کی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

شوی چه دیدا ملکه د سیما راجـــا(۸٤) لور چه د (۸۵) شهزاده وه لوهارا یالو هارین دپیر پنجـــال(۸٦) په جنوب د غره په لمن کی پروت دی ملکه دیدا سر بیره پردی‌چه د پاد شاه بهیما ښځه وه د هغه د مور هورزه او په بل روایـــت دموریی وریره وه . چه دا رنـــگه بهیما پاد شاه د وشنو (۸۷)یو معبدد بهیما کیشا وا (۸۸) په نامه د ده په وخت او وروسته د هغه‌ځخه په‌دی‌نامه یادیده چه د کالاهان د شـــپژم توك په (۱۷۸) مخ او دوام تـــوك‌په۱۰۸۱ مخکی لیکل شویدی (۱)* پورتنی معلومات ښئی چه بهیمـــاپاد شاه وروسته د (۱۹۵۰) میلادی کال ځخه سلطنت کړی . دیر بـــاارزښته حقیقت دادی چه بهیمابښځه یا د ده د مور خورزه یا وریره وه‌ملکه دیدا چه یوه با سیاستـــه او د قدرت خاونده وه د کیشماگوپتا په‌وخت کی د حکومت په چارو باندی نفوذ او تسلط در لود هغه وخـــت‌یوازی انجلی وه واده یی نه‌وکـــړی همدا راز ویل شوی چه د بهیمـــاپاد شاه د زیژدنی تاریخ د (۹۲۰) میلادی کال ځخه مخ کی نه ده .

د یوی اوژدی مودی اغتشاش اونا آرامی ځخه کله چه دیداد خپـــل یوه زوی او دری وزیرو ولی وټاکل‌شوه وروسته د یوی لنډی مودی یو د بل پسی د ځان ځخه لیر کړل اودی ښځی په کشمیر کی قـــدرت تر لاسه کړ چه ځلو ینبت کالـــه(۹۵۸ نه تر ۱۰۰۳) کال پـــوری حکومت وکړ .

د ملکی دیدا په هکله چه دشاهی‌پاچا سره ځه اړیکی در لودی ځـــه ندی لیکلی شوی . د بهیما وارث‌او جانشین چیپال (۸۹) چه پـــه اسلامی اسنادو کی چیـــاپـــالا (۹۰)یاد شوی (۹٦۷) میلادی کال ځخه وروسته پادشاهی کړی دی وروسته‌د یوی سختی جگړی ځخه په جنگ

---

(۱)* زه په دی عقیده یم ددغه‌معبد ودانی شکل د پخوانی‌زاومازو معبد چه دیومیل په فاصله د مارتاندپه شمال کی موقعیت لری اخیسل شوی دی چه وروسته د مارتانـــدمعبد ته د بابا بام دن زیارت ولیژدول شو چـــه اوس دکشمیر د مسلما نانو زیـــارت او مقدس ځای دی د محلی او سیمـــه‌ایز قصو او روایاتو له مخـــی د مسلمانانو ولی یا پیر په اصل کی‌هندو وه مخ له دی چه مسلمان شی هغه بهو ما سادی نومیده .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بریالی شو ، ده په دی جنگ کـــی د اندوس لو یدیځی د گند هـــارا پخوانی مرکز په گډون یی ترلاسه کړل . وروسته د ده څخه وایهانـد پادشاه شو د ده څخه اســـــلامی فاتحینو او یر غلگر د پاد شاهی ترلاسه کړه په پای کی جیپال پـــه(۱۰۰۲) میلادی کال کی د سلطـان محمود غزنوی په بندکی ولوید او مړشو .

راجاترا نجنی د انند ؛پالاد زوی په هکله چه د سلطنت ولیعهد وه څه نه دی لیکلی او یوازی یو لښکرد شام گراما دیوا (۹۱) په مشری چه د دیدا ملکی قبول شوی زوی (بچه خوانده) وه پـه (۱۰۲۹ او ۱۰۳۰) میلادی کال منځ کی د پاد شـــاه تریلو کانا پالا (۹۲) د مرستی پـه غرض ولیژه د کالاهان د کلینـــوپیښو دوام ټوك له (٤۷) او (٦۹) مخونو کی لیکلی چه دغه مرستـــه یا لښکر په دی مفهوم وه چـــه د شاهی پاد شاهی پای ته ورسوی .

په کالا هان کی لیکل شـــوی خرنگه چه (۹۳) تونگا د کشمیـر د لښکر قوماندان په یقین سره پوهیده چه بری د ده په برخه دی خوله بده مرغه د شاهی له لښکر سره یوځای شو . تو نگا د کشمیر د لښکر مشر او قوماندان وه سره د دی چه ښه پوهیده چه په دی جنگ کی بریالی کیږی وتری لرکاناپالا پوه مشاورینواو صلاحکارو ته یی بی اعتنایی وکړه او تسلیم شوه . او دغه قوماندان په پخوانی جنگ کی له تروشکـــا سره د شاعرانو له خوا په رزمـــی شعرونو کی ښه ستایل شوی ځکه دی قوماندان ډیر بریا لیتو بونـــه ترلاسه کړی وه پاد شـــاه د ده د بریالیتو بونو په هکله د یوه غره استحکامات او ودانی چه دوی تـــه محترم وه د دغه قوماندان په نامـــه یاد کړل ده هرڅه هیر کـــړل او سمدستی تسلیم شو . پاد شاه دیرژر نور لښکر د هغه لاره تعقیب کړه ولیژل دغه لښکر د توســـی (۹٤)د سین څخه بی له دی چه له کوهی ستونځی سره مخامخ شی تیر شول او دښمن ته یی ماته وکړه .

هر تو ماس (۹۵) او ر ینود(۹٦)وایی چه د ځینو سکو پرمخ دسلطان کلمه لیکل شوی چه زیاتره دغـــه نوم د اسلامی شاهانو له خوا لکـــه سلطان محمود غزنوی پر سکـــو دسلطان کلمه لیدل شوی او استعمال شوی . تریلو کاناپالا وروسته دیوه قهرمانه جنگ چه په دیر زړه ورتیا سره یی سرته ورسه وه تصمیـــم یـــی و نـــیو ه چه په گاوندیو هیوادو باندی یرغل وکړی د کالاهان په کتاب کی د تریلـــو کاناپالا په هکلل لیکل شوی چه دی ډیر حلیم ، دلسوز او شکستـــه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نقمس انسان وه په دی توگه یی ونه‌غوښتل چه په باندینو هیوادو باندی یرغل وکړی ځکه ده نه غوښتل چه‌انسان و وژنی او د انسان وژنی ځخه یی لاس واخیست دی مجبورشو چه خپل لاسونه بربرانو ته د تسلیم په علامه اوچت کړی اوبربرانو پرده باندی لکه ملخ یرغل وکړ او د ده د قلمرو ځخه یی ډیرځایونه ترلاسه کړل .

په کالاهان کی په لنده توگه لیکل‌شوی چه تریلو کاناپالا ډیر زیار-وایست چه خپل له لاسه تللی قدرت‌بیا لاس ته راوړی مگر له بده مرغه دی بریالی نشو او د ځان سره یی‌داسی پریکړه وکړه چه جنگ دیوی کورنی تقدیر او سر نوشت ښه‌کوی‌او یایی د خاورو سره برابره وی . که چیری موږ د سلطان محمودغزنوی د پرله پسی دیرغلو کرونو-لوژی او نقشی ته پام وکړو او داسلامی تاریخ لیکونکو کار نامی نامعلوم او مشکوك دی په دی توگه‌د کالاهان په کتاب کی د یوه جنگ په هکله بحث کړی چه صحیح‌او درست دی .

په دیرنژدی راتلونکی وخت کی‌په‌یو شمیر پوهان وکولای شی چه د اصلی اسناد او منابع ځخه په انتقادی توگه معلومات ترلاسه کړی او دغه ستونځی ، تر هغی اندازی ،چه د ځینو موادو او اسنادو له مخی چه د هندوستان د تاریخ په دوهم‌ټوك او دریم نمبر ضمیمی په مرسته چه د هم ایلیوت له خوا تالیف‌شوی په دی کتاب کی ډیری نښی نښان شته د هغو له مخی ویلی شوچه نهم یرغل او حمله د ایلیوت په قول (۱۰۱۳) میلادی کال‌کی پیښ‌شو په دی وخت کی د تریلو کانا-پالا وروستنی یرغل او جنگ دسلطان محمود غزنوی سره‌په پنجاب کی وه چه سلطان محمود بریالی‌شو . ځرنگه چه د (هم) ایلیوت په عقیده د فتحی اوبری ځای هغه دره‌وه چه له دغی دری ځخه کشمیر ته لاره تللی وه چه اوس دغه ځای دجهلم په نامه یادیږی . د کالاهان کلنی د واقعاتو د اوم ټوك په (۵۳)مخ‌کی راغلی چه په دی کتاب‌کی سر ترپایه یوازی د یوه سین (۹۷)توسی نوم ذکر شوی او ډیر مشکله ده چه د بل سین نوم په دی کتاب‌کی پیداکړو . مگرپه اوسنی وخت کی یوسین نوم چه توهی (۹۸)نو میږی د پیر پنجال (۹۹) ځخه سر چینه اخلی چه د پرنو تسایاپرنتز د جنوبی برخو ځخه تیر یږی او د جهلم له سین سره د دی ښارد پاسه یوځای کیږی د تریلو کانا پالا مړ ینه د البیرونی په قول‌په (۱۰۲۱) میلادی کال کی اتکل

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

شوی . تریلو کاناپالا د شاهـــی کورنی او سلسلی اخری پاد شاه چه
په دی ځای کی سلطنت وکړ د ده په مړینی او ماتی د تاریخ څخه د
دی دکورنی نوم محو اوپای ته ورسیدد هغه زوی بیهما پالا د البیرونـــی
په قول د پنځو کلو څخه زیـــات عمرونه کړ په اسلامی اسنادو کی
د ددی نوم د یوه شهزاده یا د پاد- شاه په توگه نه ده ذکر شوی . مگر
نن د کالاهان په کتاب کی داســی کلمه هم نشته چه دی کورنی تـه
نـژدی وی (۱)* چـــه د تخـت اوسلطنت وارث شوی وای . څرنگه
چه دغه کورنی دیر د قدرت خاوندوه کله چه دوی شکست وخوړ علت یی
دیوی فاجعی پیښه وه چـه د دوی کورنی او حتی د شاهی کورنی تر
عنوان لاندی ټول له منځه ولاړل هغه پیښه او فاجعه د تریلو کاناپـــالا
تسلمیدل وه چه په جنگ کی یـی ځان تسلیم کړ او حتی د خپل قلمرو
ډیر ځایونه یی دلاسه ور کـــړل دد کالا هان په ورځنی او کلنی تاریخ
کی لیکل شوی کله چه تریلوکانـــاپـــالا ځـــا ن تسلیم کـــړ
هغه دښمنانو دی یی ونیو او جیل ته یی وسپاره او دوه پخوانی اونوی
سر حدونه ترلاسه کړل .

دغه کورنی ډیر ژر له مینځـــه ولاړه خلکو په هغه وخت کی لـــه
شاعرانو څخه پوښتنه وکړه . ډیره عجیبه ده چه دغه کورنی په حقیقی
او ښه توگه څرنگه چه خلکو انتظاردر لود په جلال شان او شوکت سره
مینځ ته راغلل او د خلکو افتخار وه ځکه دوی ډیر ښه کارونه د خلکو په
گټه تر سره کړی وه په هغه جـلال او افتخار سره ډیر ژر د صحنی نه
ووتل . شاعرانو د دی کورنی ټولی کار نامی په رزمی شعرونو کـــی
ستایلی دی .

که چیری موږ د البیرونـــی اوکالاهان کلنی پیښو لیکنی چه پورته
په وار وار سره اشاره وشو مقایسه کړو ډیر صحیح او درست گـــذار
شو نه د دی لویی کورنی پیښو په هکله په رزمی شعرونو کی ځـــای
ورکړ شویدی .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نویسنده : داکتر و . س شری‌واستوا
برگرداننده : زلمی حیدری

کوشانی‌ها و پرستش آفتاب

بنظر مورخین و محققین علمی بر خلاف عقاید و نظریاتی که در منابع پرانه (۱) * ذکر شده است ،کوشانیان (۲) * ایفا گر نقش عمده در تاریخ تمدن بشری بوده اند(۳) *درین دوره پیشرفت های چشمگیری در ساحه هنر ، مذهب‌فلسفه ، علوم ، سیاست ، وضع اجتماعی ، ساختمان اقتصادی، تجارت و غیره بوجود آمده است . (٤*) کشفیات اخیر با ستا نشناسی‌در آسیای میانه‌اتحاد شوروی (٥) * افغانستان (٦) * پاکستان (۷) *و هند (۸)* بدون تردید ثابت میسازد که امپراتوری کوشانی‌آهنگی بود برای یکتعداد زیاد رویداد خای قطعی در تاریخ تمدن‌آسیایی . چه این امپراتوری مانند دوره تیموریان و عصر مغول (۹) *بحیث یك قدرت در تمدن آسیایی عرض اندام نمود . ولی متاسفانه باید یاد آور شد که تاریخ کامل چنین یك دوره خلاق تاریخی تاکنون بصورت مکمل نگا شته نشده و تسلسل تاریخی آن طوریکه باید تدوین نگر دیده است (۱۰)* .

دین وایدو لوژی مرتبط بهم که یکی ازبخش های عمدهٔ مورد ارزیابی تاریخ کوشانیان محسوب میشود تاکنون بصورت روشن بررسی نگردیده است و یکتعداد مسایل حل ناشده و زوایای تاریکی هنوزهم در آن وجود دارد (۱۱) * . ازین‌میان یکی هم مساله کو شانیان و پرستش آفتاب میباشد .که باوجود مطالعات و بررسی های گذشته باز هم بصورت قناعت بخش ارزیابی نشده است .

با شروع تحقیقات کوشا نی(۱۲) * بعد از نشرات آریانا انتیکا توسط هه . ولسون در ۱۸۵۱ م درلندن و بررسی الهه های الیوس (۲) و میبرو (۳) که درسکه های‌چند حکمروایی کوشانی نقش شده است ،مساله‌تشخیص‌هویت رب‌النوع‌آفتاب با الهه های متذکره بمیان کشیده شد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

در ۱۸۸۷ اوریی ستین بایـــن‌مطلب علاقه بیشتر گرفته و بـــه ارزیابی الهه های نقش شـــده درسکه های هندوسیتی بویژه الهـــه های زر دشتی پرداخت (۱۳) *. این‌عامل سبب بمیان آمدن یك سلسله مناقشات بین دانشمندان گردیـده‌و نظریه او توسط دانشمند گرست (٤) (١٤) * در ۱۸۸۸ بشدت مـوردانتقاد قرار گرفت . الکسانـــــدر کننگهم نیز در ۱۸۹۲ خصلت الهـه‌های سکه های کوشانی را بررسی نموده و چنین نتیجه گیری نمود که‌الهه های مسکوکات کوشانـــــی نمایندگی از هفت سیاره مینماید .بنظر کننگهم، هیلیو س، مـهـرا، اشاو یکشا و انیو (٥) به آفتـــاب‌ارتباط دارد (١٥) * نظر او طـرف قبول یکتعداد زیاد دانشمندان واقع‌نشد . به دلیل اینکه، نخست:این بررسی تمام الهه های نقش شده‌در مسکو کات کوشانی را در بر نمی گیرد . دو دیگر اینیکه‌موصوف‌در تصنیف خو یش یکتعداد زیـاد جزئیاتی را که برای مطالعه مکمل ودرست مشخصات الهه های مـذکور لازمی شمرده میشود ذکر نکـــرده‌است (١٦) * بهمین ترتیب تیو دور بلوچ (٦) در ۱۹۱۰ الهه هـــــای‌زر دشتی را در سکه های کوشانی بررسی نموده و در قسمت مطالعه‌میترا الهه نقش شده در مسکوکات کوشانی توجه بیشتری مبـــذو ل‌داشته است (١٧) * .

باوجود کشف مد شر ینا (٧) ویکتعداد زیاد مجسمه های مربـــوط به عصر کوشانی در ۱۹۱۱ ـ۱۹۱۲ بازهم در مورد ارتباط مجسمه ها با منابع مسکو کات ، تا جاییکه بـــه‌ادیان و عقاید کو شانی هـــا ارتباط میگرفت ، کدام توجه جدی بعمـــل‌نیمد (١٨) * .

دانشمند پیرز فیلد (٨) درسال۱۹۳۰ عراده آفتاب سا سانیان را مطالعه و بررسی نمود (١٩) * . درسال د .ب. دلیسـکـلکـــا ر (٩) مشخصات مجسمه سوریای مکشوفه‌متهو را راکه مربوط بـــه عـصر کوشا نیان بود تجزیه و تحلیل نمود(٢٠) * . این مجسمه کـــه در حقیقت تشابه نزدیکی با پور تریت‌شاهی کوشانی دارد در آنزمـــان توجه دانشمندان ومحققین راطوریکه‌باید بخود جلب نکرد (٢١) * . و هیچگونه مباحثه علمی در زمینـــه‌صورت نگرفت . بهمین ترتیـــب دانشمندان به آئینی مهر پرستـــی‌کیش سلطنتی کو شانیان نیـــز هیچگونه تو جهی مبـــــذ ول‌نداشتند ، (٢٢) * .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

گرچه در ۱۹۳۳ دانشمند شیـــف‌تیلووتیز (۱۰) (۲۳) * با پژوهش قابل‌ملاحظه اش‌پیرامون آئین‌میترادر بین هندویستی ها با در نظـــر داشت پس منظر تحولات ایـــن‌کیش در آسیای غربی و آئیـــن آفتاب پرستی درشرق گامهـــای‌موثر بر داشت ، ولی باز هم‌مسایلی چند باین شرح حل ناشـــــده‌باقیماند :

نخست نقش آفتاب پرستـی درتاریخ سلطنتی کوشانی هـــا . دو دیگر ، پشینیان و متقدمین پیکـرآفتاب . سه دیگر ، روابط آن (در صورتیکه کدام رابطهٔ وجود داشته‌باشد) با تیوری سیاسی و روشـ کوشا نی ها و امثال آن .

در ربع اول قرن بیستم با بمیان‌آمدن مجموعه های مسکو کات وآثار هیکل تراشی عصر کوشانی هـــامطالب مواد و تشر یحات مختصری از الهه های آفتاب بالای مسکوکات‌مجسمه ها و سایر آثار هنری این دود مان بمشاهده رسیـد (۲٤) *درین زمان دو اثر قدیمی و کلاسیك آئین مهر پرستی هندی بنام هـای‌بهاویشیا پرانه (۱۱) و سمبا اوپا- پرانه (۱۲) بعد از یك مدت نسیان‌و فراموشی نیز پدیدار گشـــت (۲۵) * . این دو اثر به وضاحـــت‌نشان میدهد که آئین مهر پرستـی آریایی دراثنای‌فتوحات حکمروایان‌خارجی در هند پیش از تبارزنمودن امپراتوری گوپتا در آن کشور بالای‌کیش آفتاب پرستی هندو ستـــان تاثیرات بارزی ازخود بجا گذاشتـه‌است (۲٦) . * بهمین ترتیب منابع سکوکی ، هیکل تراشی و ادبیـــات‌برهنمی هندی نیز درین زمـــا ن تصویر روشنی بود برای بررسـی‌آئین آفتاب پرستی و ارتبـــاط آن با حکمروایان خارجی مانند ساکه هاوکوشا نی ها یکجا بنفوذ ، اهمیت و حالت آن .

درربع‌دوم قرن بیستم‌دانشمندانی‌چون وا .یت هید (۱۳) (۲۷) * - سوپر (۱٤) (۲۸) * رولانـد (۱۵)(۲۹) * دیگران (۳۰) * پژو هش و تحقیقات مبسوط و دامنـــه داری‌پیرامون پرستش آفتاب ، درمجموع انجام دادند . که این بررســـی ومطالعات آنها باوجود آنکه در مـورد کوشانی ها و پرستش آفتـــاب‌روشنی قابل ملاحظهٔ می انـدازد ، مسایل و پرابلم های دیگری را نیزبه وجود میاورد که عبار تست از تیوری های نظری و ذهنی بخصوص‌و این خود سبب میشود که باز هم

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مساله کوشانی ها و پـــــرستش آفتاب حل ناشده بما ند. بطورمثال سوپر این نظریه را پیشکش نمودکه شاهان کوشانی یك افسانـــه شاهی داشتند که آنهم تقلیدی بوداز تیرا یا اینکه با تامل و تعمق از آن ترکیب یافته بود (۳۱) * ولی نه‌او و نه هم طر فداران نظـــر وی توانستند این نظریه شانرا به‌کرسی بنشانند .همچنان ایشان بنابرفقدان منابع کافی پیرامون بررسی ادیـان افغا نستان بویژه دوره کو شانیان از تشریح جزئیات مکانیزم ایـــن تقلید عاجز ماندند .

بنجامین رولاند با تحقیقات تازه‌اش در مورد ارتباط بود او رب‌النوع آفتاب با ستناد مطا لعاتـش روی نقوش آثار نیمه برجسته سنگـــی دوره کوشانی های بعدی در بامیان افغا نستان و بعضی سا حـــات باستانی پیش از کو شانیـان چون بـــود هـی گـیـا بحا جا و غیره (در هند) فصل تازه ای را در راه تحقیق کوشانیان و پر ستـــش آفتـا ب گشود ، (۳۳) * .

وایت هیدمجسمه مقدس رب‌النوع آفتاب خانه طلا (۱٦) ملتان پاکستان را به کوشانیان نسبت میدهد ازین مجسمه هیوان تسنـگ (۳۳) * ـ نو یسند گان غرب (۳٤)* و منا بـع کتبی بر هنمی هندی (۳۵) * نیـــز یاد آوری نموده اند (۳٦) * . درینجاسوالی بمیان میاید که ازیك جهت دارای ارزش اساسی میباشد و آن مسالهٔ منبع پیدایش کیش آتـش پرستی آریایی و معرفی کنندهٔ آن درهند و تاثیرات آن بالای پرستـش پیکر و مجسمه آفتاب میباشـــــد(۳۷) * . بهر نهج تمام این مطالبی که گفته آمدیم روی یك سلسلـــه فرضیاتی استوار میباشد که شواهد و اسناد تاریخی آنرا کمتر تائیـــد مینماید . پرو فیسور ج . ن. بنرجی (۱۷) درربع اخیرپیرامون کوشانیان و پرستش آفتاب به یك سلسلـه تحقیقات قسما سیستما تیـــك ومقایسوی دست زد . تحقیقات اوبا در نظر داشت اصل ایکنو گرافـــی(پیکر شناسی) صور ت گرفـــت (۳۸) *.وپشینیان یااسلاف نقوش آفتاب در سکه کوشانی و مجسمه های آفتاب را در روی سکه ، فیلوخینوس (۱۸) (۳۹) مورد ارزیابی قرار داده وبامطرح نمودن نشان‌هاو علایم خارجی مجسمه های آفتاب در عصر کوشانی چنین نتیجه گیری نمود که در پیکره های آئین آفتاب پرستی عصر کوشانی امتزاج خوبی از علایم و نشانه های بومی وخارجی بمشاهده میرسد که ترکیبی اسـت از شکل کلاسیك هندی ، خاطـره هایی از مشخصات ایرانی در عصر گوپتا .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ولی با کمال تاسف کوششس های داکتر بنرجی در قسمت پیدا نمودن ارتباط بین چهره ها یا پور تریت‌های سلطنتی نقش شده در سکه های کوشانی و مجسمه های آفتاب‌عصر کوشانی که از متهورا کشف گردیده است ، به نتیجه نرسید .او دریك قسمت دیگر نیز خاموشی اختیار کرد و آن عبارت از پیداکردن‌علت کشف پیکره های کیشس آفتاب پرستی از ساحات غیر برهمنی ،بویژه بودایی بود (۴۰) * . این سوال قبلا توسط بنجامین رولاندنیز مطرح گردیده بود و هنوز هم یکی از مسایل مهم قابل اندیشه‌میباشد (۴۱) * . از بررسی دیگر علمی پیرامون آئین پرستشس نوریاآفتاب پرستی یکی هم تحقیقات دانشمند هو مباخ (۱۹) در سال ۱۹۶۰ میباشد . دانشمند مذکور مطا لعاتشس را باسناد و منابع آئین‌زردشتی مکشو فه معبدسلطنتی سرخ کوتل انجام داد (۴۲) * .

در دهه‌اخیر تحقیقات قابل ملاحظهٔ‌پیرامون کو شانیان و آفتاب صورت گرفت . جان . م روز نفلید در سال۱۹۶۷ پور تریت های امپرا توران کوشانی را بارتباط آنها با هند وشرق نزدیك مورد ارزیابی قرار داده (۴۳) * و باین ارتباط الهه های‌مسکوکات کوشانی را که رب النوع آفتاب نیز شامل آن میشود و ارتباطسمبو لیزم آفتاب را از نقطه نظر ، سبك ، شیوه وایکنو گرا فی‌پور تریت سلطنتی متهورامطالعه‌و بررسی نمود . روز نفلید ازین‌مطا لعاتشس چنین نتیجه گرفت که منابع مهم و اساسی کمتر وجوددارد تادر اثر آن یاد آور شویم که آئین آفتاب پرستی دربین کوشانی‌ها بصورت مستقل و بدون عوامل خارجی انکشا ف نموده باشد(۴۴) * .

روز نفلید همچنان خاطر نشان‌میسازد که‌مجسمه نشسته رب‌النوع آفتاب از پور تریت های شاهان‌کوشانی اقتباس شده است نه از روی مجسمه های نقشس شده درمسکو کات آنها (۴۵) * موصوف همچنان بیان میداردکه آئین سلطنتی‌کوشانی با آئین آفتاب پرستی آسیای غربی تشا بهات و همسانی‌هایی دارد (۴۶) * . ولی وجه مشترك و تشابهات بودا و رب‌النوع‌آفتاب شاید سمبو لیك و یاسلطنتی باشد (۴۷) * . چون هدف ازتحقیقات روز نفلید چیز دیگری بود، نه تحقیقات کیشس آفتاب پرستی ،لذا نامبرده نتوانسته است جزئیات و اساسات آئین پرستشس آفتاب ووارتباط آنرابا کوشانیان وتاثیرات

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بعدی آنرا در هندو ستان بصورت مفصل و دقیق مورد ارزیابی قرار بدهد ،(۴۸) * .

در سال ۱۹۶۸ تحقیقات ارزشمندی در زمینه توسط ستی‌تین کرون (۲۰) صورت گرفت .دانشمند مذکور آفتاب پرستان هندی را با درنظر داشت منابع دست داشته کتبی چون سمبا اوپا پرانه (۲۱) وبها ویشیاپو رانه(۲۲) مورد تحقیق و ارزیابی علمی قرار داد . چون‌زمان آمدن روحانیون‌مگا (۲۳) در هند و ستا ن همزمان با حملات خارجی مانندساکها ، پهلو ه و کوشانی ها درین کشور آغاز میابد ، بناء مطالب‌شفاهی تا جاییکه به رو حانیون آفتب پرست هندی ارتباط میگیرد ،طوریکه توسط ستی تن کرون ، ارایه شده شاید حایز اهمیت ویژه‌و دست اول باشد (۴۹) * . درعین حال نویسنده این مقاله کتابی زیرعنوان (پر ستش آفتاب در هند باستان) برای اخذ دیپلوم دکتورای‌خود نگاشتم که در سال ۱۹۷۲ زیر همان عنوان انتشار یافت . مطالب‌این کتاب که شامل اساسات و مراحل مختلف انکشاف آ فتاب پرستی در هند باستان ، از مراحل ابتدای آغاز آن در دوره های‌پیش‌از تاریخ تا دوره تکامل اساسی آن‌یعنی تادوره های‌تاریخی میباشدبادر نظرداشت منابع‌برهمنی، منابع کتبی دیگر ، کتیبه ها . منابع‌ایکنو گرافی . مسکو کات معابد و حتی تمرین آن توسط قبایل بومی‌هند نگا شته شده ا ست . سهم کو شانیان در قسمت پرستش‌آفتاب نیز بصورت مختصر ولی انتقادی درین کتاب درج میباشد(۵۰) * و یکتعداد سوالات زیا د داختصاصی که باکوشانیان وکیش‌آفتاب پرستی ارتباط میگیرد باز هم بی‌جواب می‌ماند که‌علت آن هم یکی‌افزایش بیش از حد اوراق کتاب بوده دیگر اینکه تکمیل این کارساحه وسیع تاریخ را احتوا میکرد . دانشمند الچین (۲۴) در سال۱۹۷۰ مسالهٔ ایکتو گرافی آفتاب را از روی نقوش سر در دروازه‌جنوبی‌محفظه بقایا یا یادگار (۲۵) شیخان د هری مورد مطالعه و ارزیابی قرارداده و نظریه روز نفلید را تقویت بخشیده ، بیان داشت که ارتباطرب النوع آفتاب با بودا یك فکتور سلطنتی میباشد (۵۱) * .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ل ، ف پندی در سال ۱۹۷۱تیسس خودرا زیرعنوان (پرستش آفتاب در هند باستان) انتشار دادولی این تحقیق او بادر نظر داشت مطالعات و تحقیقات بنرجی مطالب‌تازه ای در مورد مسالهٔ کوشا نیان و پرستش آفتاب بوجود نیاورد .(۵۲) * . در سال ۱۹۷۵ دانشمند بو یسس (۲٦) معبد سرخ کوتل‌رابشکل اساسی و بصورت انتقا دی مورد ارزیابی قرار داد و در مورداینکه معبد مذکور یك معبد زردشتی بوده و آئین اتش پرستی در آن‌رایج بوده است شك و تردید نمود در پهلوی اینهمه مطا لعات‌ویژه و تخنیکی پیرامون آئین(۵۳) * آفتاب پرستی و ارتباط آن باکوشانیان . نگار شات عمومی دیگری پیرامون تاریخ و کلتور کو شانیان‌وجود دارد که در آنها مطالبی جسته و گریخته پیرامون آفتاب‌پرستی در بین کوشانیان ذکر گردیده است (۵٤) * . ازین گذاردرست باین نتیجه میرسیم که‌مساله کیشس آفتاب در تاریخ و کلتورعصر کو شانیان بصورت دقیق‌مورد توجه دانشمندان و اهل خبره قرارنگرفته و جنبه های مختلف آن بنظر سطحی نگریسته شده و کدام توجه‌بانظر عمومی در مورد اینکه این اصل از نقطه نظر ایدو لوژی ،تیوری سیاسی ، سا ختمان اجتماعی و ارزش ها و مسایل وجنبه های اقتصادی حایز اهمیت میباشد ، مبذول نگشته است(۵۵) * . حتی در ساحه محدود این ایدیو لوژی عصر کوشانی خلای آن‌مشهور است (۲٦) و یکی از نمونه های بارز آن مقاله ایست که توسطدانشمند ب . ن پوری (۲۷) زیر عنوان (اید یو لوژی و دین در عصرکوشانیان نگاشته شده بود) و در کنفرانسی که بمناسبت بر رسی‌تاریخ ، کلتور و با ستا نشناسی آسیای مرکزی در عصر کو شانیان‌در سال ۱۹٦۸ در دوشنبه دایر شده بود قرائت گردید در آن هیچ‌مطلبی پیرامون آفتاب پرستی در عصر کوشانیان تذکر داده نشده‌بود بجز یك اشاره به مجسمه **سوریا مکشوفه** متهو را(۵٦) *. دور از حقیقت تاریخی نخواهد بود اگر یاد آ روشویم که اسناد وشواهد کتبی با ستا نشناسی ، ایکنو گرافی و مسکو کات پیرامون‌آئین آفتاب پرستی در بین کوشانی ها و در عصر کوشانی بصورت‌منسجم و پراگنده وجود دارد که نیاز به یك همکاری و ارتباط همه‌جانبه و همکانی دارد تا با در نظر

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

داشت آن در زمینه کیش آفتاب‌پرستی در عصر کوشانی هاتحقیقات لازم صورت گیرد تا باساس آن درمجموع تاریخ و کلتور فسیا ، بیشتر روشن گردد .

مسکو کات کوشانی هایکی ازمنابع مهم اطلاعاتی پیرامون ادیان کوشانی ها نسبت به آنچه که‌امروزاست یکی ازوسایل مهم و موثر ابراز مفکوره های مذهبی و هنری‌محسوب میگردید .

سکه ها انعکاس دهنده و تجلی‌دهنده ارش های اساسی یك خطهٔ بشمار میرفت در روی سکه های‌کوشانی اکثر قدرت مسحور کننده حکمروایان خارجی و در عقب آنهاقدرت مذهبی تمثیل گردیده است (۵۷) * .

تمثیل رب النوع آفتاب بهرشکل آن چه سمبو لیك و چه بشکل چهره انسان بدون شك درسکه های کجولا کد فیزس بچشم نمی خورد و بمشکل میتوان‌شخصه‌یی از چهره شاه را جستجو نمود که بادین زر دشتی یا افتاب پرستی یا یکی از ادیان دیگر تشابهی بهم برساند . در سکه های کجولا کدفیزس بصورت کل چهره خدایان یونانی مانند هیرا فلسس . زیوس‌و نایك بچشم میخورد (۵۸) * . در عقب یکی از سکه های قدیمی که‌مربوط هیر کودر (۲۷) میباشد چهره یك مرد کوچك در حالت‌ایستاده طوری تمثیل گردیده است که به یك دست سپر را گرفته روی‌او بطرف مقابل بوده و در حالیکه دست چپش روی سرین او قراردارد شعله های اتش از شانه های او بلند میشود (۵۹) * . که جان .م‌روز نفلید این الهه را فرور (۲۸) رب النوع کوشان میداند . (۶۰)* .باید بخاطر داشت که چگونگی‌حالت ویژه ای این‌چهره با الهه میرو (۲۹)مسکوکات کوشانی بی شباهت نیست (۶۱) * ولی شعله های‌آتش‌که از شانه ان زبا شمه‌نی‌یکه متهی که از شانه آن زبانه می کشیدشباهت او را به فرور (۳۰) رب النوع اتش اریایی ، که مظهرشکوه ، و جلال و حقانیت شاهان میباشد ، بیشتر میسازد . (۶۲) *سکه های کجولا کد فیزس به سبك و شیوه شاهان یونانو باختری ،ساکه ، ها هندو پارتی ها بغرب میرسید و تا جائیکه نقش چهره‌هیرا قلسس ، زیوس ، نایك و فرور مطرح میشود (۶۳) * باید یاد آورشد که نقش چهره این ارباب النوع بر سکه های کجولا کد فیزس ناشی‌از اعتقاد و ایمان شخص اوست ونه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

هم کدام ارتباطی با اساطیرسلطنتی کوشانی دارد .

در عقب هر هفت نوع سکـــــه ویما کد فیزس الهه شیوا با گاو او (نندی) و سه شاخه اش دیـــــده میشود . که کلمه مها اشیو را سه (۳۱) برسم الخط خرو شتی نیز درآنها دیده میشود ، ٦٤) * . چنین بنظر میرسد که ویما کد فیزس که افتخار فتح هند را نیز باو نسبت میدهند (٦٥) * به مذهب بر همنی اعتقاد پیدانموده و شیوا راپرستش مینمود . چه در زمان او برهمنیزم بحیث یك کیش عام در شمـــال غرب هندوستان انروز مان معمـول بودومروج نوم هشتم سکه و یمـا کد فیرس نقشس جد یدی داشت وآن اینکه در وی سکه شاه در حالت ایستاده بالای یك اتشکده کو چك در حالت هدیه دادن دیده میشود .

این نقشس جدید (یعنی در حالت هدیه دادن بالای اتشکده) که توسط ویما کد فیزس رایج گشت بحیث یك اصل اساسی نقشس مشکو کات در امده و گذشته از دوره کوشانی های بعدی در دوره گوپتا نیز روی مسکو کات شاهان دیده میشـــود(٦٧) * نقوشی که در روی سکه های نوع کنشکا دیده میشود با ستثنای نقوش روی سکه های نوع (که در آن نیم تنه شاه از لابـلای سنگ ها بیرون مي باید) و نـوع (که شاه بروی تخت نشسته) همه تقریبا یك سان میباشد .

نقوش روی سکه های کنیشکا درروی مسکو کات هو شکا دیـــده نمیشود . در وی سکه های هویشکا اغلب نیم تنه شاه ، یا شاه درحالت نشسته نقشس گردیـــده اســـت(٦٩) * . بهر حال شیوا در عقـب تمام انواع مسکوکات و ســـو دیوادیده میشود (۷۰) * صرف بایـــن تفاوت که (در سکه های نوع اول ودوم او باسه شاخه در عقب یـــك اتشکده در سکه های نوع ســوم وچارم بانقشس بر جسته نـــــدی پدی (علامت سم گاو) و در نـــوع پنجم و ششم با اضافه علامـــــت (سو استیکا) . درسکه زنی کنیشکاسوم (۷۲) * این نقشس را در هردو نوع مسکوکات آن یعنی نوم دوم وسوم به وضاحت دیده میتوانیم . از جانب دیگر این اصل واضح گردیده است که چهره شاه درحالت ایستاده و صدقه د ادبان حسزع سقآر یـه و صدقه دادن بالای یك اتشکـــده کوچك در مسکو کات تمام شاهان کوشانی از یما کد فیزس به بعـد

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نقش گردیده است . که صرف مسکو کات هویشکا ازین میان مثنثنی میباشد .

این پور تریت سکه یما کد فیزس با پور تریت های مجسمه کنیشکا که ازیك معبد در متهورا و سرخ کوتل کشف گردیده شباهت نزدیك دارد (۷۳) * با در نظر داشت این حقایق امکان زیاد وجود دارد که این نقش از اهمیت سلطنتی بر خوردار بوده باشد . روز نفلید مو جودیت نقش این اتشکده هارا درمسکوکات کوشانی ناشی از عنعنات و رسوم هندو ستان میداند (۷٤) * .

باوجود انکه موصوف در قسمت الهام این نقش توسط سمبو لیزم پارتی ها کدام حکمی در زمینه صادر نمی کند . چنین بنظر میرسد که این نقش از میتریزم (کیشس نور و حقیقت) الهام گرفته باشد زیرا این کیشس در آن وقت یك تحول و حرکت بین المللی محسوب میشد که در هند نیز حتی در زمان هخا منشی ها (قرن پنجم پیشس از میلاد) رسیده بود (۷٦) * . نمونه های چند ازین نوع اتشکده های کوچك یا اتشس فروزان در بین ظروف با بعضی چهره های دیگر را میتوان درنخستین مراحل رایج شدن میتریزم مشاهده نمود . در مقبره شاهی داریوش نقش چهره یك شاه را روی یك سنگ درحالت ایستاده طوری می بینم که داردهورامزدا راپرستش میکند که درین نمایانگر اعتقاد آنها به اتشس وصحنه نقاشی شده ، یك ظرف که در آن اتشس مقدس میسوزد همراه با اشعه افتاب در عقب چهره بمشاهده میرسد . در یکی از مهر (تاپه) های کوشانی (۷۷) * های بعدی نیز به چنین صحنه یی برمیخوریم . طوریکه یك شهزاده با لباس هندوستی در حالت صدقه دادن بالای یك اتشکده طوری دیده میشود که آفتاب در ساحه بالای اتشکده نیز نمایان میباشد . که این خود نشان دهنده تاثیرات میتریزم (کیشس نور و حقیقت) در عصر کوشا نیان میباشد . فراموش نباید کرد که یکی از عنعنات آن وقت این بود که میترا (الهه نور و حقیقت) راتوسط علامات چرخ . قرص خورشید ، شئی مدور یا گرده وآتشس و غیره تمثیل و تجسم مینمودند .

طوریکه اشاره نمودیم میترا درمراحل اول بشکل سمبو لیك تجسم میگردید و این اصل تازمانی دوام داشت که کیشس مذکور

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

(در قرن اول پیش از میلاد) توسط حکمراویان یونانی جانشین اسکندر در اسیای غربی بحیث ائین رسمی قبول گردید و آنگاه تجسم میترا ازسمبو لیزم بشکل چهره انسان یاانترو پو مورفیك تبدیل گردید (۷۸) * . در زمان پارتی ها نیز این نقش ادامه داشت چانچه در یك نقش نیمه بر جسته روی یك سنگ یك شهزاده در حالت صدقه نزدیك یك اتشکده نشان میدهد که سنگ منقوش مذکور روی یك صخره ، نزدیك سنگ نقش شده داریوش در بیستون قرار دارد . نقش عین آتشکده را در تنگی سرو ك (۳۳) ودر عقب سکه شهزاده پارتی گوتار زیس اول (۴۰ر۴۱ - ۵۰ میلادی) نیز دیده میتوانیم (۷۹). * دریکی از سکه های وتسواکا (۳۴) چهره‌ای مشاهده میشود که دستش رادرمقابل یك کوه بلند گرفته که در قسمت پایین کوه انبوه ای از آتش به چشم میخورد و در قسمت پائین چهره علامت حیوان گو مانند دیده میشود . که شواهد متیر یك (۳۵) درین چهره د یده می شود. (۸۰) . * در سری میتوا های روی مسکو کات همواره به سمبول او بشکل اتش یاسنگ مدور (گیراه سنگی) بر میخوریم و هیچگاه میترا بشکل یك چهره یا انترو پو مورفیك (۳۶) تجسم نگر د یده است .

نمونه های حقیقی اتشکده ازاقشار باستانی مربوط به عصر هخا منشی ها از ناحیه بالمبات (۳۷) پاکستان کشف گردیده است که نشا دهنده آ نست که کیش رو شنایی و حقیقت (میتریزم) در زمان هخا منشی ها در شما لغرب هند رایج گردیده بود (۸۳) * بادر نظر داشت این منابع نابجا نخواهد بود اگر گفته آیم که نقش یك شاه در حالت صدقه دادن بالای دواتشکده از متیرلیزم ، که در آنوقت بین حکمروایان و اقشار نظامی دراسیای غربی معمول و مروج بوده است ، الهام گرفته باشد و چون با عنعنات و رسوم صدقه دادن و قربانی دادن هندی ها نا ساز گاری نداشت بناءشیوه مذکور کو شانیان را نیز پسند افتاد و بدان گرویده گردیدند . زیرا گرویدن درین شیوه نه تنها سبب ارامش و قناعت خاطر آن عده ای میگردید که تحت تاثیر کیش میتر یك (۳۸) قرار داشتند بلکه آنها ییکه معتقد به عنعنات قدیم هندی نیز بودند باگز نیش این شیوه (صدقه دادن بالای اتشکده) کدام تبعیضی ازخود نشان نمی دادند . بادر نظر داشت درخواست

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بزرگ کیشس نور و حقیقت یعنی میتریزم به شاهان ، نجباء و اقشار نظامی (۸٤) * و شیوع و استیلای آن در امپرا توری کوشانی که از زمان هخا منشی (۸۵) * هابا ینطرف شروع شده بود برای کو شانیان مشکل مینمود تا خود را از تاثیرات آن بدور نگه دارند .

بناء نقوش نیم بر جسته ایکه شاهان را درحالت صدقه دادن بالای اتشکده نشان میدهد خوددرخشش خاص پیراهن نیمه یخن . کیشس افتاب پرستی میتریزم یا کیشس نور و حقیقت میباشد .

کشفیات سرخ کوتل (۸٦) * که نشاند هنده یك معبد اتش پرستی سلطنتی میباشد این نظریه راتقویت بیشتر مینماید . شاهان کوشانی شا ید بعد از فتح هند میتریزم را بحیث یك عقیدت یا کیشس خانواده گی خویشس پذیراشده باشند ولی در قسمت هویشکا از این جهت یك خلا بمشاهده میرسد .

در عقب مسکو کات شاهان کوشانی یکتعداد زیاد الهه ها نقشس گردیده است . این تعدد رابه پیمانه بیشتر در عقب سکه های کنیشکاه اول و هویشکا مشاهده کرده میتوانیم در حدود سی و سه الهه را در عقب سکه های شان دیده میتوانیم . که در برخی از نقوش این الهه ها تاثیرات و جنبه‌های مختلف پرستشی نمایان گردیده (۸۷) * است .

گزینشس این شیوه مذهبی یا پرستشس تعدد الهه ها توسط کوشا نیان که از روم ، اسکندریه شرق یونانی شده ما اریانای کهن و هند تقلید گردیده انعکاس دهنده افق وسیع کلتوری و تجمع ادیان مختلف در یك زمان با محترم شمردن عقیده همگان توسط ایشان میباشد ، (۸۸) * . اکنون لازم می‌افتد تا سخنی چند پیرامون موقعیت رب النوع افتاب در بین سایر ارباب الانواع عصر کوشانی ها نگاشته ایم . گذشته از مو جودیت الهه هامختلف در سکه زنی کوشانی ها نقشس دو مهرا و هیلیوس (۸۹) *بصورت مشخص نقشس ارباب الانواع افتاب یو نانی و اریایی میباشد . بهمین ترتیب دانشمند پهاسکه‌چتو پاد هیای (۹۰) * به تعقیب نظریه کنگر هم عقیده دارد که علاوه بر مهرا و هیلیو تس ارداسکرویسکشا (۳۹) اونیا (٤۰)و اومبر (٤۱) نیز الهه ها آفتاب اند. بادرنظر داشت مطالعات جان ـ م ـروز ـ نفلید در قسمت سکه های کوشانی و الهه های نقشس شده در آن باید

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

یاد ور شد که میترا - ارد کشـــواتشو - ماوو - نانا - فارو (که‌همه اریایی اند) و اوایشو - (شیوا) که(بر همنی هندی) میباشد به پیمانه بیشتر در عقب سکه های کوشانی‌ها نقش گردیده است .

در حالیکه الهه های چون هیـــراقلیس - هیلیو دس- هیفایستوس (۴۲) رو ما سا لین، سیـــرا پس،(که همه یونانی و رومی اند) و بودا مهسیسا (۴۳) سکـــا ندا کـــمارووسیساکا در زمره آن الهه هـــــای محسوب میشوند که‌نسبت به‌گروپ‌اول چهره شان در عقب سکه هـــای کوشانی کمتر بچشم میخـــــورد(۹۱) * .

بادر نظر داشت آنچه گفته‌امدیم‌یاد آور میشویم که معتقدا ت‌مذهبی کو شا نیان‌بیشتر از تاثیرات‌ادیان‌آریایی و هندی متاثر بوده اســـت تا یونانی و رومی . چنانچه‌پرستش‌الهه های یونانی ، رومی و بودایـــی به پیمانه زیاد عمومیت نداشتـــــه‌است .

چنانچه منابع دست داشتـــــه‌سکوکی عصر کوشانی شاهد خوب این مدعا ست . حتی کیشس آفتاب‌پرستی که کو شانیان مشـــوق آن بودند . زیرا نام میترا و میتریـــك‌شیوع پیدا کرده بود البته نه‌بشکل هندی آن ، چنانچه تاکنون موفـــق‌شده ایم تا الهه های افتاب چـــون سوریا ادیتیا (۴۴) وغیره را دراین‌عصر در یابیم . در سکه هـــــای کوشانی بویژه در عقب سکه هـــای‌مسی کنیشکای اول میترا بایـــــن ترتیب نشان داده شده است .

الف: مهرو (۴۵) نـــام مهروراباین ترتیب یافته میتوانیم :
۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ -درعقب این سکه های مسی کنیشکـــا مهرو بشکل چهره یك مرددرحالیکه‌تاج بسر دارد بطرف چپ (ایستاده شده) طوری نشان داده شده که بادر خشش خاص پیراهن نیمه یخن کوتاه وبالا پوش بـــه تن داشتـــه‌بـــو ت هـــــا ی فا قـــد ساق بوده و در حالیکه بدو پنجه دســـت‌خود اشاره میکند شمشیر کوتاهـــی به کمر اویخته است (۹۲) * .

ب : چهره مهرو در این حالـــت‌نیز ، با تمام مشخصات بالایـــــی نشانداده شده ولی صرف تفـــاوت‌آن اینست که یك عصا باتیر قبـــه مانند را نقل میدهد (۹۳) * درعقب‌سکه های طلایی هویشکا مهرو باین اشکال مختلف تبارز نموده است : الف - روی اوبطرف راست‌بوده و بدست چپش شمشیر را محکم‌گرفته است بوت های فاقد ساق به

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

پا داشته و بالا پوش و پیراهـــن کوتاه به بردارد . چهره اودرخشش خاص راز شان میدهد . (۹٤) *

ب- به عین شکلی که در عقـــب سکه های کنیشکا نشان داده شده و ذکر آن در بالا گذشت . . . . . (۹۵) *

ج- در این حالت نیز از تمـــام مشخصات قبل الذکر بر خـــوردار بوده و با تفاوت اینکه الهه کـــدام عصا یا تیر بدست نداشته و بـــالای بازو خود تکیه کرده است (۹٦)* .

ج ۱ - الهه در حالیکه تاج بسردارد دست چپش را روی سریـــن یا کفل خویش قرار داده و بـــدوشکل دیده میشود که دریك حالت درخشش نور از هاله معلوم نشده و در حالت دیگر از درخشش نور از هاله بو ضاحت معلوم میگردد .(۹۷) *

ج ۲ - مشابه به حالت قبلـــی بوده ولی چوب دست را بدست چپ داشته و موهای آن در عقب آویزان میباشد .

د - درین حالت عصا را بدست راست گرفته و دست چپش بالای سرین او قراردارد (۹۸) *

هـ - درین حالت روی الهه بطرف چپ بوده عصا را بدست راستش گرفته شمشیر بدست چپ داشتـه باهاله نور در خشنده کـلاه خـود بسر دارد . (۹۹) *

و- مشابه به چهره قبلی بوده باتفاوت اینکه یك چیز دایـــروی را بدست چپ گرفته و هاله نـــــوردر خشنده نیز نمایان میباشـــــد (۱۰۰) *

در عقب برخی دیگر از سکه‌های هو یشکابا ار تباط بـــا ماوو(۵۱) رب النوع مهتاب نیز نقش گردیده‌است . که درین حالت مهـــرو در حالت درخشندگی مسلح با شمشیربوده و دو پنجه دست راســـت او بحالت اشاره طوریکه در عقب سکه‌های کنیشکا دیده میشود . بلنـــد گردیده است. هـــیلیو سس (۵۲)رب النوع آفتاب یونانی در عقـــب سکه های کنیشکا صرف بشکـــل چهره یك مرد زیر نام (۵۳)درحالت ایستاده طوری تمثیل گردیده است که بطرف چپ ایستاده و هاله نور و درخشندگی را بدست راست خودگرفته و دو پنجه اوبحالت اشـــاره (۱۰۱) * (طوریکه در چهره متیـــرادر عقب سکه کنیشکا معلوم میشود)

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بلند گردیده و دست چپ او بالای یك شمشیر کوتاه قـــرار دارد و پیراهن دراز به تن و تاج یا دیهیم بسر داشته بوت های ساق دار به پا دارد. (۱۰۲) * . که بارب النوع مهرو که ذکر آن در بالا گـــذشت قابل تشخیص میباشد. با ایـــن ترتیب می بینم که رب النوع آفتاب در سکه ها تقریبا بیك شکل کـــه عبارت از چهره مرد در حالـــت ایستاده بایك هاله نور و شمشیـر نشان داده شده که در بعضی موارد صرف تغیری در حالت دست های آن بمشاهده میرسد .

این اصل مایه تعجب دانشمندان گردیده است (۱۰۳) * که عـــراده آفتاب و اسپ ها در سکه هـــای کوشانی اشنا بنظر میرسد بـــویژه زمانیکه این . ها درسکه زنی و هنرهیکل تراشی دوره قبل ازکوشانی ها در هند نیز دیده میشود (۱۰٤)* هکذا عدم موجودیت گاری چهـــار اسپه آفتاب را در سکه های کوشانی نباید چنان پنداشت که در زمینـــه ارتباطی بین هیلیوس، گادی واسپ ها درهومر(٥٤) نیست چنانچه داکتر بها سکر چتو پادهیای چینی تلقـی کرده است (۱۰٥) * یا اینکه ایکنو- گرافی میترا (٥٥) در سکه هایـك اختراع اصلی کوشانی هاست .چنین بنظر میرسد که دو عنعنه نقـــش کردن الهه افتاب در دوره پیش از کوشانی ها نیز وجود داشت یکـی ازین عنعنات طریقه معروف وآشنای نقش نمودن الهه افتاب در گادی اسپه(٥٦) مـی باشد چـنـا نـچه نمونه های آنرا در بها جـه (٥۷) بودهی گیا(٥۸) ا ننتا گومپا(٥۹) لالابهاگت (٦۰) در نقوش نـیـم برجسته بخوبی دیده میتوانیـم . همچنان در پهتنه پتنه اثار گل پخته مکشوفه چند را گیتو کر(٦۱) وسکه های پلاتو (٦۲) «۱۰٦»* آثـــاری از گادی چار اسپه مشاهده شـده است .

شیوه دیگر تمثیل الهه افتـــاب بشکل چهره یك مرد در حالـــت ایستاده میباشد که با چهـــــره درخشنده و شمشیر بدست نشان داده شده است و آنرا میتوان دریك سکه پلاتو (۱۰۷) * یك سکـــــه فیلو او کسینوس (٦۳) مشا هـده نمود ، (۱۰۸) * .

در سال ۱۹٤۸ یك گنجینه ازچاردرهمی های شاهان یونانو باختری از کندز (افغا نستان کشف گردید. که چار در همی های پلاتو (٦٤) نیز شامل این مجموعه بود در عقب این سکه های پلاتو این دو نمونه تمثیل رب النوع افتاب نشان داده شـــده است : در یکی آن میترا درخشنده

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

سوار بر گادی چار اسپه طورنشان‌داده نشده است ، که سپر دراز را بدست راست در پیش روی خودگرفته است . در سکه های دیگر او را در حالت ایستاده نشان داده‌است که در پیش روی ایستاده و سپری را در دست گرفته (۱۰۹) *پرسی گارد نر(٦٥) الهه آفتاب نقش شده در عقب یك سکه‌تشریح مینماید :

(رب النوع آفتاب ، در دست‌چپ او سپر دراز ، دست راست گسترده و پهن) (۱۱۰) * یکی ازنقش های خیلی دلچسپ کیشس آفتاب را میتوان دریك سکه اوانتی(٦٦) که شاید معاصر کوشانی‌ها بوده باشد . مشاهده نمود. دریـن‌سکه چهره ایستاده یك انسان طوری نشان داده شده که یك تیرکه توسط اشعه مدور احاطه شده است در پیش روی او قرار دارد .(۱۱۱) * از ان چنین استنباط میشود که تجسم رب النوع آفتاب‌صرف با تمثیل گادی واسپ درهند رواج نداشت بلکه باشکال دیگرنیز تبارز داده میشد .

از آنچه گفته آمدیم باین نتیجه‌میرسیم که تمثیل ونمایش میترا در روی سکه های کوشانی روی‌عنعنات پیشین کمتر تعمیم شده ، یونانی ها استوار بود . چنانچه اثارو شواهد آنرا در سکه های پلاتو مکشو فه گنجینه کندز و فیلواو کسو نیس دیده میتوانیم . تقسیم چهره های رب النوع آفتاب‌در عصر کوشانی بدو بخشس یعنی نقش برسکه ها و اثار هیکل‌تراشی‌و اثار نیم بر جسته هنری را میتوان ناشی از عنعنه کمتر تعمیم‌شده هلنستیك دانست . زیرا در عنعنه یونانی تمثیل رب النوع‌افتاب صرف بشکل یك انسان ایستاده شمشیر بدست صورت‌میگرفت . و این تمثیل پس‌منظری گشت برای تمثیل مشخص و نمونه‌رب النوع افتاب در عصر کوشانی ها ، که ایشان آنرا مشابه به یك‌پور تریت سلطنتی تجسم نمودند و این امر از نقطه نظر ایدلوژی‌سیاسی نظر به عنعنه خارجی یونانی مثمر تر واقع گردید . (۱۱۲) *

اوریل ستین یکی از دانشمندان‌باین عقیده است که الهه های زر دشتی نیز در سکه های کوشانی‌نقش‌گردیده است (۱۱٤) * موافقت باین نظر امریست دشوار . و آن‌اینکه بادر نظر داشت آمارواحصائیه

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

سکه های که در آنها نقش مهرو، ماوو ، نانا، فارو ویا ارد کشودیده میشودنسبت به سکه های کوشانی که در آنها علایمی از او را مـزدا (٦٧) دیده می شود بیشمار است(۱۱۵) * از جانب دیگر درین اصل یك تسلط در تمرکز الهه هـای طبیعت رامیتوان دیـد . (۱۱٦) * عقیده بر آنست که این میترا است که اساس میریزم را بوجود اورده و یکجا با سایر عناصر طبیعیـت دردین اریایی یك شی مورد پرستش قرار گرفته است . این نظر یه باچگونگی و حالت ویژه میتریـك و تابعیت شاهان کوشانی در عقـب سکه های شان از ویما کد فیـزس تا به اخر (بدون هویشکا) موافقت و هما هنگی دارد .

روز نفلید (۱۱۷) * در مـوردآئین آفتاب پرستی دربین کوشانیان کدام منبع مستقل و معتبری را درزمینه سراغ ندارد . بنظر او گرچه الهه های هیلیوس و مهرو بـه پیمانه زیاد در سکه زنی کنیشکا و هویشکا بمشا هده میرسد ولی (ازنقطه نظر آثار) آمار نسبت به نانا، ارد کشوو اوایشو دیگر تعمیـم یافته نیستند . گذشته از آن تجرید اشکال مسکو کات و مجسمه هـای سوریای گندهارا و متهورا این شك و تردید او را در زمینه بیشتـر میسازد .

برای او نام های میهرا مـن(٦٨) وبورز میهر پور (٦٩) نشان دهنده میتریك کیشس آفتاب پرستی در کتیبه سرخ کوتل بشکل نمونه یی آن کوشانی نیست یك تحلیـل و بررسی آماری ازسکه هـای کوشانی طوریکه توسط روز نفلیـد صورت گرفته مرا باین نتیجـه میرساند که الهه آفتاب یکی از الهه های معروف و مشهور سکه هـای کنیشکا و هویشکا میباشد .چنانچه مهرو در سه سکه کنیشکا و ده سکه هویشکا دیده شد ه است . بهمیـن ترتیب هیلیوس در یك سکـه کینشکا در حالیکه ماوو و مهرو دردو سکه هویشکا و نانا در دوسکه کنیشکا و هشت سکه هویشکـا ملاحظه شده است . به عین شکـل او ایشو (۷۰) درسه سکه کنیشـکاو چارسکه هویشکا . اردکشو دریك سکه کنیشکا و دو سکه هویشکـا بچشم میخورد . من باین حقیقـت معتقد هستـم که ایـن تحلیـل وارزیابی اثاری با در نظر داشـت اصل انتخاب نمونه ، شاید تصویردرستی مجسم نسازد ولـی مطلب

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مورد دلچسپی اینست که ایـــن انتخاب خود روز نفلید است از آن چنین نتیجه گیری شده است .

پیرا مون امیختگی ارباب الانواع مختلف در مسکو کات کوشانی ها نظریات مختلفی ابراز گردیده است که بدین قراراست : گروهی آنـرا ناشی از تجارب و روابط با دنیـای خارج دانسته اند (۱۱۸) * . برخی عقیده دارند (۱۱۹) * که ایـــن آمیختگی بیانگر عقاید مردمـــان کوشا نشهر میباشد ، (۱۲۰) . *و عده ای هم این الهه هارا حامی و نگهبان شاهان دانسته و آنـرا ایدو لوژی مستقیم دود مان سلطنتی میدانند . (۱۲۱)* . ولی تا جائیکه مساله پرستش رب النوع آفتـاب بمیان میاید ، عقیده چنین است که پرستش این الهه بیشتر بخاطـر ان توسط کوشانیان رایج گشـــت که بحیث یك عنعنه عمومی شناخته شده بود و از جانب دیگر تحـــت تاثیر و تحول بین المللی میتریـزم در شمال هندو ستان که در ایـــن زمان رایج گردیده بود ، قرار گرفته بود .از جانب دیگر در این زمـان میتریزم و افتاب پرستی هند بحیث قدرت و حیثیت حکمروایان محسوب میگشت (۱۲۳) * . در ریگو یـــدا از رب النوع آفتاب بحیث یـــك قدرت فوق العاده و الهه بـــزرگ ستایشس بعمل امده است (۱۲٤)*.در اثر ویدا (۱۲۵) * . از رب النوع آفتاب در کشتن دشمنان استمـدادجسته شده است در یکی از سرود های ذکر شده در تا تتیرایا سمیهتا(۷۱) (۱۲٦) * . شـخـصـی از رب النوع افتاب اسمتداد جستـــه است تا جنگجوی لایق ببار آید .در اثر ویدا (۱۲۷*، رو هیـتـا (۷۲)رب النوع افتاب بحیث یك شاه تلقی شده است . آفتاب همچنان به عقایدعالم هستی نیز ارتباط داده شـده است که این طرز تلقی مشابه شاه و دهرمه یاقواعد و دستورات مذهبی میباشد . میترا حامی یا تقویـــت ،کننده آسمان و زمین در نگار شات او ستایی و ویدی بحیث یك رفیق و یا ور بزرگ تلقی شده اســـت (۱۲۹) * . در ادبیات کلا سیـــك هندی شاه و افتاب هردو مشارکت و قرابت نزدیك بهم داشته انـــد(۱۳۰) * . در میتریزم نیز قرابت و تشابه میترا و شاه چندین مرتبهٔ اشاره شده است . بیجا نخواهدبود اگر بگویم که شهرت میتریزم بـــه پیمانه زیاد بیشتر به مشخصـا ت سیاسی ارتباط پیدا مینمایـــــد .(۱۳۱) * . با در نظـــر داشـت مشخصاتی که پیرامون آفتاب پرستی در بالا گفته امدیم چنین معلوم میشود

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

که حکمروایان کوشانی این کیشس‌راپذیرا شدند ولی مشخصات مجزا ی هر بخشی از قلمرو وسیع ایشـــان‌از استثنا قرار دادن آنها در ایـــن قسمت مانع میشد یا بعبارت دیگـراحترام قواعد مذهبی هر بخـــشس قلمرو ایشان ، آنان را مجبـــــورمیساخت تا به ادیان‌مختلف گرایشس داشته باشند . عدم مو جودیـــت‌الهه آفتاب در مسکو کات کوشانـــی های بعدی ، (بعد از هویشـــکا) رامیتوان خصو صیت های هندی شدهٔ آنها دانست که این اصل را درسکه‌های و سودیوا به اسانی ملاحظـــه کرده میتوانیم چنانچه او در سکـــه‌هایشس پیرو شیوا شناخته شـــده است . (۱۳۲) * علاقه شاهـــان‌کوشانی به الهه افتاب حتی بعد از بودایی شدن آنها نیز ادامه داشـــت‌واین امر را میتوان دریکی ازنقوشی که در آن سوریا را طوری نشـــان‌داده است که مجسمه کوچـــك‌بودا بالای سر آن قرار داشته و کنیشکابه آن سلام نظامی میدهد ، بـــــه وضاحت مشاهده نمود ، (۱۳۳) *.

نظریه روز نفلید مبنی بر اینکه‌ارباب النواع بحیث قدرت هـــــای بزرگ همراهان حکمروایان بـــوددر قسمت الهه افتاب کاملا درست و بجاست . تفاوت و مغایرت بینی‌شکل و مجسمه آفتاب در مسکوکات و ایکنو گرافی آفتاب در متهورا وگندهارا را نباید دلیلی دانست مبنی بر عدم یك آئین انکشاف یافتـــــه‌آفتاب پرستی در بین کوشا نیـان. د و ر ه کـــــو شـا نـیـا نشاهد تحولات و تغیرات شگـــــرف عنعنه ایکنو گرافی رب النوع‌آفتاب‌بوده است (۱۳٤) * . لابدو بدون شك پیشس از این نیز عنعنـــــــه‌ایکنوگرافی آفتاب‌متاثر ازهلنستیك شواهد آن موجود است و بقســـمو عنعنه بومی وجود داشت کـــــه نمونه میتوان از نقشس الهه افتاب‌در وی یك پارچه تیکر دوره موریایی مکشوفه پتنه و یك اثر گل پختـــه‌مربوط بدوره سنگا (۷۳) مکشوفه چندراکیتو گر(۷٤) نام برد. گذشته‌از آن از بودهی گیا ، بهاجا . اننت نقوش نیمه برجستهٔ کشف گردیـده‌که شاهد دیگر مدعای ماست . از اینها که بگذریم نقوش سکه هـای‌گو مپا (۷۵) ولالا بها گـت (۷٦) شاهان هند و گریك چون پلاتـــو‌وفیلو خینوس نیز از این امـــــر مستثنی قرار نمیگیر ند . (۱۳۵)*.رب‌النوع آفتاب که‌سوار بر گـــادی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

چهاراسپه میباشدعاری‌ازمشخصات اسیای مرکزی بوده ، لباس شمالی ها را بتن دارد و بوت های بلند به‌پا دارد که خود مثالهای قدیمی ایکنو گرافی آفتاب میباشد. ولی اینها مثال اشیای پرستشی نیست. تحولات بنیادی که در عنعنه ایکنو گرافی آفتاب پرستی توسط کوشا نیان رایج گشت مقدمهٔ ازمشخصات اسیای میانه و منطقه بود که لباس آنها مانند شمالی ها بوده بوت های بلند خنجر و گرز داشته و باشکال زشت چمپاتمه‌زده و قوز کرده دیده میشوند. این ویژه گیها را میتوان در مجسمه های‌افتاب دوره کوشانی مشاهده کرد .

یکتعداد زیاد مجسمه های سوریا متاثر از مکتب هنری گندهارا مربوط بدوره کوشانی کشف گردیده است. ناگفته‌پیداست که منطقه متهورایکی از مراکز مهم آفتاب پرستی بشکل مجوس یا اتش پرستی آن بود و آفتاب پرستی بشکلی مجوس باثر تشویق و حمایت کوشانی ها بحد کمال تحریك رسیده بود(۱۳۶) *

State Museum Lucknow (6878)

دانشمندان چهره شماره (د-٤٦) یا ٤٦ - (موزیم لکهنو) موزیم متهورا را بشکل درست آن مجسمه سوریا میدانند نه مجسمه یك شاه (۱۳۷) * و این مجسمه مربوط به‌دوره کوشانی ها میباشد این‌مجسمه پیراهن دراز به بر داشته و بحالت‌چمپا تمه زده بروی گادی نشسته است که توسط چار اسپ کشش‌میشود . در دست راست آن غنچه گل نیلو فرو بدست چپ خنجر شکسته را محکم گرفته در پاهای او که قسما معلوم میشود علایم بوت‌دیده میشود در این ستون پایه یك اتشکده نذری کوچك بصورت نیمه‌بر جسته نیز حك گردیده است . هاله ی در عقب سر این مجسمه‌قرار دارد .

بدون شك بوت های بلند پیراهن‌دراز خنجر و حالت چمباتمه زده‌همه ناشی از تاثیرات میتریك مجوس یامیتریك و اتش پرستی میباشد که در عصر سالها ، کوشانی ها معمول‌بود و مروج . از این تحول که ناشی از فتو حات خارجی ها یعنی‌ساکها ،کوشانی ها میباشد درمنابع ادبی هندی نیز تذکر بعمل آمده‌است (۱۳۸) * . ولی فراموش نباید کرد که کوشانی ها در اتصال وترکیب عنعنه نمونه وی هندی با گذشته خط فاصلی نکشیدند چنانچه‌در ایکنو گرافی افتاب عصر کوشانی امتزاج خوبی از مشخصات‌هلنستیك‌خود منطقه و اسیای مرکزی بچشم

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

میخورد . گادی که توسط چار اسپ کشس میشود روایتی است باقیمانده از ادوار پیشین در بودهی گیـــا و بها جا وغیره که مربوط به اینکو ـ گرافی افتاب هلنستیك میباشد . درحالیکه گل نیلو فر و شا نـه های بالدار عنعنه بو میست (۱۳۹) * . امکان زیاد وجود دارد که شانه های بالدار روایت ایرانی باشد .طوریکه ما شانه های بالدار را در یو ریرتت های سلطنتی کوشانی و چهره فارو (۷۷) رب النوع ایرانی درمسکوکات کوشانی دیده میتوانیـــم (۱٤۰) *نظریات روز نفلید در مورد اینکـه (مجسمه سوریا چمبا تمـــه زده از پورتریت های شاهی کوشانی مانند پور تریت های نقشس شـــــده درمسکو کات ویما کدفیزس و هویشکا تقلید شده است) قانع کننده بنظرمیرسد . (۱٤۲) *

فراموش نباید کرد که نخستین بار در زمان کوشانی ها بود کـــه مجسمه رب النوع افتاب ساخته شدزیرا در دوره پیشس ازکوشانی ها ترسیم و تشریع ها معنی اهـداف دینی را احتوا نمیکرد و این ائیـن مانند سایر ادیان چون بودیـــــزم جینیزم و آئین سکندابدون موجودیت کدام مجسمه معمول بود و مروج وپیروانی داشت . البته اهمیت آن نسبت به ادیان دیگر کمتر بـــود(۱٤۳) * .

پس از این نقطه نظر سهـــــم کوشانیان در قسمت دو بـــــاره شرقی نمودن آئین آفتاب پرستـی کمتر از نقشس ایشان در قسمـــت بمیان کشیدن مجسمه بودانیست .عصر کوشانیان از نقطه نظر بمیان آمدن تحولات درساحه ایکنو گرافی آفتاب پرستی یکی از ادوار خـلاق محسوب میشود .و دراین عصر آنها بود که زمینه تحولات بعدی درمورد عقیده و اید یو لوژی آفتاب پرستی را میسر گردانید . چنانچه شواهد آن در سمبا (۷۸) و بها و یشیا ـ پرانه (۷۹) انعکاس یا فته اسـت (۱٤٤) * چهره شماره (۲٦۹) موزیم متهورا که همه مربوط بدوره کوشانی میباشد نمایندگر یك مجسمه سوریا است که درحالت چمباتمه زده مانند حکمروایان کوشانی بر یك گـــادی سوار است که توسط دو اســـپ کشس میشود . لباس هندوستی به تن دارد که عبارتست از یك پیراهن یا حبای دراز ، تنبان و شلـــوار وبوت های بلند ، در سر آن یـــك کلاه خود طوری دیده میشود که با یك حلقه ذر یا گوهر محکم شـــده است . در دست راست او یك گل نیلوفر و بدست چپ آن یك خنجر

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

دیده میشود . در عقب همین ستون‌پایه ی سنگی که مجسمه سوریا در آن نقش شده بقایای یك حلقه‌نور یا هاله و در قسمت پیشروی آن یك اتشکده بچشم میخورد(۱٤٥) * . مجسمه های شماره (۸۹٤) (۹۳۸) (۱۱۱٦) (۹۲۲)موزیم‌متهورا که همه مربوط بدره کوشانی ها میباشد به سبك و نمونه مجسمه‌شماره (٤٦ —) ساخته شده‌که در ساختمان آن تاثیرات افغانستان‌باستان و بلاد غربی آن دیده میشود (۱٤٦) * .

چند مجسمه سوریای موزیم‌متهورا که مربوط بدورهٔ کوشانی ها میباشد با کمی تفاوت در حالت‌نشستن آنهاهمه بشکل بهادر آسانه (۸۰) جلوه مینمایند. این‌جلوه مجسمه های مذکور بمنظور بررسی منبع یا منشاء این مجسمه‌ها با ارتباط به پور تریت شاهی حکمروایان کوشانی پرابلم های راایجاد مینماید . (۱٤۷) *

یك مجسمه کوچك‌دیگر سوریا که‌از سنگ سلیت سیاه میباشد از ناحیه جمال گوهی (۸۱) گندهارابدست آمده است (۱٤۸) * . این مجسمه نیز بوت های‌بلند به پاداشته واتلا نتوس (۸۲) در زیر گادی بشکل دولا شده یاخم شده‌دیده میشود . مشخصات این اثر باستثنای بوت های بلند آن همه‌بقایای عنعنه پیشین میباشد . از موجودیت آتشکده یکجا با مجسمه‌سوریا طوریکه در بالا ذکر آن گذشت باین نتیجه میرسم که این‌مجسمه ها تحت تاثیرات کیش اتش پرستی یا مجوسی بوجودآمده است که این اصل رامنابع پرانه نیز ذکر نموده است (۱٤۹)* بهمین ترتیب ظاهر شدن الهه‌آفتاب در لباس مخصوص کوشانیان وحالت چمبا تمه زده مانند مجسمه شماره (٤٦ —) موزیم متهوراو یکی از کنگره بارو های معبد سلطنتی (آتشکده) سرخ کوتل (۱٥۰) * گرچه در ظاهر امر کوچك جلوه مینماید ، ولی از ارتباط آن‌باصومعه یا معبد اتش اتشکده سلطنتی سرخ کوتل نمیتوان چشم‌پوشی نمود .

گذشته از آن اثرات میتریك رابا ارتباط با معبد سرخ کوتل نباید نادیده گرفت . بهر حال تشریح جزئیات این موضوع و بررسی همه جانبهٔ آن‌باسطح اگاهی ودانش کنونی ما ساز گار نیست . از تشریحات مجسمه آفتاب معبدآفتاب‌ملتان چنین بر میاید که این معبد

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

با عنعنه ایکنو گرافی کوشانیان بی‌ارتباط نیست . و قابل تعجب نخواهد بود اگر یاد اور شویم که‌این مجسمه بزرگ آفتاب که فعلا وجود ندارد. شاید توسط کوشانیان‌ساخته شده باشد .(۱۵۱) * .

نام های میترامن (۸۳) وبرزمیهارپور (۸٤) که در کتیبه سرخ‌کوتل ذکر شده شاید کوشانی باشدو شاید هم نباشد (۱۵۲) * ولی از نقطه نظر شباهت بانام های‌میهرا(۸۵) یا میترا (۸٦) مانندورهامیهر (۸۷) میهراکو (۸۸) میهر الکشمی(۸۹) بهانو میترا (۹۰) سور یا میترا (۹۱) وغیره (۱۵۳) * که‌چنین بنظر میرسد که با بخش آفتاب پرستی مربوط به عنعنه اتش‌پرستی ارتباط دارد ،و گفته میتوانیم که این نام ها در حقیقت نشاندهنده‌عقیدت حا ملین نا مهای کیش آفتاب پرستی میباشد .

چنین‌معلوم میشود که گماشتگانی‌که باین معبد آتش پرستی‌سلطنتی ارتباط داشتند بویژه بخاطر داشتن‌تمایلات میتریك ایشان انتخاب شده بودند . بهمین ترتیب کلهٔ مکشوفه‌متهورا که مربوط بدوره کوشانی ها میباشد با سمبول افتاب بالای یك‌لوحه مدور نشا ند هنده جذب شده و یا داخل شدن یك مرد عادی درکیش آفتاب پرستی در زمان کوشانی ها میباشد (۱۵٤) * حتی‌در مسایل کوشانی عصر بودایی رب النوع افتاب دیده شده است .چنانچه اثار یاد گاری یا یاد بودی شیخان دهری مربوط به‌دور کوشانی‌ها و رسم سوریا بالای گادی در نقاشی های با میان که مربوط به‌عصر کوشانی های بعدی میباشد شاهد مدعای ماست .

مو جو دیت بودا و رب النوع‌افتاب را بصورت یکجا یی میتوان در اثار هیکل تراشی نیمه بر جسته‌بهاجا وبودهی گیا و سایر نقاط ملاحظه و مشاهده‌نمود .دلیل معقول‌برای ذکر این‌مشخصه آفتاب پرستی مجهول باقی میماند . در عنعنات وروایات هندی تشابهات یا وجوه مشترك بین بودا و آفتاب وجوددارد . در چند منبع محدودی نژادیا نسل بودا به افتاب نسبت داده‌شده‌است . هرگاه این تشابه و نسبت دادن با در نظر داشت اصل سلطنتی‌او باشد طوریکه روز نفلید تذکر داده است ، پس باید رب النوع‌افتاب در تمام اثار هیکل تراشی نیمه بر جسته که تمثیل کننده‌صحنه تولد بودا میباشد ، بنظر میرسد در حالیکه اینطور نیست .بادرنظر داشت آنچه گفته امدیم

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تشابه و نزدیکی بود او رب النوع‌افتاب بنابر دلایل سمبو لیـــــك میباشد نه کدام اصل دیگر . امکان‌آن‌نیز وجود دارد که‌بودایها مسایل مربوط به آفتاب را بنابر شهرت وعمومیت آن بر گزیده باشند .

از ذکر آنچه در بالا گذشت باین‌نتیجه میرسیم که مسایل کوشانی ها و افتاب پرستی حقایقی بیشماری‌را در بر دارد که در گذشته‌بصورت کامل و همه جانبه بررسی وارزیابی‌نگردیده است . کو شانیان شاید شکل میتریك آفتاب پرستی را بادرنظر داشت جنبش و تحولات بین‌المللی میتر یزم از آسیای غربـــی‌پذیرا شده باشند زیرا این شکـــل افتاب پرستی در آنزمان با سیاست‌مذهبی کشور ساز گار مینمـــود و جوا بگوی نیاز مندی تمام اقشـــارمانند نجباء ، عساکر و طبقه عوام کوشانشهر بود .

نظریه سوپر (۹۲) (۱۵۸) *مبنی‌بر اینکه کوشانی ها اساطیـــــر سلطنتی داشتند که‌با میتریزم‌ارتباط‌داشت . قسما درست بنظر نمـــی رسد .

بهمین ترتیب روزنفلید مبنی بـــراینکه ائین افتاب پرستی بصـــورت مستقیم و انکشاف یافته در بیـــن‌کوشانی ها رایج نبود ضعیف جلوه مینماید . زیرا عصر کو شانیـــــان‌یکی از ادوار خلاق تاریخ آفتـــــاب پرستی محسوب میشود بخاطراینکه‌نخستین بار مجسمه رب النوع‌افتاب در عصر کوشانی ها ساخته شد .همچنان یك قانون واقعی ایکنوگرافی افتاب بادر نظرداشت اصل‌پورتریت‌های سلطنتی در مسکو کـــات و روایات و عنعنات پیشین بو مـــی وهلنستیك ، درین زمان بوجود آمد. که این اصل نه تنها از نقطه نظرتاریخ پرستش حایز اهمیت میباشد بلکه از جهت تغیر اجتماعی .تحریك‌اقتصادی و ایدیو لوژی سیاسی در ادوار بعدی در هند نیـــز ارزش‌فراوان داشته ست .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

پاورقی ها

1—Purana
2—Elios
3—Miiro
4—Kirste
5—Anio
6—Theodore Bloch
7—Mat Shrina
8—Perzfield
9—D. B. Diskalkar
10—Scheftelowitz
11—Bhavisya Purana
12—Samba Upa Purana
13—White head
14—Soper
15—Rowland
16—House of Gold
17—J. N. Banerjea
18—Philoxenus
19—Humbach
20—Stretencron
21—Samba Upa Purana
22—Bhavisya Purana
23—Maga
24—Allchin
25—Reliquary
26—Boyce
27—B. N. Puri
28—Hyrkodes
29—Pharro
30—Mirro
31—Pharro
32—Mahisvarsa
33—Tang-i-Sarwak
34—Yatsavaka
35—Mithric
36—Anthropomorphic
37—Balambat
38—Mithric
39—Ardaviksha
40—Onia
41—Omber
42—Hephaistos
43—Mahesena
44—Aditya
45—Miiro
46—Miro
47—Meiro
48—Mirro
49—Mioro
50—Miuro
51—Mao
52—Helious
53—ELIOS
54—Homer
55—Mithra
56—Quadriga
57—Bhaja
58—Bodh—Gaya
59—Ananta-Gumpha

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

60—Lala—Bhagat
61—Ghandraketugarh
62—Plato
63—Philoxenus
64—Plato
65—P. Gardner
66—Avanti
67—Mozpooano
68—Hihraman
69—Burzmuhrpurh
70—Oesho
71—Tattiriy Samhita
72—Rohita
73—Sunga
74—Chandraketugarh
75—Anant Gumpha
76—Lala Bhagat
77—Pharro
78—Samba
79—Bhavishya purana
80—Bhadrasana
81—Jan al garhi
82—Atl antos
83—Mithraman
84—Burzmihrpur
85—Mihira
86—Mitra
87—Varahamihira
88—Mihirakula
89—Mihira Laksmi
90—Bhanumitra
91— Suryamitra
92— Soper

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

Bibliography

*1. It is a conventionalized form of the term Kushan which I have used here. In Indian inscriptions it is generally written as Kushan.

*2. I have accepted here the concept of a Kushan period as extending from the first to the fourth centuries A.D. as is accepted by John M. Rosenfield, The Dynastic Arts of the Kushans, 1967, P. 3.

*3. Pargiter. F. E., Purana text ofthe Dynasties of the Kali London, 1913, p. 57 (text) and 74 (translation); Cf. Visnu Purana, Ch. 24.

*4. Gafurov, B. G., Kushan Civilisation and World Culture, in Proceedings of the International Conference on the History, Archaeology and Culture of Central Asia in the Kushan Period, Dushanbe, 1968, published 1974 pp. 71-80.

*5. See Frumkin, G., Archaeology in Soviet Central Asia, Vol. III, Bd., I of Handbuch der Orientalistik, Leiden, 1968.

*6. See Dupree, L., Afghanistan, Princeton, 1973, pp. 303 ff.

*7. See Dani, A, and Khan F., Kushan Civilisation in Pakistan, in Proceedings, Dushanbe, pp. 95-106.

*8. Thapar, B., The Kushan Civilisation in India: An Appraisal of the Component Elements, in Proceedings, Dushanbe, pp. 90-94, Sharma, G. R., The Saka- Kushans in the Central Ganga Valley, (with J. S. Negi), in Proceedings, Dushanbe, pp. 15-41, Kushan Studies, Allababad 1968.

*9. Rosenfield, op. cit., 6. 2

*10. Ibid, p. 3

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

*11. Gafurov, op. cit., p. 80 rightly says that scholars still have a number of challenging problems to solve: they have to identify Kushan features in later religious systems of India. etc.

*12. Rosenfield, op. cit., p. 4.

*13. Zoroastrian Deities on Indo-Scthian Coins, Oriental and and Babylonian Record August 1887 and also Indian Antiquary, XVII (1888), p. 89 ff.

*14. Vienna Oriental Journal, II (1888), pp. 237-244.

*15 Coins of the Indo-Scythians, Numismatice, 3rd series, XII pp. 44—98.

*16. Chattopadhyay, B., The Age of the Kushans, A Numistic Study, Calcutta, 1968, pp. 141-188.

*17. Die boroastrischen Gottheiten au den Munzen der Kusana-Konige, Zeitschrift-der Deutschen Morgenlandsichen Gesels-chaft, LXIV, 739-744.

*18. Vogel, J. Ph. ASIR, 1911-12, pp. 127 and La Sculpture de Mathura, Ars Asiatica, XV, 130.

*19. Die Sasanidischen quadrigae solis et lunae, Archaeologische Mitteilungen aus Iran, II, pp. 128-131.

*20. Some Brahmanical Sculptures in the Mathura Museum, JU-PHS, V, (I), pp. 18-57.

*21. Rosenfield, op. cit., p. 190.

*22. Ibid, p. 196–197.

*23. Die Mithra-Religion der Indoskythen und ihre Beziehung zum Saura-und Mithras-kult, Acta Orientalia, XI, pp. 292-333.

*24. See Whitehead, R. B., Catalogue of coins in the Punjab Museum, Lahore, Vol II Indo-Greek Coins, Oxford, 1914; Smith V. A., Catalogue of the Coins in the Indian Museum, Calcutta, Vol. I, Oxford, 1906, Gardner, P., The Coins of the Greek and Scythic Kings of Bactria and India, London, 1886; Allan, J, Catalogue of Indian Coins in the British Museum London, 1936; Spooner, and Hargreaves, Handbook to the Sculptures in the Peshawar Museum, Calcutta, 1930, Agarwala, V. S., A. Catalogue of the Brahmanical Images in Mathura Art, Luc now, 1951.

*25. These were respectively published in 1910 and 1899.

*26. Hazra, R. C., Studies in the Upa-Puranas, Vol. I, Calcutta, 1958, and Srivastava, V. C. SunbWorship in Ancient India, Allahabac, 1972, pp. 232 ff.

*27. Multan, The House of Gold, NC, XVII, 60-72.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

*28. Aspects of Light Symbolism in Gandharan Sculptures, Artibus Asiae, XII, 252-283, 314 ff; XIII, 63-85.

*29. Buddha and the Sungod, Zalmoxis, I

*30 For instance Humbach, H., Der Iranische Mithra als Daiva, Paideuma, VII, 75

*31. Op. cit., 272.

*32. Rosenfield, op. cit., p. 195.

*33. Beal, Buddhist Records of the Western World, II, 274

*34. Eliot and Dowson, History of India as Told by its own Historians, I, 18-73.

*35. Hazra, Studies, I, I, 40 ff.

*36. op. cit., 60-72.

*37. Srivastava, V. C., op cit., 245.

*38. The Development of Hindu Iconography, first ed. Calcutta, 1941.

*39. Ibid., 140 (1956 ed.)

*40 Ibid., 432-433.

*41. Allchin,, F. R., A Cruciform Reliquary from Shai Khan Dheri, in Aspects of Indian Art (Papers presented in a symposium at the Los Angeles County Museum of Art, Oct. Oct. 1970) ed. by P. Pal, Leiden, 1972, pp. 15-26.

*42. op cit.,

*43. op. cit., p. VII.

*44. Ibid, 192.

*45. Ibid., 190.

*46. Ibid., 196

*47. Ibid., 194-95.

*48. Srivastava, op. cit., 352 ff.

*49. Srivastava, V. C. Samba Purana, Allahabad, 1975, p. 16 ff

*50. op. cit., 352 ff. 297-299.

*51. op cit., 15-26.

*52. For instance he reiterated the older view of the great impact of the Magian tradition on the Indian Sun-cult and their advent was agreed as fal-ling in the Saka-Kushan period.

*53. On the Zoroastrian Temple Cult of Fire, JAOS, Vol. 95, no. 3, 1975, 454-465.

*54. Puri, B. N., India under the Kushans, Bombay, 1964, Chattopadhyay B., The Age of the Kushans, Calcutta, 1967.

*55. Yadava, B.N.S., Some Aspects of the changing order in India during the Saka-Kushan Age, in proceedings, Dushanbe, p. 123. ff, fn. 19.

*56. op. cit., p. 185.

*57. Rosenfield, op. cit., 70.

*58 Ibid, 12-16.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

*59. Ibid., 17
*60. Ibid
*61. Cf. ibid, 81-82.
*62. Ibid., 96
*63. Ibid., 12 ff
*64. Ibid., 22-26
*65. Hou Han-shu, 118. 9a
*66. A Comprehensive of India,
II, pp. 400 ff.
*67. Rosenfield, op. cit., 25
*68. Ibid., 54-57
*69. Ibid., 60-66.
*70. Ibid., 106-109.
*71. Ibid., 109-110.
*72. Ibid., 109-110.
*72. Ibid., 113
*73. Vogel., op. cit., Schlumber
en Bactrian, JA 1052, 533-ger, Le temple de Surkh Kotel
543; 1954, 161-205; 1955, e69-280.
*74. op. cit., 25
*75. Cumont, F. The Mysteries of Mithra, 34 ff.
*76. Srivastava, V. C. Antiquity of Magas in Ancient India, Proceedings, Indian History Congress 1968.

*77. Rosenfield, op. cit., 103.
*78. Banerjea, op. cit. 438.
*79. Herzfield, Am Tor von Asien, Berlin, 1920; Henning, W. B., The Monuments and Inscriptions of Tang-i-Sawak, Asia Major, n.s., II (1952), 151-179.
*80. JNSIXXXII (1960)-109-112
*81. Allan, BMC XXLVI Shrivst ava Worship in Ancient Indian 285-286.
*82. Banerjea. op cit 139.
*83. Dani, A.H.' Ancient Pakistan. III.
*84. Cumont, op. cit., 30 ff, Moultan, The Treasure of Magi, 9 ff
*85. Srivastava, op. cit., 244 ff.
*86. Schlumberger, op. cit., of. Boyce, op. cit.,
*87. Rosenfield, op. cit., 69.
*88. Ibid., and Puri, Ideology and Religion in the Kushan Epoch, Proceedings, Dushanbe, 183-190.
*89. Rosenfield, op., cit., 77, 82.
*90. op. cit., 141-188.
*91. Rosenfield, op. cit., 72.
*92. Ibid., 81-82 coins 115, 116.
*93. Ibid., coin 117.
*94. Ibid, coin 118, 119.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

*95. Ibid, coin 120, 121
*96. Ibid., coin 122, 123, 124.
*97. Ibid, coin 125, 126.
*98a. Ibid, 127, 128.
*98. Ibid, 129.
*99. Ibid. 130.
*100. Ibid, 131,
*101. Ibid, 113, 114.
*102. Ibid, 90, 31.
*103. Rosenfield, op. cit., 192.
*104. Srivastava, Sun-Worship in Ancient India, 293-297.
*105. op. cit., 141 ff.
*106. Srivastava, op. cit., 293-297.
*107. A Comprehensive History of India, 785.
*108. Gardner, op. cit., pl. VI, fig 61.
*109. A Comprehensive History of India, 785.
*110. op. cit., pl. VI, fig. 61.
*111. Srivastava, The Religious Study of a Symbol on an Avanti Coin, Memoirs, No. 2 BHU, pp. 133-36.
*112. Rosenfield, op. cit.,
*113 Ibid., 197.
*114. op. cit.
*115. Rosenfield, op. cit., 72.
*116. Chattopadhyay, ip. cit.,
*117. op. cit 192.
*118. Ingholt, Quoted by Rosenfield, op. cit. 70.
*119. Sircar, Age of Imperial Unity, 147.
*120. Chattopadhyay, op. cit., Smith, Early History of India 281.
*121. Rosenfield, op. cit., 70.
*122. Cumont, op. cit., 30. ff.
*123. Ibid.
*124. RV, I. 115. I., Srivastava, op. cit., 48 ff.
*125. AV, II, 21; 40; VII. 13.
*126. TS, II.4/14.
*127. AV, Srivastava, Rohita in the Atharvaveda, QJMS, LVIII
*128. Srivastava, Sun-worship, 69
*129. Ibid., 80ff.
*130. Rosenfield, op. cit., 204ff
*131. Cumont, op. cit.
*132. Gafurov, op. cit.,
*133. Levi, Toung Pao, XIII, p. 307.
*134. Srivastava, op. cit., 352.
*135. A Comprehensive History of India, 785.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

*136. Srivastava, op. cit. 352.
*137. Rosenfield, op. cit. 190.
*138. Hazra, Studies, Vol. I
*139. Srivastata, op. cit. 298
*140. Rosenfield, op. ci. 96.
*141. Ibid. 190.
*142. Ibid. 208.
*143. Srivasava, op. cit. 293.
*144. Hazra, Sudies, Vol. I
*145. Agarwala, V. S., op. ci., 167
*146. Ibid.
*147. Ibid, Srivastava, op. ci. 299. fig. 3.
*148. Banerjea, op. ci. pl. XXVIII,
*149. Hazra, Sudies, I.
*150. Schlumberger, op. cit.
*151. Whitehead, op. cit.
*152. Maricq, JA, 367, 396.
*153. Srivastava, op. cit.
*154. Rosenfield, op. cit., fig. 18.
*155. Allchin, cit.,
*156. Rowlands, op. cit.
*157. Rosenfield op. cit.
*158. OP-Cit.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نویسنده : داکتر بایج نات پوری

بخش اول : بر گرداننده : حمیدالله صدیقی

کتاب شناسی کوشانی

پیشگفتار :

بازده مقا لا ت ومونو گرافیهایی که باز مینه های متعدد عصر کوشانی ها در ارتباط اند بسیار زیاد است .

باز یافته ها و کاوش های اخیرباستا نشناسی در مناطق مربوط به کوشانی ها واقع در افغا نستـــان،هندوستان ، آسیای مرکزی اتحـاد شوروی ، ایران ، پاکستان مـــوادتازهٔ را بدسترس ما قرار میدهد که این مواد ابعاد جدیدی را درمطالعات کوشانی گشوده است .

تهیه بیلو گرافی کو شانی‌هاجهت‌بهم پیوستن ماخذ کار های قبلی و همچنان نتایج تحقیقات جاریـــــه‌نیاز یست که آنرا دانشمنـدان از مدت درازی بدینسو احساس مـــی‌نمایند . کار موجوده تلاشیســـت برای بر آورده ساختن این‌نیاز .

برنامه تهیه نمودن این ببلـــوگرافی‌نخستین بار ازطرف‌کمیسیون ملی هند و البته به سازمان تربیتی،علمی وفر هنگی ملل متحد(یونسکو) مطرح گردید و این کمیسیون بعـداًماموریت تحقق این بر نامه رابعهده شورای تحقیقات تاریخی هنـــــدوا گذاشت . شورای مذکور در این زمینه از داکتر پوری تقاضا بعمـل‌آورد تا آنراتکمیل نماید .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

داکتر پوری که مولف کتـــاب‌معیاری یی در باره کوشانیهاســت درتهیه این ببلو گرافی یی تاحـدممکن جامع از هیچگونه زحمتـــی بر خود دریغ نداشت . کاروی علاوه‌از ترتیب فهرست از کار های‌دست دوم‌مشتمل است برهمه دسته بندی‌های از مواد و مراجع وابسته به‌آن، ازقبیل: نوشته ها، منابع کـتیـبه‌شناسی ، سکه شناسی و آثـــار هنری . داکتر پوری از اینها همـه‌نه تنها فهر ستی تهیه کرده بلکه تشریحاتی نیز از آنها بعمل آورده‌که خواننده را در فهم ماهیت آنهـا یاری میرساند .

من متیقن هستم ، پژو هند گان‌و شاگردانی که در درجه بلند تـر معلومات راجع به تاریخ آسیـــای‌مرکزی و هند مصروف کار اند این اثر را مفید یابند .

آر . س . شرما
رئیس شورای تحقیقات تاریـــخ
هند

دهلی نو
۱۹ مارچ ۱۹۷۷

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مقدمه

در قرون اولیه مسیحی در تاریخ آسیاه کوشانی ها برای محقیقن جلب نظر مینماید . مورخین قدیم چینایی آنها رابنام کوی شوانگ که بخشی از قبیله بادیه نشین یوچی را تشکیل میدادند و در اطراف کو - هـهای تیا نشا ن مستقر بـودنـدمیشناختند .

یوچی ها بواسطه قبیله دیگری به نام هوانگ نو «هان» از سر زمیـن اولیه شان بیجا شدند و بالاخره دریکی از سالهای پیش از میلاد درسر- حدات قلمرو شاهان گریگو با ختـرمستقر گردیدند . کـوی شوانگـ تحت رهبری رئیس شان کیوتسوکیو یاکجولاکد فیزس دسته های دیگر قبیله یوچی راتابع خود ساخته ودرنتیجه باختر وسغدیانه را تسخیـر نمودند .

کد فیزس اول باختر وسغد یانه (شهر بزرگ سمر قنـد واقـع در ازبکستان» را متحد ساخت، پارت هاوساك ها «سیتی ها » را مغلوب نمود ونفوذ خویش را در جنوب تاوادی کابل و کشمیر توسعه داد .
پسرش ین کارچن یاویما کد فیزس، تین سین (هند) رافتح نمودوامپرا- توری خویش را در شرق تاوراهاسی «بنارس» و درجنوب غرب تاسند بنها بخشید .

سالنامه های چینایی بعد از ثبت فعالیت های سیاسی این دو حکمران کدفیزس سکوت اختیار میکند کتیبه ها و مسکو کات به یك خانواده دیگر کوشانی که شامل کنشکای بزرگ، پسرانش واسشکاهو شیکاوجانشین آنها که و اسیودیوا میبا شد اشاره میکند، کتیبه هایی از و اسشکـاو پسرش کنشکا نیز بدست آمده که دال بر تعلق آنها ست به خانواده دیگر کوشانی ، معروف به کوشا نی های بعدی که سکه های مربوط بـه آنها نیز کشف شده است .

بین این سه سلسله سلطنتی خلایی بفاصله زمانی یك دهه یابیشتر ازآن در هر دو صورت وجود داشته است این حالت پیچیده در تاریخ کوشا نی ها که به صورت نا معلوم در بیـن قرن دوم پـم وقرن سوم یاچـهارم میلادی قرار دارد وابسته به سنـه کنشکاست درقرن اول یادوم میلادی که هرچند دانشمندان می خوا هند آنر درقرن سوم میلادی قرار دهند تقریبا

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بیشتر ازمدت صدسال بدینسو ست دانشمندان شرقی و غر بی فعالا نه مصروف تصنیف مسایل مربوط به زمینه های کوشانی ها هستنـــد و مساله اختلاف در سنه کنشکا مانـع حل این مسایل میگردد ، ولی باز هم خلای بین نظرات مختلف روبه کاهیش میرود. طرح کرونو لوژیك وروابط بین خانواده های کوشانی همچنـان شامل این مبا حثات میگردد .

مواد مرتب برای شا گـــر دان متجسس که زمانی اندك بودد ر سی سال اخیر به اندازه قابل مـلا حظه افزایش یافته است . حفریات بیشتر در مناطق آسیای مرکزی خصو صادرافغانستان تاریخ وفرهنگ کوشانی ها را ابعاد جدیدی بخشیده است .

مطالعه همه جانبه این مردم آسیای مرکزی و تمدن مربوط به آنها علاوه برکمك مواد بدست آمده ازین مناطق به صورت طبیعی نیازمند آموزش و مطالبه کمك در اخذ معلومـــات ازدانشمندان کشور های مختلـف در رشته های معینه ا ین مو ضوع می باشد .

بنابر همین دلیل بود که ضرورت تهیه بیلو گرافی تشریحی در باره مطا لعات کوشانی احساس گردید .

برنامه تهیه بییو گرافی یی کـه بتواند برای مشورت وبهم پیو ستن حوادث در این زمینه از آن استفاده شود برای بار اول توسط هیئت ملی هندو ستان به همکاری یونسکو درسال ۱۹۷۰ مطرح گردید که تطبیق آن به عهده من گذاشته شد و از من تقاضا بعل آمد تا برای انجـــام آن آمادگی بگیرم. من درصورت نبودن هیچگونه مواد کمکی تحقیقی در این قسمت از لای همه مواد موثقی که دراین بخش به زبانهای انگلیســـی ، فرانسوی و المانی وجود داشت مرور نمودم و فشرده آنها را رو نو یس کردم، تا باشداین ببلیو گرافی واقعابه صورت یك ببلیو گرافی تشریحی بار آید و نیز تفسیر کوتاهی درباره بعضی از بخش های تاریخ وفرهنگ کوشانی ها به صورت مختصر داده باشم .من علاوتا مواد کتیبه شناسی رابه طور مناسبی دسته بندی نمودم و همه کتیبه های موثقی را کـه در دسترس من قرار گرفت همراه بـافهرست و مأخذ آنها یاد داشت کرده مختصری از مقالات را نیز یاد آوری نمودم . همچنان منابع ادبی، هنری و سکه شناسی را نیز تشریح کردم تا باشد این ببلیو گرافی ازلحاظ شکل وسیع و از لحاظ تشریحات مکمل بار آید .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

مادامیکه من موادی را که در هند بدسترس داشتم و از آن استفاده‌می کردم مقالات سیمینارلندن ودوشنبه‌راکه توسط داکتر الکسندر . س- سوپر در مطالعات اخیرش درموردسنه کنشکا در فص ٤ صفحات ۳۳۹- ۳۵۰، وجلد ۱۷ (۱۹۷۲)نص۱ صفحات ۱۲۰- ۱۰۳) تکرار نموده بود ازنظر دور نداشتم .

من از مقاله های متذکره در این‌کتاب بصورت مکمل استفاده کردم. طوریکه در فهر ست اختصا رات مشاهده می شود، من‌ازاصول قرار دادی روش بکار برد نخست نوشتن‌نام اثر و بد نبال اختصار اثری که که از آن استفاده بعمل آمده پیروی‌کرده ام .

امید وارم مطا لعه کنندگان درتعقیب ما خذ به مشکلات موا جه نخوا هند شد .

من از داکتر آر، س،شر ما رئیس‌شورای تحقیقات تاریخی و مدیر آن شورا ، سر ، ب ،آر گرور بـه‌منا سبت تحقق بخشیدن مسا لـه نشر این اثر سپا سگذارم .

ب .ن . پوری
لکنهو ۲٦ جنوری ۱۹۷۷

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

اختصارات

ABORI	Annals of the Bhandarkar Oriental Research Institute.
Agrawala, Catalogue	Catalogue of the Mathura Museum.
AO	Acta Orientalia.
ASIAR	Archaeological Survey of India, Annual Report.
ASI Fr. Cir.	Archaeological Survey of India, Frontier Circle.
ASR	Cunningham's Archaeological Survey Reports.
BSOPAS	Bulletin of the School of Oriental and African Studies.
BEFEO	Billetin Delecole Francaise d'Extreme Orient.
RSOS	Bulletin of the School of Oriental Studies.
Cal. Rev.	Calcutta Review.
CHI	Cobridge History of India.
CHM	Cahiers D'histoire Mondiale.
CII	Corpus Inscriptionum Indicarum.
Com. HI	A Comprehensive History of India, II, edited by K. A. Nilakanta Sastri.
DAK	Rosenfield, Dynastic Arts of the Kushanas.
DK	Papers on the Date of Kanishka, edited by A. L. Basham.
EHI	V. A. Smith, Early History of India.
EI	Epigraphia Indica.
Gardner	Catalogue of coins of the Greek and Scythic Kings of Bactria and India in the British Museum.
IC	Indian Culture.
IHQ	Indian Historical Quarterly.
IUK	B. N. Puri; India Under Kushanas.
JA	Journal Asiatique.
JAOS	Journal of the American Oriental Society.
JASB	Journal of the Asiatic Society of Bengal.
JAS BO.	Journal of the Asiatic Society of Bombay.
JBBARAS	Journal of the Bombay Branch of the Royal Asiatic Society.
JBORS	Journal of the Bihar and Orissa Research Society,

CC-0. Agamnigam Digital Preservation Foundation, Chandigarh

JIH	Journal of Indian History.
JISOA	Journal of the Indian Society of Oriental Art.
JNSI	Journal of the Numistic Society of India.
JOI	Journal of the Oriental Institute, Baroda.
JPASB	Journal and Proceedings of the Asiatic Society of Bengal.
JRAS	Journal of the Royal Asiatic Society.
JUPHS	Journal of U.P. Historical Society.
LMI	Luder's Mathura Inscriptions edited by K. L. Janert.
Luder's List	A list of Brahmi Inscriptions from the Earliest time to about A. D. 400 with the Exception of those Asoka Appendix to E1, 10.
Majumdar's List	List of Kharoshthi Inscriptions.
NC	The Numismatic Chronicle.
NIA	New Indian Antiquary.
OZ	Ostasiatische Zeitschrift.
PHAI	H. C. Raychaudhuri: Political History of Ancient India.
PIHC	Proceeding of the Indian History Congress
PMC	Panjab Museum Catalogue by R. B. Whitehead.
Proc	Proceedings of the Asiatic Society of Bengal.
Rapson	Catalogue of Coins of the Andhra Dynasty, the Western Ksatrapas, The Traikutaka Dynasty and the Bodhi Dynasty.
SBAW	Sitzungberichte der Berliner Akademic der Eissenschaften.
Sel. Ins.	D.C. Sircar: Select Inscriptions, I.
SP	J. E. Van Lohuizen-de-Leeuw: The Scythian Period.
Vogel, Cat. Mat. Mus.	Vogel, Catalogue of the Mathura Museum,
VOJ	Vienna Oriental Journal.
Whitehead	Catalogue of Coins in the Punjab Museum, Vol. I.
ZDMG	Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Geselschaft.
TGBI	Tarn: Greeks in Bactria and India.
WZKM	Wiener Zeitschrift Fur Kunde des Mozgenlandes

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

فهرست

بخش اول :
پیشگفتار
مقد مه
اختصارات
نام کو شا نی ها
ملیت و سر زمین اصلی کوشانی‌هاو
روابط آنها با یوچی هاو قبا یل
دیگر
کتاب شنا سی
منا بع چینا یی

بخش دو م :
تاریخ سیا سی
حکمرانان کدفیز س
مواد ما خذ : کتیبه شناسی
کتیبه به اصطلاح بنام تحت راهی
کتیبه های سال ۱۰۳
کتیبه پنج تار سال ۱۲۲
کتیبه حك شده در صفحه‌نقرهٔاز
تاکیسلا سال ۱۳٦
کتیبه کالوان که در صفحه‌مسی
نوشته شده سال ۱۳٤
کتیبه خالا سی سا ل ۱۸۷
کتیبه نقرهٔ درروی ظر ف از
تاکسیلا سال ۱۹۱

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بخش سو م :

منا بع چینا یی

کجو لا کد فیزس، گندو فارنس

هر مایو س

تاثیر نفوذ روم بر سکه هـــای

کجولا کدفیزس

کجو لوو کجولو کارا کد فیزس

ویما کدفیزس

ویما کدفیزس وسا کاکشانراپا

ویما کدفیزس و سوتر میکاس

جهو نیکا- زیو نیز س

اسناد کتبی عصر کد فیز س

کتاب شنا سی مزید

بخش چهارم

کنشکا وجا نشینان او

کنشکا بحیث یو چی های کو چك

فتو حات کنشکـــا و گسترش

امپرا توری وی

عصر کنشکا

مقا لات کنفرا نس لندن

پیا مد ها ی دیگر

مسیر فتو حات کنشکا

کو شا نی های بعدی یـــــا

کو چك

خا تمه و کو شا نی ها ی کیداری

وسعت امپرا توری کو شا نی ها

وسیستم اداری آنها .

تشکیلات اداری

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بخش پنجم

ادبیات و فر هنگ
منا بع
بود ها کا ر یتا
سو ندرانا ندا
سار یپو تراپرا کا رانا
دهر مه های دیگر
آثار دیگر اسوه غوشا
مها وسیو
لالیتاو ستارا
اوادانا س
دو یا و ادانا
ساد هر ما پو نداریکا
سو خا وایتو ها
میلاندا پاند هو

بخش ششم :

کتاب شنا سی ، آثار و مقالات
راجع به تاریخ و فـــر هنگ عصر
کوشا نی ها
منا بع مواد کتیبه شنا سی
فهرست سنه وار کتیبه ها
کتیبه های برا همی

بخش هفتم :

سکه شنا سی
باز یافت سکه های کنشکا
انواع فلز کار ی
کتاب شنا سی
مقالات

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بخش هشتم :

هنر و معما ری

هنر گندهارا

گریکو رو من

فهر ست بیشتر کتب در باره‌هنر گندهارا

سا حه گندهارا

هنر متهورا

نفوذ خار جی

مجسمه بودا

مجسمه های دیگر

مجسمه های برهمنی و مـــواد دیگر

کتاب شنا سی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

نام کوشانا

اصطلاح کوشانا در کتیبه های براهمی، خروش وسکه‌های حکمروایان این خانواده به‌اشکال مختلف تذکار یافته است. درسکه های کدفیزس اول که به‌رسم الخط یونانی میباشداین نام رابصورت کوشانو و کوشانسو میخوانیم، در حالیکه روی‌سکه های به رسم الخط خروش به شکل کوشانا یا خوشانا ثبت میباشد. اسنادآسیای مرکزی کوشاناوکرشانا را تشریح میکند (نمبر های۷۹، ۱۳۶، ۱۹۳، ۱۹۸وغیره) متین کنو تحت عنوان

(Corpus Inscription idicarumII (i) , P.XliX)

کتیبه معروف سات (واقع‌در متهورا) از کوشانا پوترانام میبرد (راپور سالانه سروی باستانشناسی هندسال ۱۹۱۱-۱۹۱۲صفحه 12 ff). سالنامه‌های چینائی به‌کوي‌شوانک Kuei—Shuang اشاره میکند (کتاب شناسی منابع چینائی). در حالیکه طبق گفته لودر درکالپانامانداتیکای‌مربوط به‌کومارالاتا، شاه کنشکا به‌خانواده Kiu — Sha و یاد قیتر کوش منسوب دانسته شده است کیوشا Bruchstuck der Kalpanam andi- tike drs Kumaralata صفحه‌و سال ۱۹۲۶، لیزیك. کلمه کوشانا از جانب Boron. A Von Stael Holstein بحث‌حالت جمع اضافی کلمه کوشا بکار رفته (JRAS، ۱۹۱۴۰۶، صفحه 79 ff). این کلمه همچنان ارطرف سانشین هلفن طوری بیان گردیده که اطلاح کوشانا سنجیث‌حالت جمع اضافي‌یاصفت که ازجانب متین کنو در (JIH، ۱۹۳۳، صفحه۶۴۳، ۶۴۴و (Xlix 'P' (1) II 'Cll, بکاربرده شده امکانات موجودیت Kusa, رابحیث اختصار Kusi غیر قابل تردید میدانند.

کوشانی ها نامی بود که نزد کسانیکه باکوشانی هاارتباط مستقیم یا غیرمستقیم داشتند به آن شناخته‌شده بودند. سانشن هلفن

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

همچنان اشکال مختلف کلمه Kusa, و نام های شهر های کوشارا تذکار داده است : (JAOS صفحه ۵۰ ، ۶ ۷۴. ff) کتیبه‌های هندی ازآنها بنام کوشانا یادکرده ، کیبته مانیکیالا به گوشاناوا ساسام وارها کابصورت واضع بحیث قبیلهٔ از خانواده گرشانا یا کوشانا اشاره میکند (II) II (1)،صفحه ۱۴۹.)

جایا سوال کوشانارا نام شخصی موسس این خانواده بنام کیجولاکدفیزس میداند .

(JRAS ۷۱۰×، ۱۹۳۰ صفحه ۲۵۶۰.)

جهت یاداشت مکمل انواع اشکال این اصطلاح آثار ذیل دیده شود :

ج . اف فلیت: JRAS ۱۹۱۴ صفحه ۳۹۶.

ستین کنو : EI ، ابریل ۱۹۱۸ ،صفحه ۲۱۸)،

ب . ن پوری JIH ، ۱۹۴۲ . صفات ۵۷-۵۹)

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ملیت وسر زمین اصلی کوشانی ها

وروابط ایشان با یوچی وقبایل دیگر

شواهد دست داشته در این باره اندك است ؛ قبل از اشاره به هر گونه تشریح معین در این باره ایجاب میکند تا تدقیق وبررسی درستی از آنها بعمل آید . کوشانی ها نه ترك بودند ونه منگول بلکه آنها به یکی از شاخه های آریائی یا به عبارت دقیقتر به یکی از شاخه های سیتی یا ساکها متعلق اند نامهای کدفیزس ، کنشکا ، هوشیکا در حد معین سیتو اند بحیث کادا (پیشاهنگ یا پیش رونده) آریائی یا پیس (شکل یا متبارز) سیرا کا پیتی سیتی های آریائی توجیه گردد .

ایوگن هولتیش در (ZDMG ، ۹۶ ، ۱۹۱۵ . صفحه ۱۷۶۰) قیاس میکند که کوشانی ها از منشأ ترکی اند . وی میگوید این مساله از شکل نام Kujula کجولا که تطابق با کجواو Kujulu (قوی) ویاوگا Yavuga که تطابق یابغوی ترکی دارد واضح میشود .

تثبیت ملیت کوشانی ها طبق نظر وی با مقایسه چهره های آنها که در روی سکه ها یشان تمثیل گردیده تائید میشود . استخوانهای جمجمه ، استخوانهای هموار الاشه ، بینی های بزرگ درازوکشیده ، ریش انبوه حکمروایان که قبای کشاد برتن دارند وپاپوش های کلان که از خصوصیات ویژه مردم ترکستان بشمار میرود (کینیدی جی، JRAS ، ۱۹۱۲ ، صفحه ۶۷۰) . ادعای نظریه ترکی بودن آنهااز روی یاداشت های را ترانجینی (I, ۱۷۰) تائید گردیده ، که در آن به شاهان ترکی گند ها را استناد کرده وکنشکا را بحیث اجداد آنها توصیف نوده است . وی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

دیگر اعضای این خانواده را بنام تروسکاس Turuskas یا ترک Turk. خوانده است .

طبق سیتن کنو بسیار قرین به حقیقت است که کوشانی ها از لحاظ منشأ آریائی باشند که این مطلب از روی عناوینی که توسط آنها بکار رفته ظاهر میشود .عنوان یوو گا Yavuge تطابق با زاوا Zauva دار دو قبلا بواسط ساکاپتیکا (Cll,II (1) ,Pl) بکار رفته است . منابع چینائی اشاره میکند به قبیله معروف به یوچی، مهاجرت های آنها، فتوحات آن‌ها در سرزمینی که تاهیا نامیده میشد، بجا شدن ساکها، تقسیمات آن‌ها به پنج قبیله که کوی‌شوانك یا کوشان قبیله مسلط برآنها بود. این مطالب مربوط به بیان سالنامه اولین خانواده هان است که توسط پان کو تهیه شده وآن به اساس گزارش سفرچانگ کین با ارتباط به اثر سوما تچین و سالنامه های خانواده های بعدی تالیف فای ئی نوشته شده است .

منابع چینائی به اصلیت نژادی منگولی کوشانی ها تاکید میکند مساله روابط کوشانی ها با یوچی‌ها بحیث یکی از پنج یوبغو یا قبیله یا یکی از این پنج طایفه ویا قلمرو که این قبایل بعد از تسیخرهیا تا درتحت اثرته یوچی Ta—yueh—chi (یوچی‌های بزرگ) در آمدند. درسالنامه های چینائی قید گردیده است.

به نظر این منابع کوشانی ها از نظر منشأ نژادی منگول بوده اند :

(زیمور ,H «هنرآسیائی‌هند»، تورنتو. ۱۹۵۵، صفحه ۷)

اما تصاویر آن‌ها بروی سکه ها بصورت قفقازی کنده شده است (روز نفیلد جان .م . « هنر عصر کوشانی ها» صفحه ۹۰) .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

کتاب شناسی

بارون ا. ون ستیل هولیستن:

«آیا بنام کوشانی نژادی وجود داشت؟»، JRAS ۱۹۱٤، صفحه ۲۹.

«کوشانو ویوچی»، SBAW، ۱۹۱٤، صفحه ۶٤۰۰.

ستین کنو:

«در باره ملیت کوشانی ها»، ZDMG، ۱۹۱٤، صفحه ۸٤.

طبق توضیح این اثر کوشانا ـ کوی شوانگ، توهولو Tu—ho-lo تخاری بودند.

نام تخاری ظاهراً همان چیزیست که آنرا هندی ها تخارا وچینائی ها توهولو میگفتند.

به اساس شرح اورل ستین توهولوی قدیم به خرابه های نزد یك دریای ایندر واقع در ترکستان چین که ممکنست در قرن سوم ق م متروك شده باشد اطلاق میگردید.

تمدنی که در نزدیکی ویرانه های قدیم ظاهر گردید اصلا هندی بود وحتی زبان اداره وتجارت آنها را لهجه هندی تشکیل میداد که به این صورت عنصر هندی بی نیرومندی در میان باشندگان بومی آنجا وجود داشت.

آ. میلیت اتریچیلت:

سالنامه Indogermanishes، ۱۹۱۳.

لوفر:

«زبان یوچی»، شیکاگو، ۱۹۱۷.

ج. شار پنتیر

ZDMG,. Ethen — Stellung der Tochoren,, ۱۹۱۷، صفحه ۳٤۷.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ف . و . ک . مولر :

« تخاری و کرشا » ، برلین ، ۱۹۱۸ .

س . لیند کوسیت :

« Zum Tochari problem Moude Oriental » ، اپسالا ، ۱۹۱۸ .

ر . گروسه :

"L'Histoire del' Extreme Orient" ، جلد I) . صفحه . ۵۹ .

لوئس دله واله - پوسن :

"L'Inde aux temps des Mauryas" ، صفحه ۳۰۷ مرجع تار

ب . ن پوری :

« ملیت ومسکن اصلی کوشانی ها » ، Vill, IC ، صفحه ۹ .

این اثر به منشأ آسیای غربی کوشانی ها اشاره میکند . این نظریه بعداً در «هند تحت اثر کوشانی ها» بیان گردیده است (فصل I) .

ستین کنو :

« کتیبه های خروشتی به استثنأ کتیبه های اشوکا » . Corpus Inscription indicarum ، PT ۱ ، صفحه . ۱۰ ff) بحث روی نظریات مختلف موجود در باره این موضوع

اتومیو نشن هنفن :

« با زجوئی مساله یـوچی » ، JAOS, ، ۶۵صفحه ۷۱۰ ff . وی دراین اثراظهار میدارد که Kusanas = Kusa در نژاد یوچی ، نجبای ساکا بودند . و مسکن ایشانرا در منطقه تخاریان مربوط به ترکستان چین قرار میدهد .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

منابع چینایی

شی چی Chih — Chi یادداشت‌های تاریخی، فصل ۱۳۰ ،
نوشتن یادداشت‌ها را سوماتسین (سال فوت ۱۱۰ پ م) آغاز کرد
بعداً توسط پسرش سوما چین درسال ۱۰۰ پ م تکمیل گردید. این یادا-
شت‌ها شامل اتفاقات تاریخیست تا سال ۹۰ پ م. فصل ۱۲۳ آن گذارش
جنرال چانك چین را که از (۱۴۰ تا ۱۴ پ م فعالیت داشت) دربر
میگیرد، وی اصلاً برای جلب کمك یوچی‌ها برای شکست دادن دشمنان
سرسخت امپراتوری چین (هیوانگ نوها) که درسرحدات غربی قلمرو
چین زندگی میکردند بدانجا فرستاده شده بود. جنرال مذکور بعداز
سپری کردن ۱۳ سال سال درمیان قبایل دیگر سرانجام درسال ۲۸ ث م
نزد یوچی‌ها رسید.

این اثر سوماتسین و پسرش را چاوانیسن تحت عنوان ذیل ترجمه
گردیوه است.

"Les Memoires historigus de S__maTslen,)
toung — Puo, II, Vlll, صفحه ۱۸۹ ff

همچنان فریدریك هرت آنرا تحت عنوان «داستان چانگ کین» در نشریه
انجمن شرق شناسی امریکا (XXXVll، ۱۹۱۷. صفحات ۸۹۰-۱۵۲)
ترجمه نمود.

چین هان ـ شو Chiun—Han—shu;:

چین‌هانشو تاریخ سلسله قدیم هان است که نخست توسط پان کو
(سالهای ۳۲-۹۲ م) در حوالی سالهای ۸۰ تالیف گردید. موصوف
رویداد های سفر چانگ چن را به اساس آن تحقیقات انجام شده
توسط پدرش پان پیا (در سال ۵۴ فوت نمود) که بعداً دخترش
پانچاو (سال فوت ۱۱۶) کارش را تکمیل کرد تالیف نمود.
چین هانشو جزئیات برخوردهای بین وو سون Wu—Sun و یوچی
و برخورد یوچی‌ها با هیوانگ نو Hiung—nu به تفصیل شرح میدهد.
این اثر قبایل یوچی مذکور را منسوب به دسته کوچکی میداند که از

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

دسته بزرگ جداشده به‌طرف کوه‌های شمال شرقی تبت پیشروی کردند که آنها بحیث یوچی های کوچک نامیده میشدند.

چین- هان- شو را، آ. ویلی تحت عنوان «یادداشت‌هائی درباره مناطق غربی» ترجمه نموده است (نشریه موسسه مردم شناسی برتیانیا وآیرلند، ×، لندن، ۱۸۸۱، صفحات ۲۰-۷۳، ×۱، ۱۸۲۰، صفحات ۷۴ - ۱۱۵ .

هو هان شو Hou—Han—Shu :

«سالنامه سلسله اخیرهان»، این اثر توسط فان یی (سال وفات ۴۴۶ م) تالیف شده است. «شرحی درباره مناطق غربی» (فصل ۱۱۸) عمدتاً متکی بر گزارش جنرال پان یانگ درباره امپراتوری هان، اندکی قبل از سال ۱۲۵ میباشد. فصل‌های که درباره سرزمین یوچی‌ها ومناطق مجاور آن اختصاص دارد، شرایط حکمفرما در آن مناطق را در اوایل قرن دوم شرح میدهد. فان ئی اطلاعات بیشتری را که متکی برمنابع دیگر نیز میشود وتاسال ۱۷۰ م ارتباط دارد در آن علاوه کرده است. اما این اطلاعات صرفاً به سرزمین های شرقی ترکستان مختص میباشد. معلومات پان یانگ براساس اطلاعات بدرش پان چاو اتکا دارد که نامبرده درسال ۷۴ م از جانب امپراتور هسین- تسانگ جهت پاک سازی آن قبایل دشمن که در برابر کاروانهای تجارتی چین که ازطریق حوزه تارم واطراف پامیر عبور میکردند مانع بشمار میرفت، بدانجا فرستاده شده بود.

یادداشت‌های این جنرال به امپراتور چین، یک اثر دپلوماسی قدیم چین بشمار میرود.

پان یانگ تا زمان بازگشت به چین در حوالی ۱۰۰ میلادی در آن مناطق فعالانه اقامت داشت. پسرش نیز تا سالهای ۱۲۴-۱۲۷ م در آنجا زندگی کرد، اما درباره کوشانی ها چیزی یادآور نمیشود. این اثر برای تاریخ حکمرانان دوکدفیزس وشکست نیروی های ویماکدفیزس ازطرف جنرال پان چاو حایز اهمیت است.

هوهان - شو توسط چاواینس ترجمه گردیده است :

Les Poys d'occident d'apres le Heon — Han Chou",Toung Pao, سلسله II، جلد IV ۱۹۰۷، صفحات ۱۳۴- ۱۴۹ .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

سان کوچی San—Kuo—Chih :

«یاداشت های درباره سه قلمرو» در ۶۵ فصل، تالیف چین شو (۲۳۳-۲۹۷) این اثر مشتمل است بر شرح تاریخ سه امپراتوری: وی Wei (۲۲۰-۲۶۵)، شوهان Shu—Han (۲۲۱-۲۶۳) و Wo و (۲۲۰-۲۸۰).

تاریخ وی چی Wei—Chih مشتمل بر دو منبع مهم در باره یوچی میباشد. این اثر توسط چاوانیس- تونگ پا و ترجمه شده است، V (۱۹۰۴)، صفحه ۴۸۹، ff فرانک کتلاك تراجم صفحه ۱۱۰. وی- اوچ Wei—Luch: «خلاصه Wei» در اواسط قرن سوم دوباره توسط یووانگ Yu—Huan تالیف گردیده است که اکنون دردسترس قرار ندارد، اما قسمت های از بقایای آن در تبصره پی سونگ چس راجع به سان کوچی San—Kuo Shih نقل شده که اثر اخیرا لذکر در سال ۴۲۹ م نشر گردید.

چاوانیس، تونگ- پاو، ۷۱ (۱۹۰۵) صفحات ۵۱۹-۵۷۱؛

س. لیوی Nots sur les indo—Scythes، ژور نال ایزیاتیك، ۱۸۹۷، صفحه ۱۴- ۲۰، وهمانجا، ۱۹۰۰ صفحات ۴۱۵- ۴۶۸.

نان چو Chih—(1—Wu)Nan—Chou :

«خاطره اشیای عجیب ازناحیه جنوب».

این اثر توسط وان چن درباره اواسط قرن سوم نوشته شده است. آثار باقی مانده ازآن در تفسیر چانگ سی Cheng-ci تالیف چانگ سو چی chang—Sou—Chih، ۲۳۷ م، نقل گردیده است. این اثر صرف به مردم و سرزمین یوچی های بزرگ اختصاص یافته است که طبق آن سرزمین مذکور تقریبا در حدود ۷۰۰ لی در شمال تین چو موقعیت دارد، E.Zurchr. زورچر در مقاله اش تحت عنوان «یوچی ها و کنشکا در منابع چینائی» منتشره در مجوعه مقالات درباره سنه کنشکا مرتبه ا.ل اشمن، برله لیدن، ۱۹۶۸، صفحه ۳۷۶ ازآن استفاده کرده.

بررسی منابع چینائی راجع به موضوع متذکره توسط مولف در صفحات ۳۴۲-۳۹۰ صورت گرفته است. تذکار قدیمی تری که به استناد این مقاله صورت گرفته است نقل قولیست که توسط جان م روزنفیلد در اثرش تحت عنوان «هنر عصر کوشانی ها» در صفحات ۲۸۱-۲۸۲ بعمل آمده است.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

پی شی PeiShih :

«تاریخ سلسله های شمالی» توسطه لین ین Liyen—nien در حد فصل بسال ٦٤٣ تالیف شده که عصر بین سالهای ٣٨٦ - ٥٨١ را احتوا میکند . فصل ٦٧ پی شی تحت عنوان ناحیه غربی برای تکمیل کردن خلای Wei Shu وی شو واقع در تاریخ Wei وی که قبلاً فصلی در باره غرب نداشت تهیه شده است .

این اثر همچنان به سرزمین یوچی های کوچک وشهر فولوشا Fu—Lou—sha بحیث پایتخت آنها اشاره میکند . زور چر همچنان فقره های مربوط به منابع بودائی را که دراین اثر آمده اقتباس نموده و علاوتاً شامل مطالبی میشود ازقبیل سفر نامه فاهیان Fa—hien, Fa—hisien « فهرست کتب راهب والامقام فاهیان » (همچنان فوکوچی Fo—kuo—Chi) « شرح قلمرو های بودائی ها » که کمی بعد تراز ٤١٣ تحریر گردیده است .

سفر نامه سونگیان Sung—Yun وهوی شینگ Hui—Seng ٥١٨ ٥٢٢ م) بصورت یک شرح طویل در پنجمین کتاب Lo-yong Chieh-Lanchi لیولانگ جیه لانچی زیرعنوان شرح معابد لویانگ بهرشته تحریه درآمدو بعداً توسط یانگ هیوان چی Yang—Hsuan—Chih در سال ٥٤٧ تکمیل گردید .

همچنان یک شرح مختصروتغیر یافته این سفر نامه به عنوان زیل وجود دارد :

Taisho Tripitaka '2086, Pei weiSeng Hui — Seng Shih hsishih—Yu—Chi

«شرح هیت اعزامی به ناحیه غربی راهب هوی شینگ Hui — Sheng مربوط به سلسله وی شمالی » در این مبحث اشارهٔ به مطالب آئی صورت گرفته است : پادشاهی که چیاینچیا (کنشکا) نامیده میشد ووی در شهر پایتخت چی آین تولو (گندهارا خصوصاً پرورشاپورا) سه صد سال بعد از نیروانانی بود ا معبدی را بر پا ساخت . ودر آن همچنان اشاره بر استوپهٔ که از سطح زمین ٤٠٠ فت بلندی داشت وتوسط این حکمروا اعمار گردیده بود بعمل آمده است .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

هسی یوچی His—YuChi :

سفرنامه هیوانشسانگ Hsuang — tsang « شرح نواهی غربی (امپراتوری بزرگ تانگ — Tang)". تالیف آن توسط هیوانتسانگ از روی یادداشت‌های جریان سفرش (٦٢٩ - ٦٤٥) صورت گرفت. پن‌چی Pien Chi آنرا تنظیم و قبل از سال ٦٤٩ کار آنرا تکمیل کرد. تقریضی بر آن درشش فصل در تای شو تریپیتکه، LI نمره ۲۰۸۷ صفحه ۸٦۷، ۵۹. صورت گرفته است. زایر مذکور در یادداشت هایش اشاره میکند به مطالبی از قبیل اینکه شاه Chia-ni-se-Chia (کنشکا) پادشاه سرزمین Ch'ien — Lo—Lo (گندهارا، واینکه وی نیروهایش را گسیل داشت تا قلمرو او را بسوی شرق تا پامیر Tsung—Ling توسعه دهند. وحکمرانان قبایل غربی پسران خود را بصورت یرغمل به نزد او فرستاده بودند. در این اثر چنان اشاراتی راجع به کنشکا بحیث مشوق شورای مذهبی بودائیان که در سرزمین کشمیر تحت ریاست پارسوا Parsva دایر شده بود و اعمار استوپهٔ چارصد سال بعد از بروانای Ta thagata نیز بعمل آمده است این معلومات در — Ken—pen—Shuo—,—chich Yo—Pu— Pi n ai — Yeh - Yao — Shih تذکار یافته است این مطالب در بهایساج یا ویستو مربوط مولا سارو استیوادیوانایا (فصل Pl . IX ۲۰، ٤۱، ۰۵ .) توسط

1—Chang ۱-چانگ در حوالی شروع قرن هشتم ترجمه گردید. متن اصلی این اثر کلا با متن متذکره سانسکریت مولا سارواستیوادیوانایا، ۱. ۳-٤ در کتیبه های گلگیت V.III.Ptl موافق است.

تسا - پاو تسانگ چنگ Tsa—pao — tsang— Ching :

توسط چی‌چایی Chi — Chia — Yeh ((Kimkarya)? و تان‌یو Tan—Yao در سال ٤۷۰م ترجمه گردیده ودر فصل هشت صفحه ٤۸٤، Isq دوداستانی از ملاقات شاه یوچی بنام Chen tan Chi-ni-Cha (کنشکا) باارهات Chih—Yeh—tu چیاتو در آن دیده میشود. در همین متن آمده که وی درحوالی ۷۰۰ سال بعد از نیروانا زندگی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

میکرد. قصه دیگر آن از سه رفیق صمیمی همین شاه بحث میکند که عبارت بودند از بودیزاتو ساینگ (اسوه غوشا)، صدراعظم موچالو وچی لوچیای طبیب. وی همچنان علاوه میکند که هر یک از آنها مشوره های مفیدی را نسبت به آینده امید بخش به شاه روا میداشتند.

Ta Shuang—Yen Lun Chlug or
Ching — Lun, Kalpanalam kritika
: Kalpanamanditi ka .

بنا بر روایتی ین اثر به اسوه غوشا نسبت داده شده، اما به احتمال زیاد آنرا فاید کومارالاسا نوشته ودر اوایل قرن پنجم توسط کومارا جیوا ترجمه گردیده است.

فصل چهارم صفحه ۲۸۷ ۱۹۰۱۰ اشاره میکند به Chen l'an Chia-ni-Cha مربوط به نژاد Chn—Sha (کوشان ؟) که آنها در مقابل هند شرقی لشکر کشی تا دیبی را براه انداخت. داستان فتح این نواحی توسط کنشکا بصورت مشرح در تحت عنوان Fu—fa—tsang Yin Yuan Chuan بیان گردیده وتوسط Chi—cha—yeh (Kimkarya ?) و تانیا و Tau—Yao در حوالی ۴۷۰ م ترجمه گردید.

در این اثر همچنان به شاه یوچی اشاره گردیده که وی شاه پتالی پوترا را درهم کوبید وشاه پتالی پوترا گرانبها ترین اشیای سر زمین خود را که شامل حکیم اسوه غوشا ومرغ افسانوی که نوید خوشبختی بار میاورد با کچکول بودا را بصورت پیش کش بوی تقدیم کرد. وعلاوتاً از فتح An-hsi (پارتیا) توسط شاه یوچی نیز یاد آور میگردد.

این موخذ مهم چینائی که با یوچی، کوی شوانگ (کوشانیها) وفعالیت های سیاسی ومذهبی کنشکا ارتباط میگیرد توسط دانشمندان مختلف ترجمه شده است.

چاوانیس ج. ا. د:

Documents sur des Turces Occidentaux. سنت پترز بورگ ۱۹۰۳.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

Notes addition elles sun les Tou —Kiue (Turcs) Occdentaux, Tonng pao, 2 nd Ser.V. (1904) PP. 1 — 11 .

Les pays doccident d upres le Heou—Han — Chou Toung Pao, 2nd, Ser, VII (1907)., PP. 519-571.

Trouse generaux Chinais de ledynestie des Han Orientanx : PanTchao (32—102 A.D), PanYong Leang kin(d.112A.D)', Toung Toung pao 2nd ser, VII (1906) pp 210—169.

تجدید نظر از وو فرانک ، تحت عنوان

Beitray ans Chinesischen Quellen Zur, Kenntniss der Turkvolker und der Skythen Zentratasiens,Toung, Pao, 2nd Ser V (1904) P. pp. 487,490.

Les documents Chinois decouverts par Aureul Stein daus les sables du Turkestan Oriental (1913).

لوی سیلوین :

Notes Chinoises sur l'Inde, Bulletin de l'Ecole Francoise d' Extreme Orient, v (1905) pp. 253-305.

Notes sur les Indo-Scythes', Journal Asiatique, 1896, pp. 444-484; 1897, pp. 5-26, 27-42;

این اثر توسط و . ا فلمبس در نشریه باستانشناسی هند XXXII ۱۹۰۳) ، صفحه ۳۸۱ - ۳۸۸ ؛ ۴۲۶ - ۴۱۷ . ترجمه شده است .

زوزچر . ا :

« یوچی و کنشکا در منابع چینائی » یک مقاله جامعی است که تقریباً کلیه منابع چینائی را در بر میگیرد . واستخراج های از ان متون کاملاً ترجمه گردیده و بصورت مناسب با ماخذ مربوطه وجداولی از نامهای مناسب، با تلفظ چینائی تغیر یافته و مشخصات چینائی قدیم آن، استناد یافته است . این مقاله در کنفرانس لندن از ۲۰ - ۲۲ اپریل ۱۹۶۰ که در باره سنه کنشکا دایر شده بود ارائه گردیده وتوسط ای . ج . بریل لیدن (۱۹۶۸) در صفحات ۳۴۵ - ۳۹۰ چاپ گردید .

کتابها ومقاله‌های دیگری که این مواد وماخذ مربوط به سنه کنشکا وسایر مسایل وابسته به آن را بصورت توصیفی بیان میکند عبارت انداز :

مارکوارت :

Eran-shar nach das' Geographie der ps Moses Xorenaci, Abhand lungen d. Ges. Wiss Zu Guttingen. Band III, 1901.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

فر یدریك هرت :
«داستان چا نکین» XXXVII, JAOS (۱۹۱۷)، صفات ۸۹-۱۵۹.
و یلی. آ:
«یاداشت هایی درباره نواحی غربی» ترجمه چین ها نشواست در نشریه موسه انترورولوژی برتیانیای کبیروآیرلیند, X، لندن، ۱۸۸۱ صفحات، ۲۰-۷۳، XI ۱۸۸۲، صفحات ۸۳۰- ۱۱۵.
کنز مل :
ارتباط چین با ترکستان غربی در قرن دوم میلادی» . نشریه انجمن شاهی شرق سرق شناسی ۱۸۸۲، صفحه. ۸۲،
دی. گروت :
Die Hannen der vorchristlichen Zeit, 1921.
فرانك ، او :
"Beitrage aus chinesischen Quellen" (1904) in Abhanlungen d. Konig preus. Akademie
همچنان دیده شود به : IA ۱۹۰۶، صفحه ۳۳۰ . ff ،
JRAS . ۱۹۰۷ ، صفحه . ۶۷۵ ff «چین غربی»، ۱۹۲۶.
سمت . و . ا :
«عصر کوشان یا اندوستی در تاریخ هند» ، JRAS ، ۱۹۰۳، صفحه . ۱ ff بهترین وجامع ترین مطالعه پیرامون آن عصر بشمار میرود .
سپکت ادوارد :
"Les Indo-Sythes et l'epoque de regne de Kanich Ka", JA, 9th series, tome series, tome X, 1897"Etudes sur l'Asie centrale", JA II, 1883, pp. 324 ff
گوش . اج.س :
« سنه کنشکا » IV 'IHQ, ، صفحه ۷۶۰، v, ff, صفحه ۴۹ ff .
غالبا جامع ترین مقاله میباشد که توسط یك دانشمند هندی با استفاده از منابع چینائی درمورد نوشتن تاریخ کوشانی ها وسنه کشکا نوشته شده است .
بویر. م. آ:
« سنه کشکا» JA ، سلسه ۹، جلد ۱۵، طقحه ۹۲۶ ff .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

ترن. و. و:

«یونانی ها در باختر وهند». کامبرج، ۱۹۳۸.

برحسب گفته ترن، تئوری جدید که رئیس کوشانی ها یکی از پنج شهزاده یوچی های باختر بود ووی دیگران را مطیع خود ساخت، شرح قبیلی ئی را که در هوهان شو ارایه شده بود از بین میبرد. (صفحه ۲۸۳).

نراین آ. ك:

«یونانی های هند»، اکسفورد، ۱۹۵۷، فصل ۷۱. این اثر بصورت جامع تر با مأخذ غنی روی این مساله اختصاص یافته است.

پوری ب. ن:

«هند تحت اثر کوشانی ها»، بمبی، ۱۹۶۸.

درین اثر نویسنده درباره ملیت کوشانی ها با توجه چهره های آنها در روی مسکوکات و رجوع به منابع کلاسیك یونانی، لاتینی، شواهد پورانائی وهمچنان تحلیل شواهدی از منابع چینائی بحث میکند. وی توضیح میدارد که کوشانی ها در منطقهٔ نزدیك باکتریا که مربوط به ساکهای قدیم بود زندگی میکردند، این اثر دارای پاورقی هایست که تعداد آن به ۴۰۰ بالغ میگردد. فصل اول آن که به ملیت وسرزمین اصلی کوشانی ها اختصاص یافته متکی به اسناد موثق و تشریحات جامع میباشد.

روزنفلید. جان. م:

«هنر عصر کوشانی ها» طبع پوهنتون کالیفورنیا، برکلی ولاس-انجلس، ۱۹۶۷.

فصل اول آن به ظهور، نام و زبان کوشانی ها اختصاص یافته است. به اساس گفته وی کلمه چینائی یوچی ممکنست کنایهٔ باشد از خانواده یا (نژاد) مهتاب واین کلمه کلی تر یا پرمفهوم تر است نسبت به اینکه در اصل کوشان بوده باشد. کنشکا اغلباً در کتیبه هایش لقب سانسکریت «کندرا» یا مهتاب را نقره کرده است. کلمه کوشانا ممکن است مشابه Tusara پورانا و Thochari نوشته های کلاسیك

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

باشد. طوریکه دیده میشود تخارستان بیشتر به نام کوشان شهر در شمال هندوکش اطلاق شده است. این مطلب قابل تعجب زیاد است که نام تخاری ها در هیچیک از سکه کتیبه های سلطنتی کوشانی ها بنظر نمیخورد.

ج. ا. لوهوزن- د- لیو:

«عصر سیتی ها»، لیدن، ۱۹۴۹.

پروفیسور هالندی در این اثر فقره ذیل را از ژوستین (سترابو. XI، ۲.۸) نقل کرده:

Saraucae et Asiani Bactra occupavere et soghianos,

فقره مذکور اشاره میکند بر تشابه دقیق کلمه یوچی با توخاریان و اینکه نام دیگر Asiani آسیانی، Asis آسیس، یوچی است و یا حداقل طبقه حکمروای آنها میباشد صفحه (۳۸).

درین ارتباط نقل قول از یک منبع قدیمی درباره این قبایل آسیای مرکزی و ارتباط شان با یکدیگر حایز اهمیت بشمار میرود. سترا بو فتوحات ساکها را در باختر تشریح کرده میگوید در آنجا شاهان یونانی بواسطه قبایل بادیه نیشن سیتی و اخلاف شان که مشهورترین آنها ازیوی- پازانوی- تخاروی ساکاراولوی بودند از پا درآمد. تروگوس در کتاب ٤١ نیز تشریحاتی در باره قبایل سیتی، قبایل سارا وکاو آسیانی که آنها باختر و سغدیانه را به اشغال درآوردند ارایه نموده است.

مقدمه کتاب ٤٢ تروگوس دارای معلومات بیشتر یست درباره اینکه آسیانی پادشاه تخارها شد و باعث قلع وقمع سارو کیا و گردید.

ون لوهوزین درجای دیگر آسیانی را با تخاری- تخار یا یکی میداند (صفحه ٤٣) وهر چند این هردو توسط ترن از همدیگر مجزا گردید است (op.cit). ون وندیکنز اظهار میدارد که کلمه Asi (سفید) معنی میدهد واشارهٔ بوده که برای شاهان تخاری که سالها برآنها حکمروائی میکردند استعمال میشد (اقتباس شده در «عصر سیتی» صفحه ٤٣)

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

بعضی از دانشمندان Asie را باوسون Wu—sun یکی میدانند مثل چارپنتیر ، دیگولریس ، کوریور که در «عصر سیتی» از آنها نقل قول گردیده است .

بیلی مینویسد که arsi کلمه سانسکریت Arya است و Asii مردمیست مربوط به Assetes یا As واقع درجنوب روسیه . BSOAS VIII, ۳۷ - ۱۹۳۵ - صفحه . ۹۱۲ .

سلوین لـوی : JA ، I. ، ۱۸۹۷ ، صفحه . ۱۰ : وی در اثرش نظریه تشابه تخارها را با یوچی و تعین محل آنها واقع درختن را به اساس نظر مارکوارت پشتیبانی میکند ، طبق نظروی تخارها تاهیاها هستند که درسرزمینی که هیوانتسانگ آنرا توهولوی قدیم Tou—hou—lo نامیده وموقعیت آنرا در رواسط حوزه اگسوس بفاصله ۳۰۰ کیلو متر در شرق ختن تعین کرده است .

اوریل ستین :

سیرندیا ، صفحه . ۲۸۷ ff . به اساس گفته وی : بین مهاجرت یوچی وتوهولوی قدیم رابطهٔ وجود نداشت . وی بصورت روشن از مطلبی بحث میکند که تخاری هارا مردم نواحی غربی قبل از زمان Assyrian زمانیکه هوچی ها هنوز نامعلوم بودند میشناختند .

اوریل ستین نظرات مختلفی را که در این موضو توسط ریموسات بیان گردیده یاد آوری میکند :

Remarques sar l'extension de l'empire Chinosis du cote de l'occident suos les Tang; vivian de st. Martin: Memoires sur less Hans blance, 1850, p.233;

Yule: Thuen—Tsang's account of the principalities of Tukhari stan, JRAS, p. 92; von Richthofen.China, I, 1877, p. 433; Vascounc ellos: Abreu Moscow, 1883; Frank: Turkvolker, p. 24

مارکوارت : «ایرانشهر» صفحه ۲۰۰ ،

جتزوزوکوابارا : « "Tozai-Kotsushi rouso" 42-47

(مونشن هلفن آنرا اقتباس کرده است cit, op صفحه ۷۲) بنظر نویسنده مولفین هوهانشو در برداشت خود ازتیسن هانشو اشتباه کرده . طبق این اثرمادامیکه یوچی ها سلطنت باختر را تسلیم شدند در تاهیا پنج هی هو وجود داشت . لذا کوشانی ها یوچی بوده نمیتواند .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

تفسیر کوابارا ازین مسایل توسط دانشمند ان ذیل پذیرفته شده است .

هانیدا تورو :

"A propos des Ta-Yue-tchi et des Kunei Choung" Bulletin de la Maison Franco, Japonaise, 1933 pp 1-11.

ستین کنو :

« یاداشت هادر باره کرونو لوژی اندوستین » JIH ، ۱۹۳۳ صفحه ۱۳ - ۱۴

پول پلیوت: JA "Tokharian et Kuotchien" ، ۱۹۳۴ - ۳۸ .

اما ترن درین باره مخالف نظر کوابارا است cit.op ، صفحه ۷۲

بگچی . ب . س :

« پیام ریاست جمهوری » بخش هند قدیم گذارش کانگره تاریخ هندوستان (اهگره ، ۱۹۴۳ . نویسنده راجع به بادیه نشین های آسیای مرکزی در تاریخ هند بحث میکند و ماخذی را که راجع به تخارها در متون هند باستان وجود دارد نقل میکند این ماخذ عبارتند از Epics ، Puranas ودرمتن بودائی یعنی Mahamayuri ، Sadharma-Smrtupathana ودرستون Epics و Puranas مها بهارا ته ، بمبی ، متن ۱۱ - ۵۱ ، ۱۸۵۰ ؛ ۱۱۱ ، ۵۱ ، ۱۹۸۷ هاریوامسا ، S.I ، ۱۲۰ (۳۱۱) ؛ رامایوا ، XLIV . K'KIS ۱۵ ؛ وایوپورانا ، XLV ، ۱۸ ؛ وغیره شرح سقوط قبیله ساکها و Tusaras حاوی اهمیت است .

طبق نظر بگچی این دو نام طوری جلوه میدهد که شاید عین نام باشد . این نام ها را در هاری وامسا باساکها ، دارادا ها و پهلوها همردیف آمده وطوری پنداشته شده که آن ها Mlecchas وداسیو ها خواهند بود (C) ، ۱۴ ، ۶۴۴ - ۴۲) .

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

لوسین آنها را با تخاری‌ها مشابه میداند وموقعیت آنها رادر شمال هندوکش قرار میدهد :

Pargiter : Indische Alterthumskunde, map; ترجمه- Markandeya Purana P.320)

پلینی و پطولمی از آنها به ترتیب Tuchari و Thocara که در نزدیکهای شمال کسپری یا کشمیر زندگی میکردند یاد آوری میکنند. برحسب بگچی تا هیای سالنامه های چینائی قدیم بصورت Da—(t)—ga تلفظ میگردید ولی با همه امکانات درین مورد این کلمه جای تلفظ Dogar یا تخار را که در قرن پنجم به شکل To—ho—lo,TuXuo—Lo تلفظ میشد گرفت. در سالنامه مذکور آمده که پادشاه این سر زمین سفیری به چین فرستاد .

پایان بخش اول

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

world history and tightening co-operation among nations. There are relics of Balkh and Delbarjin, which may scholars assume were capitals of the Greco-Bactrian Kingdom, in the east of Tellya Tepe. In the north, the Ammodarya, which mothered many ancient oasis states, flows to the Aral Sea. Thus, the area is the heart of the Silk Route.

All the precious articles from the Tellya Tepe relics are spotless and stored in the National Museum in Kabul. Professor Higuchi praised that the government of Democratic Re public of Afghanistan is paying very close attention in storing them and that he was really moved when he saw how care fully they are being kept.

The principal authority for determining the ages of the treasures was given by the three bronze mirrors made in the Han dynasty during the latter part of the first century, B.C. In each of these mirrors, engraved are 27 to 28 Chinese characters, which were decoded by Professor Higuchi to mean "It really is regrettable that much effort paid in serving with the king is not rewarding". A mirror of the Han dynasty hav ing a very similar meaning poem was discovered in an old tomb of Kyushu, Japan.

As reported in the front page in detail, the treasures discovered in the Tellya Tepe have fathomless significance. Since their photographs, amount to as many as 200, are now in Japan, they must be studied thoroughly. Many scholars in the world history believe that such study will give light to the enigma of the Kushan Kingdom or even to the five principalities which form the prehistory of the Kushan Kingdom.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

of the ancient Afghanistan as the crossroad of the east-west and north-south civilisation and significance of these treasures in research of the world history.

To wonder of everyone, relation between Japan and the Kushan Kingdom (Afghanistan of the present time and included India in the kingdom's latter period), which flourished in central Asia, was very close. For example, the original form of the Great Buddhas in Nara and Kamakura of Japan was born in the Kushan Kingdom and came to this farthest east through China, leaving similar images in several of China's well-known remains.

Some ancient Chinese documents record that the queen of Yamatai which existed in Japan sometime in the third century was given a large quantity of beautifully designed velvet by a Chinese emperor. Some historians, specialized in the Japanese history, assert that there are sufficient reasons to conclude that the velvet was made in the norhern part of Afghanistan.

Practically every Japanese is aware of existence of the Gandhara fine arts created by the Kushan Kingdom, and in all Japanese high schools boys and girls are taught of King Kanishka. However, at the level of the current history science, exact foundation period of the Kushan Kingdom is not known, nor flow of the culture and tribe configuration of the kingdom. It is said that a tribe called Yueh-chih is greatly associated in foundation of the Kushan Kingdom. According to Mr. Enoki, Honorary Professor of Toky University, the Yueh-chih was forced to migrate westward from the western part of the Mongol plateau by the Phun-nu, arrived to Bactria by the early part of the second century, and together with other nomadic tribes overthrew the Greco-Bactrian Kingdom. Many scholars tell that the Yueh-chih divided the Greco-Bactrian Kingdom into five principalities and one of them grew to the large empire of the Kushan Kingdom. How-ever, very little is known on the history development. Artifacts from the Tellpa Tepe are remains from the "Dark Ages". It looks as if these relics would tell us a lot of stories of the central Asia as well as Ancient Japan, if scholars exert the studies jointly.

Similarity of decoration in remains discovered in Japanese old tombs of the fifth century and in the crown from the Tillya Tepe relics seems to be whispering us some palpitating words.

We understand that "Tillya Tepe" means "Golden Mound". It will not be an exaggeration to call the treasures from the Golden Mound "Golden Data" for advancing studies of the

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

joint survey team expected to see some important remains in the hill and thus started the excavation. First, remains of a temple that goes back to the latter period of the second millinum, BC, were found. As the excavation proceeded, the real "Gold Mound" was found. 7 tombs of the royal family were found and in coffins of about 2.5 m underground, there were remains of 4 men and 2 women and numerous gold artifacts decorated with many jewels. One of the remains looked like a king as it has a crown on the head and a gold bowl at the pillow position.

The highlight of the relics is a crown having a size of 47 cm circumference and 12.5 cm height and made in a tree shape. Similar type crowns have been found in old tombs of much later period in the Korean Peninsular. Also, similarly shaped silver ornaments were found in old Japanese tombs of the fifth century. This should prove that eastern Asia had much of cultural influence from Afghanistan.

Also, as examples of superior artwork, there is a gold clasp showing the scene of wedding of Dionysus, the Greek god of wine, and the Cretan Princess Ariadne (see the colored photograph). It really is a magnificent art piece with much of turquoise inlaid around, and is an example of unique culture resulting from combination of the Greco-Roman, China and Scythian culture. There are numerous beautiful artifacts, bracelet with inlaid gems, gold ornaments, gold sheath, etc.&, and Professor Higuchi considers that all the culture in Mid-East, India, Europe at the time gathered in this spot of northern Afghanistan, which left such unique Tillya Tepe relics.

The two honorary professors, Mr. Egami and Mr. Enoki point out:

1. These artifacts seem to be manufactured in the Sheberghan area rather than being imported from elsewhere.

2. Th manufacture period is assumed to be immediately after perishing of the Greco-Bactrian Kingdom which had the capital in the Sheberghan area and immediately before establishment of the Kushan Kingdom immediately succeeded the Greco-Bactrian.

3. No literature existed at the time and events during the period are all veiled.

4. There is no example of relics being excavated like Tillya Tepe in the region.

From these points, the professors put stress on importance

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

The Silk Route, well-knownpath for exachange of the west and east culture during the ancient time, played an important role for development of mankind and co-operation among tribes. Being situated in the northern part of Afghanistan, Sheberghan was one of the most important cities in the Silk Route. In November 1978, a number of gold artifacts were dug by an Afghanistan and Soviet archaeologist team in a hill called Tillya Tepe in the outskirt of Sheberghan.

These artifacts, amount to as much as about 20,000 pieces, attracted worldwide attention as being uncomparable treasures in the field of both history science and fine arts, and they are carefully stored in the National Museum in Kabul, capital of the Democratic Republic of Afghanis-tan and studies are being made on them.

Professor Takayasu Higuchi Kyoto University, Japan, who was the leader of the university's Afghanistan archaeological survey team that visited Afghanistan in April 1981, was allowed to take about 200 colored photographs on major 50 artifacts among the 20,000 pieces as special favour of the Archaeology Bureau of the Ministry of Information and Culture, Afghanistan.

At present, these pictures are being studied by Professor Higuchi in detail. Both Professor Higuchi and two honorary Professors of Tokyo University, Mr. Namio Egami and Mr. Kazuo Enoki, who are the top authorities on the central Asian history in Japan, concludes that these are relics from establishment period of the engimatcial ancient kingdom of Kushan that governed the region, or from the period of the first centuries BC and AD which is immediately before establishment of the kingdom.

The Kushan Kingdom is a rich country with highly developed culture that created Buddhism images for the first time in the history. The Japanese people believe in Buddhism and are wor shipful of a number of buddhism images, which means they are deeply affected by the Kushan culture.

However, very little is known of the Kushan Kingdom as to the exact foundation and activities of the kingdom.

Artifacts discovered in Till ya Tepe will undoubtedly tell much of these to the world, and so much is being expected by the specialists.

Tillya Tepe is a hill of about 4 meter high, situated in the north of Sheberghan by about 5 km. The Afghanistan - Soviet

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

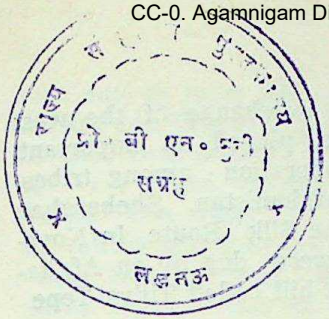

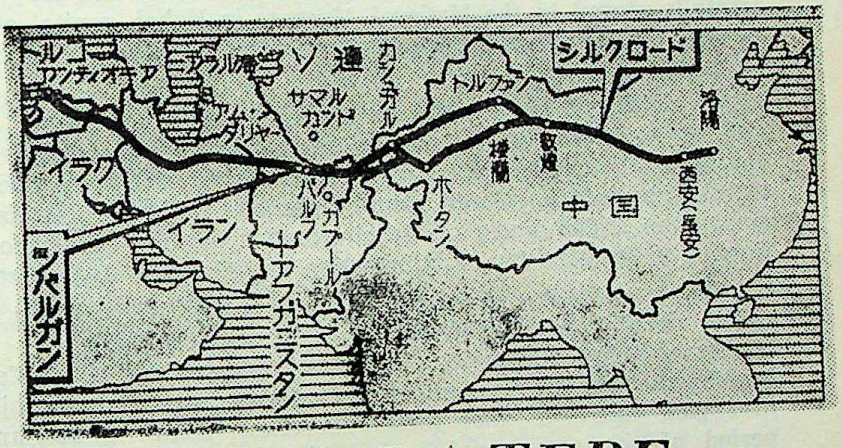

TELLA-TEPE

IN JAPANESE PRESS,

Few months ago two Japanese Archaeological scholars came to Kabul. When they returned home, they published subject matters related to the Tella-Tepe antiquities which are stored in Afghanistan National Museum, in June 10th-1981 (coincided with 13th Jauza 1360). Issue of the Asahi Shimbun Newspaper which we are publishing here in the Tahqiqat-e-Kushan Magazine for enlighting dear readers of the Magazine.

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

MINISTRY OF INFORMATION

AND CULTURE

International center

of kushan studies

Historical and scientific

Magazine of kushan studies

Kabul

July, 1981

Address :

Ministry of Information and culture

kushan studies, tmchaedogy

and Museum Department

International. center of

kushan studies

مطبعه دولتی

CC-0. Agamnigam Digital Presevation Foundation, Chandigarh

Tahqiqat-e-Kushani

International

Center of Kushan's

Studies

6878

EDITOR ;

Gul Mohammad Adabyar

Proof Readers :

Abdullah Dost — M. Amin Hakim